

کتاب معلّم (راهنمای تدریس)

نگارش پایه دهم دوره ی متوسطه ی دوم

گروه زبان و ادب فارسی
دفتر تألیف کتاب های درسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرفایل استاد

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب:

اعضای شورای برنامه‌ریزی:

مؤلفان:

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

مدیر امور فنی و چاپ:

طراح خط رایانه‌ای:

صفحه‌آرا:

طراح جلد:

امور فنی رایانه‌ای:

امور آماده‌سازی خبر:

ناشر: اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی تهران، خیابان ایرانشهر شمالی

فهرست مطالب

صفحات

موضوعات

.....	ستایش
.....	پیش گفتار
.....	سخنی با دبیران ارجمند

بخش نخست : کلیات

.....	مبانی برنامه‌ی درسی حوزه یادگیری زبان و ادبیات فارسی
.....	رویکردهای حاکم بر برنامه درسی
.....	اصول حاکم بر برنامه درسی
.....	اهداف برنامه درسی
.....	آشنایی با ساختار کتاب آموزش مهارت های نوشتاری متوسطه اول
.....	درنگی در ساختار و محتوای کتاب نگارش پایه دهم
.....	روش های یاددهی - یادگیری
.....	نگاهی به روش های یاددهی- یادگیری در کتاب های متوسطه اول
.....	شیوه نامه ارزشیابی

بخش دوم : بررسی درس ها

.....	درس اول: پرورش موضوع
.....	درس دوم: عینک نوشتن
.....	درس سوم: نوشته عینی
.....	درس چهارم: گزارش گونه نویسی
.....	درس پنجم: نوشته ذهنی (۱) جانشین سازی
.....	
.....	درس ششم: نوشته ذهنی (۲) سنجش و مقایسه
.....	
.....	درس هفتم: نوشته ذهنی (۳) ناسازی معنایی یا تضاد مفاهیم
.....	درس هشتم: داستان گونه نویسی
.....	نیایش

ستایش

عید فیل استاد

غیر قابل استناد

"نویسنده با اراده آغاز می کند نه با موفقیت"

من هر آنچه را به سود آرمانم، میهنم و مردم بدانم، به زیباترین و عمیق ترین شکل ممکن خواهم نوشت.

من آمده ام تا دینم را با نوشتن به دنیا بدهم، با صمیمانه نوشتن، مومنانه نوشتن، عاشقانه نوشتن، صادقانه، صبورانه، آگاهانه و بی محابا نوشتن.

اراده به نوشتن چندان آسان نیست، در واقع اراده برای انجام کارهای گران، همیشه با درد توام بوده است چراکه کارهای بزرگ انسانی، در عین حال که شادی آفرینند و گوارا، بسیار دشوارند و طاقت رسا.

رساندن یک سنگ آسیا از پای کوهی دور به جایی که در آنجا آسیابی بنا خواهد شد، همان قدر که آرام بخش است و دل نشین، دردآور است و کمر شکن.

نویسنده با اراده آغاز می کند نه با موفقیت و جنجال، در خلق و آفرینش آثار هنری تصادف و بخت حضور ندارند. اراده به نویسندگی، گذشته از همه مسایل نوعی تصفیه و تزکیه نفس است.

(نادر ابراهیمی، لوازم نویسندگی)

بخش نخست کلیات

مبانی برنامه‌ی درسی حوزه یادگیری زبان و ادبیات فارسی

زبان و ادبیات فارسی، بازنمایاننده اندیشه‌ها، باورها و شکوه فکر فرهیخته فرهنگ ایران است و چونان میراث ارزشمند نسل‌ها و سده‌ها از گذشته به امروز، راه یافته است. برگ برگ فرهنگ و ادب فارسی را آثار منثور و منظومی تشکیل داده که بیانگر غنای اندیشه و بینش‌های ایرانیان است. توجه به این موضوع حیاتی وظیفه حساس و خطیر برنامه‌ریزان درسی به ویژه در قلمرو تعلیم و تربیت به شمار می‌رود تا از طریق ایجاد فضاهای مناسب برای دانش‌آموزان، امکان آشنایی آنان با این ذخایر فرهنگی فراهم آید و تجارب شایسته برای رسیدن به مراتبی از حیات طیبه و نیکوتر زیستن، کسب شود؛ یکی از مهارت‌های ضروری در دنیای کنونی، توانایی نوشتن است، انسان در زندگی اجتماعی نیاز به بازگویی سخن و ارتباط با هم‌نوعان خود دارد. نوشتن در کنار گفتن، از راه‌های ماندگارسازی کلام و بیان افکار است. نوشتن به سبب پیوستگی ناگسستنی با اندیشه و تفکر انسان، می‌تواند نقشی مهم در تقویت خلاقیت و کاربرد آن، داشته باشد؛ بنابراین، با طراحی و تدوین برنامه درسی مناسب، می‌توان دانش‌آموزان را با این حوزه، آشنا و آنان را نسبت به پاس‌داری از میراث فرهنگی ترغیب کرد و در به کارگیری آموخته‌ها در زندگی توانمند ساخت.

رویکردهای حاکم بر برنامه درسی نگارش

رویکرد، جهت‌گیری اساسی نسبت به فرایند یاددهی-یادگیری و ابعاد گوناگون آن در حوزه برنامه‌ریزی درسی است. در یک نگاه کلی، از دو منظر (برنامه‌ی درسی ملی و برنامه‌ی درسی زبان و ادبیات فارسی) می‌توان به رویکرد، نگریست.

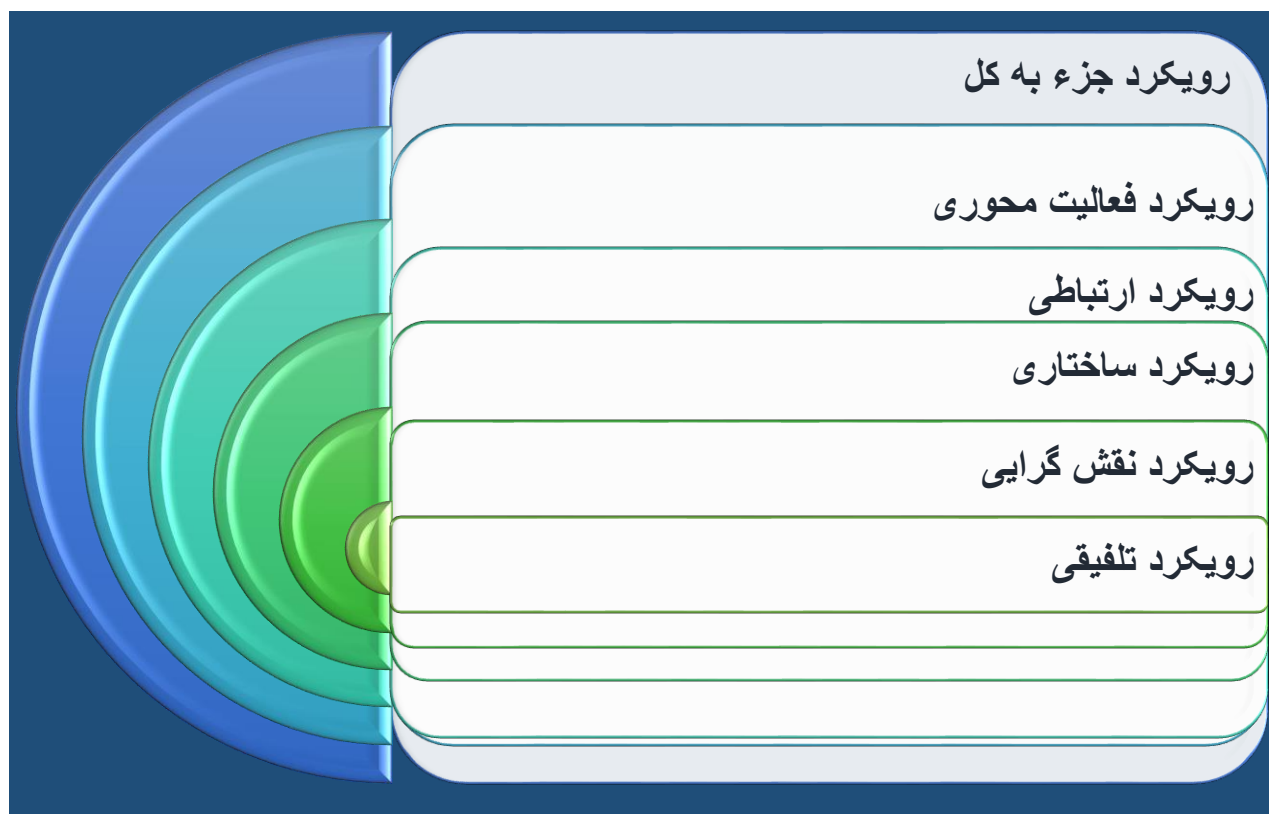
رویکرد عام، رویکرد ویژه

بر بنیاد "برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران"، یعنی شکوفایی فطرت الهی، استوار است و تألیف و سازماندهی کتاب با توجه به عناصر پنجگانه (علم، تفکر، ایمان، اخلاق، عمل) و جلوه‌های آن در چهار پهنه‌ی (خود، خلق، خلقت و خالق) انجام گرفته است.

در برنامه‌ی درسی زبان و ادبیات فارسی، رویکرد ویژه یا خاص برای آموزش مهارت های نوشتاری، رویکرد مهارتی است.

رویکرد اصلی برنامه در تألیف و سازماندهی محتوای آموزشی این دوره، «رویکرد مهارتی» است. یعنی توانایی نوشتن، مهارتی است که در پی آموزش، تمرین، تکرار، کار و نوشتار، کسب می‌شود. نوشتن یک هنر زبانی نیست بلکه مهارتی اکتسابی است. از این رو، این درس، کاملاً ورزیدنی و عملی است. دانستنی‌های حفظی این کتاب، بسیار اندک و ناچیز است؛ از کشاندن آموزش کتاب به سمت مباحث دانشی و حفظ کردنی پرهیز شود. دانش‌آموزان باید در کلاس، فرصت نوشتن و بازنویسی و نقد نوشته‌های همدیگر را تجربه‌کنند. مناسب‌ترین راه، همین است. یکی از اصلی‌ترین دلایل کاهش حجم و تعداد درس‌ها ایجاد فرصت بیشتر برای تجربه‌های یادگیری است. کمتر حرف بزنیم و بیشتر به دانش‌آموزان برای نوشتن، فرصت بدهیم. با توجه به انتخاب این رویکرد که در حقیقت جهت‌گیری کلّ برنامه را نشان می‌دهد، از نگرش انشایی و خلاقانه نویسی آگاهانه پرهیز شده است. انشا، فراتر از اهداف این دوره و مربوط به توانایی نویسندگی است که ما در دوره متوسطه دوم بدان خواهیم پرداخت. افزون بر رویکرد خاص، چند رویکرد فرعی نیز در تدوین و سازماندهی محتوا مورد توجه بوده است که عبارت‌اند از:

نمایه رویکردهای فرعی برنامه درسی



رویکرد کلی

بر اساس این رویکرد (روانشناسی گشتالت)، انسان هنگام برخورد با امور و پدیده‌ها ابتدا به کلّ آن‌ها توجه می‌کند و پس از آن به اجزای سازنده کل می‌پردازد؛ به همین جهت در برنامه‌های درسی و مراحل یاددهی – یادگیری نیز باید نخست اشکال و صورت‌های کل را به دانش‌آموزان یاد بدهیم، سپس با استفاده از شیوة تجزیه‌ی کل به عناصر سازنده، اجزای آن را معرفی کنیم.

رویکرد فعالیت محوری

با توجه به این که بخش قابل توجهی از ماهیت درس نگارش، مهارتی است و از طریق این مهارت‌ها به جنبه‌های درونی و برونی فرد پرداخته می‌شود، سعی شده است به طور متعادل در طراحی برنامه‌ی درسی فارسی متوسطه به جنبه‌های مختلف دانش‌آموز دوره متوسطه توجه کافی شود و متناسب با آن عناصر محتوا و فعالیت‌های یادگیری سازماندهی شود.

رویکرد تلفیقی

از آن‌جا که درس‌های "نگارش" و "فارسی" ماهیتاً تلفیقی و درهم تنیده اند، تلاش شده برنامه‌ی درسی به نحوی تلفیقی ارائه شود که در نهایت توانایی‌های ذهنی، درک و فهم، تجزیه و تحلیل، ترکیب

و بازسازي، نقد و داوري، برقراري ارتباط با ديگران، ابراز وجود و بيان احساسات، افزايش قدرت خلاقيت و... تقويت شود و همچنين تفكر خلاق و انتقادي دانش آموزان پرورش يابد. اين رويکرد در حوزه هاي زير انعكاس خواهد داشت:

۱. تلفيق مهارت هاي زباني .
۲. تلفيق اطلاعات و مهارت هاي زباني.
۳. تلفيق درس نگارش با ساير دروس.
۴. تلفيق مهارت هاي گفتاري با ساير دروس.

رويكرد ساختاري

برنامه ي آموزش نگارش به گونه اي طراحي و تدوين شده كه در نهايت، دانش آموز نسبت به ساختارهاي تشكيل دهنده زباني و نوشتاري آگاهي پيدا كند و از طريق مهارت در شناخت جنبه هاي توصيفي زبان، به معاني موجود در آن پي ببرد و بتواند در نوشتن، ساختار معيار زبان نوشته را به كار بگيرد.

رويكرد نقش گرایی

در اين رويکرد، كتاب نگارش وسيله و ابزاري براي بيان معاني است. به جاي توجه ويژه به عناصر زباني، به بعد کاربردي و توليدي زبان و ادبيات و نقش آن تاكيد مي شود. از عناصر زبان و ادبيات فقط در حدي سود جسته مي شود كه معنا و کاربرد زبان براي انتقال پيام تسهيل گردد و محتوای برنامه بر اساس معنا سازماندهي شود. بر اساس اين رويکرد، صورت و ساخت ظاهري زبان اصل نيست بلكه نقش و كارکرد معنایي زبان مهم است.

رويكرد ارتباطي

در اين رويکرد، كتاب نگارش وسيله اي براي فهم و پيام رساني و برقراري روابط اجتماعي بين افراد تلقی مي گردد و به جاي توانش زباني و ادبي به توانش ارتباطي و كنش هاي زباني اهميت داده مي شود؛ در نتيجه، حس نياز دانش آموز به بهره گيري از آثار زبان و ادبيات، رشد يافته، امكان تعامل بين افراد و گروه ها افزايش مي يابد.

مهم ترين نکته در اين رويکرد اين است كه آموزه ها و رهيافت هاي اين رويکرد به گونه اي است كه هم رويکرد ساختاري و هم رويکرد نقش گرایی را در بر مي گيرد. شايد بتوان رويکرد ارتباطي را به عنوان يك رويکرد كاملاً تلفيقي در قلمرو مهارت هاي زباني به شمار آورد. از اين ديده گاه، همه توانايي هاي زباني در پي پروردن خوب سخن گفتن و راحت نوشتن براي دست يابي به مهارت ارتباط هستند.

برخی از اصول برنامه درسی را که به طور مستقیم با موضوع آموزش کتاب نگارش پیوند دارد؛ در پی، می‌آوریم:

- در این برنامه، اصل بر جنبه‌های عملی زبانی و ادبی باشد.

راهنماها:

- ✓ تدوین محتوا بر اساس روش فعالیت محوری.
- ✓ تقویت موازی مهارت‌های گفتاری و نوشتاری.
- ✓ در نظر گرفتن تمرین‌ها و فعالیت‌های عملی و کاربردی.
- ✓ آموزش مهارت‌های زبانی و فرازبانی تفکر و نقد به صورت موازی و مساوی.
- ✓ ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس چهار مهارت زبانی و دو مهارت تفکر و نقد.

- برنامه باید بتواند توانایی اندیشیدن در نوجوان را تقویت کند.

- ✓ پیش‌بینی و سازماندهی نمونه‌هایی حاوی پیام‌های غیرمستقیم.
- ✓ پیش‌بینی فعالیت‌ها و تمرین‌های آشناسازی دانش‌آموزان با مراحل منطقی تفکر.
- ✓ آموزش غیرمستقیم توانایی‌های ذهنی مثل مقایسه و تحلیل و ترکیب از طریق فعالیت‌ها.
- ✓ پیش‌بینی تمرین‌هایی به منظور توانایی اظهار نظر، پیشنهاد و ارائه را محل به نوجوان.
- ✓ پیش‌بینی تمرین‌ها و آزمون‌های خلاق و فعال در ارزشیابی.

- سیر توجه برنامه از زبان طبیعی به زبان معیار باشد.

- ✓ ارائه تمرین‌ها و فعالیت‌هایی جهت شناخت زبان گفتار و نوشتار.
- ✓ طراحی و تدوین تمرین‌ها و فعالیت‌های یادگیری از مهارت‌های شفاهی به مهارت‌های کتبی.
- ✓ بهره‌گیری از ویژگی‌های زبان و فرهنگ مردم برای ساده‌نویسی.
- ✓ انتخاب متون مناسب زبانی و ادبی.

- برنامه باید زمینه‌ساز تقویت روحیه مطالعه و کتاب‌خوانی باشد.

- ✓ تجهیز کتابخانه‌ی مدارس متناسب با اهداف برنامه.
- ✓ جذب و جلب مشارکت نهادهای فرهنگی برای تحقق اهداف مطالعه و کتابخوانی
- برنامه باید زمینه‌ساز تقویت و پرورش خلاقیت و ذوق هنری و ادبی نوجوان باشد.
- ✓ پیش‌بینی محتوا بر اساس الگوهای خلاق و فعال.
- ✓ پیش‌بینی تمرین‌هایی در کتاب به منظور تقویت قوه‌ی خلاقیت و ذوق هنری.
- ✓ طراحی تمرین‌هایی جهت تقویت روح جست‌وجوگری و کشف و حل مسئله.
- ✓ بهره‌گیری از گونه‌های متنوع هنری و ادبی با تأکید بر جنبه‌های زیباشناسی و حسی.
- ✓ بهره‌گیری از شیوه‌های خلاق.
- به تقویت و تعمیق حافظه‌ی شنیداری و دیداری توجه کافی شود.
- ✓ بهره‌گیری از تمرین‌های مناسب مانند مقایسه، خاطره‌گویی، گزارش نویسی.
- ✓ بهره‌گیری از تمرین‌های مناسب تصویر خوانی و تفسیر و توصیف تصویر، رویداد.
- ✓ بهره‌گیری از متون مناسب برای پرورش حواس پنجگانه.
- ✓ بهره‌گیری از ابزارها و رسانه‌های چندظرفیتی جدید.

- برنامه، زمینه‌سازی مناسب برای ابراز وجود، اعتماد به نفس و بیان احساس دانش‌آموزان را فراهم آورد.

- ✓ پیش‌بینی بخش‌هایی جهت طرح دیدگاه‌ها، عقاید و احساسات.
- ✓ پیش‌بینی فعالیت‌هایی برای تحقق این هدف.
- ✓ پیش‌بینی تمرین‌هایی برای نقد و اظهارنظر و ...

اهداف برنامه درسی

اهداف کلی برنامه ی درسی در زمینه " آموزش نگارش" مبتنی بر برنامه درسی ملی

الف: عنصر تعقل:

- تقویت تفکر و پرورش قوه‌ی قضاوت و ارزیابی منطقی .
- انتخاب و سازماندهی متونی که زمینه‌ی پرورش تعقل، تأمل و تفکر را در دانش آموزان ایجاد کند.
- ایجاد فرصت های مناسب در برنامه برای تربیت و پرورش شهروندانی با نگرشی عقلانی.
- ایجاد فرصت های مناسب در برنامه برای تربیت و پرورش تفکر خلاق و انتقادی .
- تقویت توانایی تفکر و افزودن بر توانایی‌های ذهن و زبان.

(ب) عنصر ایمان:

- آشنایی با ارزش های دینی .
- آشنایی با ارزش های اجتماعی و فرهنگی .
- آشنایی با ارزش های اخلاقی ، اسلامی.
- بهره گیری از مظاهر باورشناختی و ایمانی در نوشته ها.
- ایجاد نگرش مثبت نسبت در به کارگیری کلام بزرگان و توانایی به کار گیری آن در نوشتن.

(پ) عنصر علم:

- آشنایی با اصول و قواعد پرورش موضوع .
- تقویت توانمندی در جذب و دریافت موضوعات از محیط پیرامون.
- آشنایی با نوشته های عینی و ذهنی.
- آشنایی بیشتر با روش های مبتنی بر " پرسش گری" با هدف خلق نوشته.
- آشنایی با روش های گشودن گره های ذهنی با بهره گیری از پرسش و پاسخ.
- آشنایی بیشتر با روشهایی که منجر به معنا سازی می گردد.
- آشنایی با روش هایی برای آزاد سازی ذهن به منظور نوشتن خلاقانه.
- آشنایی با نوع نگاه و نگارشی و قواعد درست‌نویسی جمله و عبارت.
- آشنایی با سازمان دهی ذهنی برای نوشتن یک اثر.

- آشنایی با درست‌اندیشی و آسان‌نویسی .
- تقویت سواد شنیداری از طریق توجه به عناصر و اجزای شعر و حکایت.
- آشنایی با شیوه سنجیدن و مقایسه برای شناخت بهتر پدیده ها.
- آشنایی با ساختار و اجزای یک نوشته .
- آشنایی با کاربردهای نوشته معیار.
- شناخت نمونه‌هایی از نوشته در قالب های گوناگون.
- شناخت ابعاد زیبایی شناختی اشعار، مثل ها، حکایات و ...
- آشنایی با چند نمونه برجسته از بهره‌گیری حس شنوایی در توصیف .
- آشنایی با روش مقایسه به عنوان راهی برای گسترش فکر .
- آشنایی با شیوه جانشین سازی در خلق نوشته.
- آشنایی با چگونگی گزارش گونه و داستان گونه نوشتن.

ت) عنصر عمل:

- کاربردهای زبان معیارگفتاری.
- توانایی برگرداندن زبان گفتار به زبان معیار.
- توانایی خواندن متن همراه با درک و فهم درون مایه آن .
- توانایی بازشناسی متون با توجه به ساختار و زبان نوشته.
- توانایی ارزشیابی ، نقد و تحلیل نوشته خود و دیگران.
- توانایی باز آفرینی مثل ها.
- توانایی باز نویسی حکایت ها.
- توانایی باز پروری اشعار.
- مهارت نقد منصفانه براساس سنجه های معین.
- مهارت گسترش متن.
- تولید یک نوشته با بهره گیری از روش جانشینی.
- تولید تولید یک نوشته با بهره گیری از روش جانشینی.
- تولید یک نوشته با بهره گیری از روش سنجش و مقایسه.
- رعایت علائم سجاوندی(نشانه گذاری) در نوشته.

- توجه به پاکیزه نویسی و خوش خطی و نداشتن غلط املائی در انشا.
- رعایت نظم بخشی و انسجام متن نوشته.
- طرح سؤالاتی مناسب برای نوشتن متن.
- طرح سؤالاتی مناسب برای نوشتن گزارش.
- درك ابعاد زیبایی شناختي نمونه های موجود و بهره گیری از آن در نوشته.

ث) عنصر اخلاق:

- آشنایی با ارزش های فرهنگی ، دینی ، اجتماعی و اخلاقی ایران اسلامی.
- ایجاد علاقه به زبان ، فرهنگ و ادبیات ایران اسلامی در میان دانش آموزان.
- تقویت علاقه و نگرش مثبت به کاربرد مهارت های نوشتن .
- تقویت علاقمندی به رعایت اصول اخلاقی و منصفانه در نقد آثار.
- تقویت علاقه و نگرش مثبت به مطالعه و کتاب خوانی.
- تقویت فرهنگ نقدپذیری و تحمل سخن دیگران.
- تلطیف احساسات ، عواطف و التذاذ ادبی از راه مطالعه آثار ادبی.

اهداف خاص عناصر سازه ای کتاب " نگارش "

۱- کارگاه نوشتن

- ✓ تقویت توانایی بازشناسی (تشخیص) متون .
- ✓ پرورش توانایی آفرینش نوشتاری، نوشتن و تولید .
- ✓ افزایش توانایی بررسی متن، تحلیل و نقدنویسی.
- ✓ تقویت توانایی اظهار نظر درباره افکار و اندیشه های بیان شده در نوشته دیگران.

- ✓ کسب مهارت در کاربرد صحیح قواعد دستوري براي درست سخن گفتن و درست نوشتن به زبان فارسي معيار.
- ✓ پرورش توانايي نقد و تحليل و کاربست هر يك از آموزه های درس در نوشته دیگران.
- ✓ کسب مهارت در کاربرد صحیح کلمات در مناسبات اجتماعي و مکاتبات.
- ✓ تقویت مهارت در کاربرد صحیح کلمات، ترکیبات، اصطلاحات هر پایه.
- ✓ کسب مهارت و توانايي استفاده از زبان معيار.
- ✓ کسب مهارت در بیان افکار و اندیشه ها به صورت نقد و ارزیابی آثار.
- ✓ توانايي فرضیه‌سازي، استدلال و نتیجه‌گیری درباره‌ي محتوا و پیام متن.

۲- هنجارنوشتار

- ✓ آشنایی و آموزش هنجارهاي نوشتن در زبان فارسي معيار.
- ✓ تقویت مهارت در کاربرد درست کلمات و ترکیبات.
- ✓ کسب مهارت و توانايي استفاده از زبان معيار و بهره گیری از توانايي هاي زبان مادري.
- ✓ کسب مهارت در کاربرد صحیح کلمات در مناسبات اجتماعي و مکاتبات.
- ✓ کسب مهارت در کاربرد صحیح قواعد دستوري براي درست سخن گفتن و درست نوشتن به زبان فارسي معيار.
- ✓ پرورش شناخت ساختار زبان معيار.

۳- حکایت نگاری:

- ✓ گسترش نوشته از راه ساده نویسی.
- ✓ تقویت سواد ادراكي دانش آموزان و درك و فهم مناسب متون کهن.
- ✓ تقویت شناخت ساختار زبان فارسي معيار و به کارگیری صحیح آن در حکایت نگاری به زبان ساده.
- ✓ ایجاد فرصت براي ساده نویسی از طریق حکایت ها.

- ✓ کسب مهارت در نوشتن از طریق دست‌ورزی در بازنویسی حکایت‌ها.
- ✓ آشنایی با مضامین حکایات کهن فارسی.

۴- مثل‌نویسی:

- ✓ گسترش نوشته از راه بازآفرینی.
- ✓ آشنایی با نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌ها و آموزه‌های حکمی آن‌ها.
- ✓ بهره‌گیری از ظرفیت معنایی و تصویری مثل‌ها برای بهتر نوشتن.
- ✓ کسب مهارت در برقراری ارتباط صحیح بین متون ادبی و موضوعات اجتماعی و سبک زندگی.
- ✓ کسب مهارت در نوشتن از طریق به کارگیری قدرت بازآفرینی مثل‌ها.
- ✓ تقویت ذهنی و زبانی از طریق مثل‌ها.

۵- شعرگردانی:

- ✓ فراهم نمودن فرصت تفکر.
- ✓ شکل‌گیری نظام ذهنی منطق زبان نوشتار (تثبیت در ذهن نویسنده متن)
- ✓ توانایی درک گستردگی ظرفیت‌های شعر.
- ✓ توانایی درک زیبایی اشعار.
- ✓ شناخت دقیق ویژگی‌های زبان شعر.
- ✓ پرورش توانایی نوشتن و رشد خلاقیت ذهن.
- ✓ کمک به درک بهتر متن.
- ✓ برقراری ارتباط ساده‌تر با محتوا (متن).
- ✓ فراهم کردن فرصت برای دست‌ورزی بیشتر فراگیران در قلمرو نوشتن.

نگاهی به ساختار و محتوای کتاب "آموزش مهارت‌های نوشتاری" متوسطه اول

ساختار و محتوا

این کتاب علاوه بر مهارت نوشتن مهارت‌های شنیدن، سخن گفتن، درک متن، نقد و تحلیل را زیر پوشش دارد.

اهداف کتاب هفتم

اهداف کتاب هفتم شامل: ایجاد نظم ذهنی، آموزش ساختمان نوشته، طبقه‌بندی موضوع و اهداف کتاب هشتم شامل: مهندسی ساختمان نوشته و آموزش راه‌های پرورش تفکر است. محتوای کتاب آموزش مهارت‌های نوشتاری، از فکر کردن به عنوان نقطه آغاز نوشتن، شروع می‌شود سپس برای ساده‌سازی آموزش و یادگیری نوشتن، چارچوب‌ها و روش‌هایی را ارائه می‌دهد.

در هر درس علاوه بر متن درس، تمرین‌های نوشتاری در سه بخش با عنوان «فعالیت‌های نگارشی»، «درست نویسی»، «تصویرنویسی»، «حکایت نگاری» یا «مَثَل نویسی»، سازماندهی شده است؛ بنابراین هر درس شامل موارد زیر خواهد بود:

۱- متن درس

درس‌ها به دو روش مستقیم و غیرمستقیم ارائه شده است.

الف - مستقیم: ارائه اطلاعات از سوی دانای کل.

ب - غیرمستقیم به کمک قالب‌هایی چون: داستان، خاطره، حسب حال و ...

۲- فعالیت‌های نگارشی

این فعالیت، کلاس را با تعامل میان معلم و دانش‌آموز، و دانش‌آموز با دانش‌آموز مواجه می‌سازد. اهداف این فعالیت عبارت‌اند از:

- ارزش‌یابی میزان درک دانش‌آموز از مطالب و محتوای درس.
- تقویت توجه، دقت و تمرکز حواس.
- ارتقای مهارت گفت‌وگو.
- ایجاد فضای تعامل، نقد، همفکری و همیاری علمی.

فعالیت‌های نگارشی با نظامی علمی و منطقی آموزشی به دنبال هم آمده‌اند. در بخش فعالیت‌های نگارشی معمولاً سه پرسش مطرح می‌شود. شماره یک با هدف تقویت توانایی تشخیص، شماره دو با هدف پرورش توانایی نوشتن و تولید دانش‌آموزان و شماره سه با هدف تقویت توانایی بررسی متن، تحلیل و نقدنویسی، طراحی شده است.

فعالیت اول :

نخستین فعالیت نگارشی درحوزه بازشناسی قرار می‌گیرد و پاسخ این بخش اغلب همگراست. (پاسخ‌ها تقریباً یکسان و مربوط به متن درس است و دانش‌آموزان با مراجعه به متن، پاسخ آن را خواهند داد.) این پرسش میزان تشخیص و توجه و دریافت دانش‌آموزان را نسبت به آموزه‌های متن درس، ارزش‌یابی خواهد کرد.

فعالیت دوم :

فعالیت نگارشی دوم در حوزه آفرینش قرار می‌گیرد و هدف از این بخش، پرورش توانایی نوشتن و تولید دانش‌آموزان است و این فعالیت واگراست. البته، سنجه، معیار و موضوع نوشتن در هر درس بر بنیاد آموزه‌های همان درس استوار است. فعالیت نخست، برای تقویت دید بازشناسی و تشخیصی و فعالیت دوم با هدف پرورش توانایی آفرینش و تولید نوشتن و انشای دانش‌آموزان طراحی شده است.

فعالیت سوم :

فعالیت سوم در قلمرو داوری، نقد و تحلیل قرار می‌گیرد. در این تمرین دانش‌آموزان از هم می‌آموزند، به هم می‌آموزانند و به دلیل داشتن زبان مشترك و احساسات نزدیک به هم، بهتر می‌توانند مفاهیم را به هم تفهیم و منتقل سازند. مبنای بررسی و نقد نوشته‌ها همان سنجه‌هایی است که در تمرین هر درس، ذکر شده است. در این فعالیت، دانش‌آموزان، نخست یاد می‌گیرند که با دقت به خوانش نوشته‌های هم کلاسی خود گوش بدهند (تربیت سواد شنیداری و افزایش درک شنیداری)، سپس بر بنیاد حافظه کوتاه مدت خود و البته یادداشت برداری، نقد و نظر خود را مکتوب کنند.

راهکارهای آموزشی

۱. هنگام انجام فعالیت‌ها فرصت اندیشیدن، مشورت کردن و گفت‌وگویی دانش‌آموزان فراهم شود.
۲. دانش‌آموزان را تشویق کنید، پاسخ‌های خود را شرح و بسط دهند و از پاسخ‌های کوتاه پرهیز کنند.
۳. از دانش‌آموزان بخواهید علاوه بر پاسخ، نظر خود را درباره‌ی سؤال‌ها بازگو کنند.
۴. به دانش‌آموزان آموزش دهید تا در وقت پاسخ‌گویی دیگران، سکوت کنند و به دقت گوش دهند و احترام پاسخ و پاسخ‌گوینده را حفظ کنند.
۵. تشویق پس از دریافت پاسخ و ایجاد انگیزه برای مشارکت در پاسخ‌گویی بسیار مهم است.
۶. لازمه نوشتن نقد خوب در باره نوشته‌های هم کلاسی‌ها، خوب گوش سپردن به خواندن نوشته‌هاست، بنابراین به هنگام خواندن متن می‌باید گروه‌های دانش‌آموزی کاملاً سکوت را رعایت کنند.
۷. یکی از زمینه‌های درک صحیح شنیداری، خوانش نیکو و رعایت لحن و آهنگ مناسب متن است به همین سبب دانش‌آموزانی که نوشته‌های خود را در برابر جمع می‌خوانند باید به این ویژگی توجه داشته باشند.

۳- درست نویسی

بخش درست‌نویسی با هدف آشنایی دستور خط فارسی، آموزش هنجارهای نوشتن و آشنایی با کاربرد درست واژگان در نوشتار معیار در ساختار کتاب گنجانده شده است. طبیعی است که پس از یادگیری این نکات، به هنگام نوشتن، این هنجارها رعایت شود.

آشنایی با این نکات، مهارت‌های زبانی، دانش و کاربرست آموزه‌ها را در دانش‌آموز، رشد می‌دهد و آنان را در تولید جمله‌های صحیح در گفتار و نوشتار توانمند می‌سازد.

۴- تصویر نویسی

تصویرنویسی، یعنی نوشتن درباره اجزا و عناصر دیداری در تصویر، لازمه خوب نوشتن در این بخش، دقت در نگاره و بررسی و خوانش و درک عناصر بصري است. در حقیقت هر تصویر، بهانه بسیار نیکویی برای فعال کردن ذهن و نوشتن است.

تصویر، جهان بی انتها و سرشار از ناگفته‌هاست. هر کسی تفسیر خود را از تصویر بازخواهد نوشت. از هر تصویر، موضوع‌های فراوانی را می‌توان برگزید و در باره‌اش نوشت. مهم نیست که کدام بخش از تصویر و با چه نگرشی موضوع نوشتن قرار می‌گیرد، آن چه در این کار ارزش دارد، میزان و توانایی خوانش و توان نوشتن در باره تصویر است.

اگر خوب دیدن را به خوب اندیشیدن پیوند بزنیم و فرصتی برای تفکر ایجاد کنیم؛ عمل نوشتن برای ما آسان‌تر می‌شود. تصویر نویسی مجال و فرصتی برای ابراز خلاقیت‌هاست. هدایت، سعه‌ی صدر و تمرین لازمه‌ی موفقیت در این بخش است.

۵- حکایت نگاری

در حکایت نگاری، تاکید بر بازنویسی به زبان ساده و ساده نویسی است. بخش حکایت نگاری با هدف بارور سازی ذهن و زبان، آشنایی با متون و حکایات کهن، پرورش حافظه و تقویت توان خوب سخن گفتن و زیبا نوشتن در کتاب گنجانده شده است. مایه‌های طنز نهفته در برخی از حکایات‌ها و ضرب‌المثل‌ها، طراوت ویژه‌ای به فضای ذهن اهل زبان می‌بخشد و نشاطی تازه بدان می‌افزاید که در خلاقیت و نوآفرینی، بسیار نقشمند و اثرگذار است. بازنویسی یکی از روش‌های دست ورزی برای کسب مهارت‌های نوشتاری است. همچنین به عنوان پل ارتباطی، موجب حفظ و گسترش بن مایه‌های حکمت و فرهنگ می‌گردد. در حکایت نگاری باید مجالی ایجاد کرد تا دانش‌آموزان، آزادانه و با اندیشیدن و مشورت کردن در فضایی پر از نشاط و آرامش به نوشتن بپردازند.

در مَثَل نویسی، بازآفرینی و گسترش دادن و افزودن بر شاخ و برگ اصل نوشته، مورد تاکید است و هدف از این بخش بهره گیری از تخیل، فضا سازی و تولید مضمونی نو بر پایه ضرب المثل ها است.

ضرب المثل ها در افزایش توان سخنوری و قدرت نویسندگی، کارمایه و نیروی شگرفی دارند. اگر در ساخت برونی و ظاهر، کوتاه نوشته و عبارتی بیش نیستند اما سرشار از معنا هستند و جهانی در پس خود دارند. به دلیل همین دو ویژگی، بهره گیری از ضرب المثل ها را شگردی بسیار کارا و اثربخش در پویاسازی ذهن و زبان می دانیم.

ریشه تاریخی و داستانی برخی از ضرب المثل ها در دسترس است اما هدف از این بخش، پژوهش درباره ریشه تاریخی ضرب المثل ها نیست بلکه هدف این است که هر دانش آموز از دریچه چشم خود به موضوع نگاه کند و به باز آفرینی مثل و بازسازی واقعه و فضا و رویداد آن بپردازد.

آشنایی با ساختار کتاب نگارش دهم

ساختار و محتوا

کتاب نگارش پایه دهم، علاوه بر مهارت نوشتن مهارت های شنیدن، سخن گفتن، درک متن، نقد و تحلیل را زیر پوشش دارد.

□ کتاب، با ستایش، آغاز و به نیایش، ختم می شود.

□ محتوای این کتاب در هشت درس، سازماندهی شده است.

□ میزان تقریبی ساعت آموزشی موثر، حدود ۲۴ جلسه در سال است و فرایند یاددهی - یادگیری هر درس این کتاب باید در سه جلسه (آموزش، تمرین و تکرار، تثبیت یادگیری) طراحی و تنظیم گردد.

□ رویکرد برنامه و محتوای آن، «رویکرد مهارتی» است و این درس، کاملاً ورزیدنی و عملی است.

□ یکی از اصلی‌ترین دلایل کم بودن حجم و تعداد درس‌های کتاب، این است که دانش‌آموزان در کلاس، فرصت نوشتن و بازنویسی و نقد نوشته‌های یکدیگر را پیدا کنند.

اهداف کتاب

اهداف کتاب شامل؛ پرورش موضوع، آشنایی با خلق نوشته‌های عینی و ذهنی، آشنایی با روش‌های جانشین‌سازی، سنجش و مقایسه و ناسازی معنایی به منظور خلق نوشته‌های ذهنی، و آشنایی با گزارش‌گونه و داستان‌گونه نویسی است.

در هر درس علاوه بر متن درس، تمرین‌های نوشتاری در چهار بخش با عنوان «کارگاه نوشتن»، «حکایت‌نگاری»، «مثل‌نویسی» و «شعرگردانی» سازماندهی شده است؛ بخش "هنجار نوشتار" برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با زبان معیار در ادامه درس آمده است.

• برای آشنایی بیشتر با ساختار کتاب نگارش دهم به نمایه‌های زیر توجه نمایید:

✓ نمایه ساختار کلی کتاب نگارش دهم

✓ نمایه ساختار یک درس کتاب نگارش پایه دهم

✓ نمایه بودجه‌بندی جلسات

✓ نمایه حکایت‌نگاری (بازنویسی حکایت)

✓ نمایه مثل‌نویسی (بازآفرینی مثل)

✓ نمایه شعرگردانی (بازپروری مثل)

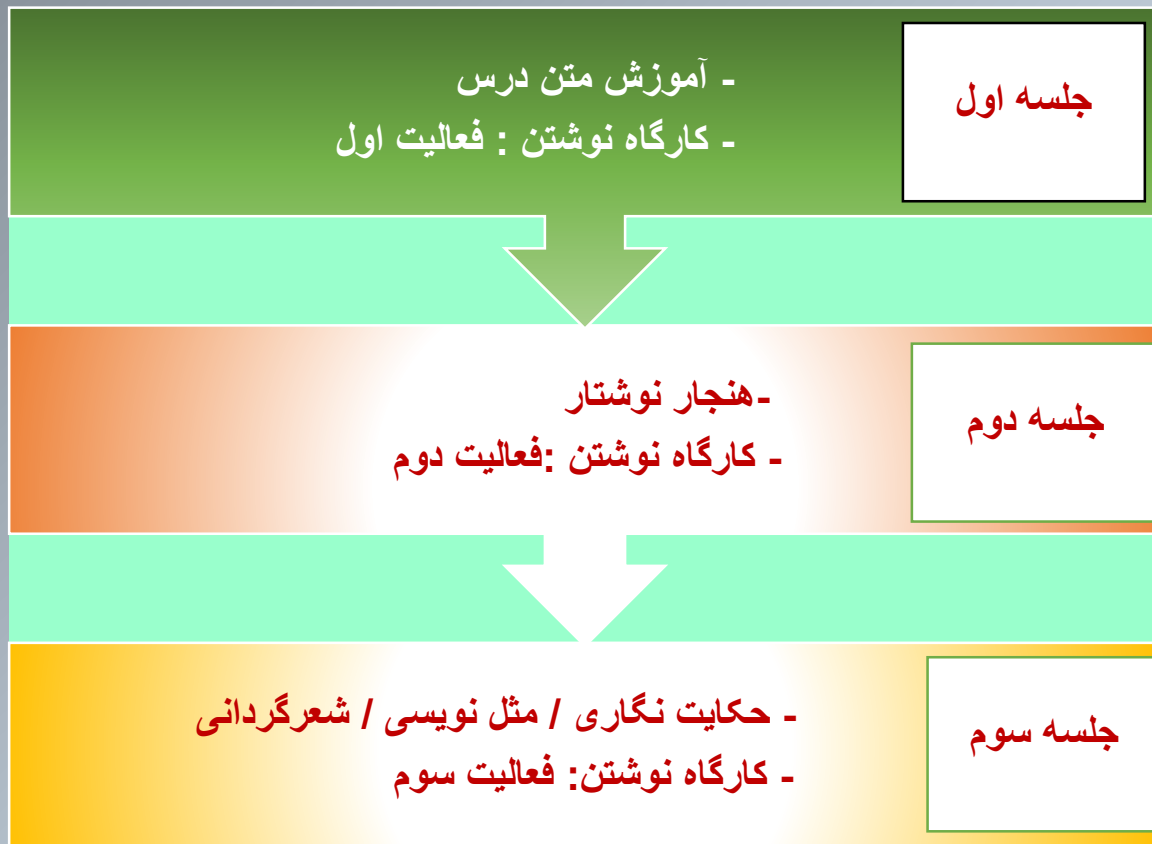
نماینه (1) ساختار کلی کتاب نگارش پایه دهم





نمایه بودجه بندی جلسات

بودجه بندی تدریس کتاب نگارش پایه دهم



توجه :

فعالیت سوم کارگاه نوشتن (نقد و تحلیل آثار) در جلسه دوم نیز انجام می پذیرد و بخشی از نوشته های دانش آموزان بر اساس سنجه های درس مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

حکایت نگاری

درس اول

سگی بر لب جوی استخوانی یافت. چندان که در دهان گرفت، عکس آن در آب بدید. پنداشت که دیگری است. به شره (طمع) دهان باز کرد تا آن را نیز از روی آب برگیرد. آن چه در دهان بود، به باد داد. (کلیله و دمنه)

درس هفتم

چون یونس (ع) از شکم ماهی نجات یافت؛ متفکر بود و کمتر سخن می گفت. یکی از موجب سکوت و خاموشی پرسید. گفت: سخن، مرا در حبس شکم ماهی انداخت تا وجودم در آتش وحشت، شمع وار بگداخت. خاموشی با سلامت به از گفتن با ملامت. (نگارستان)

درس چهارم

یکی از حکما راشنیدم که می گفت: هرگز کسی به جهل خویش اقرار نکرده است؛ مگر آن کس که چون دیگری در سخن باشد، همچنان ناتمام گفته، سخن آغاز کند.

سخن را سر است ای خردمند و بن
میاور سخن در میان سخن
خداوند فرهنگ و تدبیر و هوش
نگوید سخن تا نبیند خموش
(گلستان سعدی)

نمایه مثل نویسی (باز آفرینی مثل)

درس دوم:

- از تو حرکت ، از خدا برکت.
- آب که یک جا ماند، می گندد.
- کار نیکو کردن از پر کردن است.
- باد آورده را باد می برد.
- تو نیکی می کن و در دجله انداز.

درس پنجم:

- هر که در پی کلاغ رود، در خرابه منزل کند.
- دل که پاک است، زبان بی باک است.
- خفته را خفته، کی کند بیدار؟
- زبان سرخ، سر سبز می دهد بر باد.
- درخت هر چه بارش بیشتر می شود، سرش فروتر می آید.

درس هشتم:

- با ماه نشینی، ماه شوی، با دیگ نشینی، سیاه شوی.
- تهی پای رفتن ، به از کفش تنگ.
- جایی که نمک خوردی، نمکدان مشکن.
- فلفل نبین چه ریزه، بشکن ببین چه تیزه.
- شاهنامه، آخرش خوش است.

نمایه شعر گردانی (فهمش و نگارش)

درس سوم:

ایستاده ام،

ایستاده ای،

ایستاده ایم،

جنگلیم؛

تن به صندلی شدن نداده ایم.

غلامرضا بکتاش

درس ششم:

مگر دیده باشی که در باغ و راغ

یکی گفتش، ای کرمک شب فروز

ببین، کاتشی، کرمک خاکزاد

که من روز و شب جز به صحرا نیم

بتابد به شب کرمکی چون چراغ

چه بودت که بیرون نیایی به روز

جواب از سر روشنایی چه داد

ولی پیش خورشید، پیدا نیم

سعدی، بوستان، باب سوم

نمایه هنجار نوشتار

هنجار نوشتار	
درس اول	به کار گیری جمله های کوتاه در نوشته
درس دوم	توجه به ارتباط معنایی واژگان
درس سوم	کاربرد مناسب واژگان
درس چهارم	کاربرد واژگان با توجه به فضای حاکم بر نوشته (فضای عینی و ذهنی)
درس پنجم	ابزارهای انسجام متن: ارتباط معنایی ، کاربرد درست واژگان
درس ششم	ابزارهای انسجام متن: نشانه هایی که نقش افزایشی دارند.
درس هفتم	ابزارهای انسجام متن: نشانه هایی که مفهوم " تقابل " دارند.
درس هشتم	ابزارهای انسجام متن: نشانه هایی که نقش سببی دارند.

روش های یاددهی- یادگیری

چکیده‌ای در بازشناسی برخی از روش ها

روش نوآفرینی (بدیعه پردازی)

واژه بدیع صفتی است بر وزن فعلیل (مشبّهه) دارای دو معنی فاعلی «پدیدآورنده» و مفعولی «نویدید و شگفت». کلمه‌ی بدیع در لغت به معنی چیز تازه و نوظهور و نوآیین و در اصطلاح عبارت است از آرایش سخن فصیح و بلیغ، خواه نظم باشد و خواه نثر و مرادف آن را سخن آرای و نادره‌گویی و نغزگفتاری می‌توان گفت. (همایی، ۱۳۶۱)

از معانی گوناگون، چنین دریافت می‌شود که دو چیز در مفهوم کلمه «بدیع» هست.

۱. - نوآوری و تازگی

۲. - براعت و غرابت.

در قرآن کریم، کلمه «بدیع» دو بار به کار رفته است:

۱- «بدیع السموات و الارض و اذا قضی امرنا فانما یقول له کن فیکون» (آیه ۱۱۷/ بقره ۲)

۲- «بدیع السموات و الارض انّی یکون له ولد و لم تکن له صاحبة و خلق کلّ شیء...». (آیه ۱۰۱/ انعام ۶)

در همین دو آیه نیز، مفهوم شگفتی و نوآوری و غرابت و ظرافت که جلب توجه کند و اذهان را به خود متوجه سازد، در کلمه «بدیع» وجود دارد؛ زیرا آفرینش آسمانها و زمین، در ابتدا و به طور آغازی، خود موضوعی شگفت‌آور است. اهل ادب هم، شعر و نثری را بدیع گویند که اعجاب‌آور باشد و مایه شگفتی اذهان گردد.

روش نوآفرینی یا بدیعه پردازی را «ویلیام گوردون و دستیارانش به منظور نو آفرینی و ارتقای خلاقیت طراحی کرده اند. مهمترین اصل در روش بدیعه پردازی استفاده از قیاس هاست. بدیعه پردازی به ما فرصت ابتکار می دهد تا به پدیده ها، از منظری تازه نگاه کنیم و به نوعی دیگر به حل مسائل و ابراز خویشتن بپردازیم» (شعبانی، ۱۳۸۶).

روش بدیعه پردازی با استفاده از فعالیت استعاره ای، ساختی را به وجود می آورد که دانش آموزان به وسیله ی آن می توانند خود را در موقعیتی تازه قرار دهند که موجب تقویت تخیل و بصیرت آنها شود. (همان منبع).

به طور کلی دو راهبرد برای روش نوآفرینی یا بدیعه پردازی وجود دارد :

۱- نگاه تازه و آفرینش چیزی جدید ، از این راهبرد برای آموزش انشا استفاده می شود .

۲- آشنا سازی پدیده های ناآشنا ، پدیده های جدید و تازه را آشنا و معنادار کردن.

اولین شیوه بر آن است که مسائل و نظریات آشنا را در پرتو خلاقیت و بینشی تازه در نگاه بپروراند. شیوه ی دوم ، مفاهیم و عقاید جدید ناآشنا را به وسیله ی مفاهیم آشنا ، معنی دار می سازد(همان منبع). در این جا از شیوه ی اول برای آموزش درس نگارش و انشا استفاده کرده ایم. مراحل این شیوه به شرح زیر است:

✓ مرحله اول(توصیف مسئله یا وضعیت جدید.

✓ مرحله دوم) قیاس مستقیم.

✓ مرحله سوم) قیاس شخصی.

✓ مرحله چهارم) تعارض فشرده.

✓ مرحله پنجم) قیاس مستقیم مجدد.

✓ مرحله ششم) بررسی مجدد تکلیف.

مرحله اول) توصیف مسئله یا وضعیت جدید:

در شروع درس از دانش آموزان خواسته می شود تا موضوعی را انتخاب کنند؛ سپس به بحث و گفتگو در مورد آن بپردازند. دانش آموزان پس از مذاکره و مشورت با یکدیگر از میان موضوعات مختلفی که به ذهنشان می رسد یکی را انتخاب می کنند ؛ آن را به صورت مشخص معرفی نمایند؛ در این بخش به ویژگی ها ، خصوصیات ، صفات و... اشاره می شود..

مرحله دوم) قیاس مستقیم:

اکنون از منظر جدیدی به موضوع نگاه کنیم ؛ با بیان این ویژگی های تازه، دانش آموزان وارد قیاس مستقیم می شوند. در این مرحله دانش آموزان هر کدام خصوصیتی را در باره ی موضوع بیان می کنند. پس از ذکر قیاس های مختلف از دانش آموزان خواسته می شود؛ نزدیک ترین شباهت به موضوع را انتخاب کنند. دانش آموزان پس از بحث و تبادل نظر، یکی از آن صفات را انتخاب می کنند.

مرحله سوم) قیاس شخصی:

در این مرحله از دانش آموزان خواسته می شود، خود را در موقعیتی تصور نمایند و احساسات خویش را بیان کنند. پس از فضا سازی ذهنی و بیان تصورات ، از دانش آموزان خواسته می شود تا پاسخ های خود را مرور و بازخوانی کرده و از میان آن، دو تصویر ذهنی یا واژه ی متضاد را که ناسازی معنایی دارند؛ انتخاب کنند. در مرحله ی قیاس شخصی، فراگیرندگان بین خود و مفهوم انتخاب شده، هم سویی و هم دلی ایجاد می کنند، خود را در درون قیاس و آن را در قالب خود شرح می دهند و احساسات و تمایلات و انگیزه های خود را بیان می دارند. برای بیان قیاس شخصی، احساس نزدیکی و یکی شدن با مفهوم، بسیار ارزشمند است و در خلاقیت شخصی، اثر زیادی دارد.

مرحله چهارم) تعارض فشرده:

دانش آموزان با استفاده از توصیف های گفت وگوهای مرحله ی دوم و سوم چند قیاس(تعارض) فشرده را پیشنهاد می کنند؛ بار دیگر درباره ی آن ها چند وچونی در می گیرد و سرانجام دانش آموزان دست به انتخاب می زنند.

مرحله پنجم) قیاس مستقیم مجدد:

در این جا ، دانش آموزان به ارائه و انتخاب قیاس مستقیم دیگری مبنی بر تعارض فشرده، روی می آورند. در این مرحله هیچ اسمی از موضوع اصلی به میان نمی آید؛ بلکه به کمک بارش مغزی ، دست به سنجش ها و قیاس های تازه تری می زنند. پس از سپری شدن زمان، از دانش آموزان خواسته می شود که مناسب ترین قیاس مستقیم و پیوسته به موضوع و مفهوم را انتخاب کنند. دانش آموزان هم یکی را از آن میان برمیگزینند.

مرحله ششم) بازبینی و بررسی مجدد تکلیف:

از دانش آموزان خواسته می شود که فرایند تولید ذهنی و دلیل گزینش خود را توضیح دهند . اکنون پس از این پویه های ذهنی ، از دانش آموزان خواسته می شود که در مورد موضوع انتخابی نهایی خود با توجه به این قیاس ها و گفت وگویی مراحل چندگانه، انشا بنویسند. (روش های نوین یاددهی -یادگیری، اکبری شلدرد و همکاران، ۱۳۸۸)

روش بارش مغزی:

بارش فکری (brainstorming) را ظاهراً نخست بار ،شخصی به نام « الکس اس اسبورن » در سال ۱۹۳۸ به کار گرفت که به اسامی مختلف مانند بارش افکار، طوفان فکری، طوفان ذهنی نیز خوانده می شود، یکی از معروف ترین روش های ایجاد خلاقیت است. بارش فکری یک روش گروهی است و شرکت کنندگان در مورد یک مسئله یا مشکل به صورت گردشی تراوش های فی البداهه اندیشگانی خود را بیان می کنند. یک نفر ، مدیریت و هدایت بحث را بر عهده می گیرد و یک نفر هم زایش های ذهنی ارائه شده را روی تخته یادداشت می کند.

این روش دو مرحله دارد :

۱- زایش و بارش فکر: هدف از این مرحله تولید افکار و اندیشه ی فراوان است که از سوی شرکت کنندگان ارائه می شود. در مرحله تولید فکر، هنجارهایی وجود دارد که همه شرکت کنندگان باید رعایت کنند:

- پرهیز از داوری، هیچ فکر و نظری نباید مورد قضاوت، ارزیابی و انتقاد قرار گیرد.
- نوبت بودن فکر، هر چه افکار تازه تر و دور از ذهن، بکر و جسورانه باشند، ارزش بیش تری دارند.
- باروری ذهن، هر چه میزان افکار و طرح نظرات نو بیشتر باشد، بهتر است.
- ایجاد فرصت ،تا زمانی که افراد گروه دیدگاه های تازه ای ارائه می دهند، جلسه ی بارش افکار امتداد می یابد.

۲- **سنجش اندیشه ها :** در این مرحله، افکار مطرح شده؛ مورد ارزیابی قرار می گیرند، در صورت لزوم، حذف و کاهش یا ترکیب می شوند و یا فکرهای جدید و کاملتری را به وجود می آورند. در نهایت نیز ایده های برتر انتخاب و مورد استفاده قرار می گیرند.

شیوه ی اجرا: معلم، موضوع نوشتن را تعیین می کند، از دانش آموزان می خواهد تا هرکلمه ای که با توجه به موضوع انشا به ذهن آنها می رسد، یادداشت کنند، سپس با هر واژه، جمله ای بسازند. از کلمات تکراری و ساخت جمله های شبیه به هم، باید پرهیز شود. در پایان، جمله های ساخته شده را با رعایت نظم منطقی و انسجام معنایی در پی هم بچینند و متن نوشته را کامل کنند.

روش حل مسئله

یکی دیگر از روش های مناسب آموزش نگارش و انشا «روش حل مسئله» است. در این روش، مسئله ای مطرح می شود که مثلاً می تواند از گرفتاری قهرمان قصه آغاز شود. دانش آموزان به توصیف و تبیین مسئله پرداخته، راه حل یا راه حل هایی برای آن پیدا می کنند. پس از بحث و گفت و گو، معلم نظر خود را درباره ی حل مشکل قهرمان داستان ارائه می دهد. دانش آموزان به بررسی علت وقوع حوادث در قصه ها می پردازند، ارتباط علت و معلولی وقایع را کشف می کنند. ایده ها و نظرهای مختلف را به یکدیگر مربوط و با هم مقایسه می کنند و نتایج داستان ها را پیش گویی می کنند. مطالب ذکر شده می تواند در دو گونه ی بیانی، یعنی گفتاری و نوشتاری، مطرح شود. در این دوره می توان از دانش آموزان خواست تا درباره ی شنیده ها یا خوانده های خود به قضاوت و داوری بپردازند.

- **مراحل روش حل مسئله مبتنی برالگوي «جان دیویی»:**

۱- مشخص کردن موضوع یا مسئله

۲- جمع آوری اطلاعات برای ساخت فرضیه

۳- فرضیه سازی

۴- آزمایش فرضیه ها

۵- نتیجه گیری، تعمیم و کاربرد.

- **مراحل روش حل مسئله، مبتنی برالگوي «جورج پولیا» :**

الف- درك و فهم موضوع یا مسئله

ب- نقشه کشی یا طراحی برای حل مسئله

پ- اجرای نقشه و راهبردهای انتخاب شده

ت- بازنگری و بررسی

مدرسه، مطابق با الگوي حل مسئله، دانش آموزان را در موقعیتی قرار می دهد که بتوانند گمانه ها و پندارهای خود را از راه جست و جو، کاوش و به کمک شواهد موجود و گردآوری شده، بیازمانید و شخصاً از آن ها نتیجه گیری کنند و ضمن رسیدن به هدف موردنظر، از روش های دانش اندوزی و جمع آوری اطلاعات نیز آگاه شوند. در روش حل مسئله شاگرد محور فعالیت است و اطلاعات علمی مستقیماً به او انتقال داده نمی شود. معلم با طرح موضوع و مسئله، شاگرد را به فعالیت و امی دارد و برای حل مسئله او را راهنمایی می کند، روابط میان گروهی بین شاگردان وجود دارد و انتقال دو سویه (بین معلم و شاگرد) است و شرایط و منابع آموزشی منحصر به کلاس و کتاب درسی نیست. الگوي حل مسئله به زمان، مکان، امکانات و معلمان با تجربه، نیازمند است.

مراحل اجرا در الگوي حل مسئله

کلاس به گروه های ۵ یا ۶ نفره تقسیم می شود:

۱. يك موضوع نوشتاري طرح مي‌شود.
 ۲. دانش آموز با كمك و هدايت معلم، اطلاعات مورد نياز را از طريق گفت وگو، مطالعه ، مشاهده و راه‌هاي ديگر گردآوري مي‌كند.
 ۳. شاگردان راحل هاي احتمالي را حدس مي‌زنند و فرضيه‌سازي مي‌كنند. در اين مرحله شاگردان ناگزير هستند به تفكر و هم انديشي بپردازد.
 ۴. شاگردان بايد اطلاعات و شواهد موجود را بررسي و تحليل كنند و عوامل را كه به پذيرش يا رد گمان ها منجر مي‌شوند، مشخص كنند.
 ۵. نتيجه‌گيري، اساس اين الگوست و شاگرد بايد پيش‌بيني كند كه نتايج به دست آمده، تا چه اندازه به موارد جديد قابل تعميم است و اين‌كه او دانش به دست آمده را در حل مسائل به كار گيرد.
- در اين الگو ، همهي شاگردان با همدیگر و نیز با معلم در ارتباط اند و نقش معلم، نقش مشاوره و راهنمائي است.

روش روشن سازی طرز تلقی (برخورد و زایش اندیشه ها):

شیوه برخورد افراد عمیقاً روی مؤثر بودن و رضایت شخصی شان اثر دارد. از این رو، طرز برخوردها جنبه مهمی از یادگیری احساس اجتماعی هستند. بسیاری از افراد شیوه برخورد را یک مسأله شخصی می‌پندارند ولی چنانچه افراد بتوانند آزادانه طرز برخوردهایشان را مورد بررسی قرار دهند، بینشی کسب می‌کنند که می‌تواند رفتار خویش را به سامان آورند و دریابند که شیوه برخوردهایشان ممکن است کیفیت عملشان را محدود سازد. **مراحل روش طرز تلقی:**

مرحله اول- خود سنجي:

در این مرحله، فراگیران تلاش می‌کنند به پرسش‌های کتبی معلم به تنهایی و به طور خلاصه پاسخ دهند و توان فکری و نوشتن خود را در رویارویی و برخورد با موضوع و مسأله، بسنجند.

مرحله دوم- ارزشیابی و رتبه بندی فردی:

معلم همان سؤالات مرحله اول را به صورت پرسش نامه چند گزینه ای (۴-۵-۶-... گزینه ای) به فراگیران می‌دهد. هر فراگیر به صورت فردی گزینه ها را براساس مناسب‌ترین نظراتش رتبه بندی می‌کند. مناسب‌ترین نظر ، در پرسش نامه ۵ گزینه ای رتبه ۵ و همین طور رتبه های دیگر ۴، ۳، ۲، ۱ تعیین می‌شود.

مرحله سوم: بررسی گروهی و یافتن مناسب‌ترین دیدگاه:

افراد هرگروه به گروه خود باز می‌گردند، پس از نقد و بررسی، مناسب‌ترین گزینه را انتخاب می‌کنند، ممکن است در بین گروه، اختلاف دیدگاه برای یافتن مناسب‌ترین پاسخ به وجود داشته باشد که کاملاً طبیعی است و موضوع مهم در چنین حالت، نوع مدیریت معلم یا رهبر گروه و تدبیر مناسب برای یافتن بهترین نظر است البته هدف اصلی همین است که این اختلاف دیدگاه ها و ناسازی نظرها به صورت آموزشی و علمی بررسی و حل شود و دانش آموزان هم چگونگی برخورد با نظرات مخالفان را در جمع خود تجربه کنند و تحمل شنیدن سخن دیگران را در خود بیورانند و این تمرینی برای بهتر و با آرامش زیستن است.

مرحله چهارم: طراحی کارنما برای گزارش فرایند:

معلم، در حالی که دانش‌آموزان مرحله سوم را اجرا می‌کنند، کارنما یا جدول گزارش را طراحی می‌کند این کارنما می‌تواند روی تخته یا برگه ای طراحی شود و در حقیقت شیوه نامه ی عملکرد گروه باشد.

مرحله پنجم: تدوین نقد و گزارش :

در این مرحله، معلم با کمک گروه ها مناسب‌ترین پاسخ هرگزینه را بر پایه اکثریت آراء و بیان دلیل از طرف گروه‌ها و افراد، برمی‌گزیند و حتی معلم می‌تواند یک ستون آخر جدول را به بیان دیدگاه خود اختصاص دهد.

مهم‌ترین بخش این روش، تهیه سؤالاتی چند گزینه‌ای است که قابلیت درجه بندی دارند و دانش‌آموزان می‌توانند آنها را درجه بندی کنند، بهتر است سؤالات واگرا باشند تا دانش‌آموزان درجه بندی های متفاوتی را انجام دهند. دانش‌آموزان در مرحله نقد و بررسی از نظر خود دفاع می‌کنند و برای پندار و فرضیه خود، دلیل می‌آورند؛ هدف این روش هم آنست که دانش‌آموزان بتوانند مهارت هایی چون: فرضیه سازی- خود ارزشیابی- صحبت کردن- گوش دادن -دلیل آوردن-احترام به گروه-آزادی بیان و رای گیری، در مرحله آخر-نقد کردن نظر دیگران و توانایی شنیدن دیدگاه ناساز و تحمل نظر دیگران را بیاموزند .

- روش پرسش و پاسخ

همان‌طور که از نام این روش بر می‌آید، در این روش معلم پرسش‌های مناسبی را تهیه و تدارک می‌بیند و آن‌ها را به گونه‌ای در کلاس به کار می‌گیرد که دانش‌آموزان به سمت اهداف برنامه و درس، هدایت شوند. در این روش، معلم می‌تواند پرسش‌هایی فی‌البداهه نیز برای تکمیل یادگیری طرح کند. نکته‌ی مهم این است که مدیریت و هدایت دانش‌آموزان و تنظیم زمان برای پاسخ به پرسش باید مورد توجه باشد.

این روش مهارت‌های گوش دادن، گفتن، نقد و تحلیل و حافظه‌ی شنیداری و قدرت بیان را تقویت می‌کند. چنان‌چه از نتایج بحث‌ها هم گزارشی تهیه شود به تقویت چهار مهارت زبانی خواهد انجامید. درس هفتم و هشتم کتاب پایه هفتم بر همین بنیاد استوارند، البته باید توجه داشته باشیم که در پهنه آموزش مهارت‌های مکتوب زبان قرار داریم، بنابراین پرسش و پاسخ‌ها باید به شکل نوشتاری اجرا شود، به ویژه پاسخ‌ها حتما باید از حالت گفتار به نوشتار درآید .

- روش بحث گروهی

در صورتی که پرسش و پاسخ از حالت دو طرفه بین معلم و دانش‌آموز یا دانش‌آموز و دانش‌آموز درآید و معلم موضوع مشخصی را در کلاس طرح کند تا دانش‌آموزان درباره‌ی آن با هم مشورت و اندیشه کنند؛ روش بحث گروهی به کار گرفته خواهد شد. این روش از جمله روش‌های فعال و مشارکتی در امر آموزش به شمار می‌رود بنابراین، دانش‌آموزان در گروه‌های مختلف طبقه‌بندی می‌شوند و با هدایت معلم به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند.

اهمیت این روش با توجه به ماهیت زبان و ادبیات فارسی زمانی روشن می‌شود که نمایندگان هر گروه نظر خود را بیان کنند و ضمن گوش دادن به اظهارات دیگر گروه‌ها، به نقد و تحلیل نیز تسلط یابند. گروه‌بندی مناسب، کنترل زمان، هدایت و رهبری گروه‌ها، طرح موضوعات مناسب و ... از جمله شرایط اساسی برای به کارگیری این روش است.

توجه: از این روش در پاسخ به فعالیت‌ها هم می‌توان بهره گرفت اما به این نکته باید توجه داشته باشیم که در این درس، مرحله اندیشیدن و تفکر در باره موضوع به صورت همفکری، مشورت، رایزنی و هم اندیشی است ولی هنگامی که عمل نوشتن قرار است آغاز شود، کار گروهی تبدیل به کار فردی می‌شود و از این جا به بعد هر کس مسئول سامان دادن ذهن و نوشته خود است و همین بخش است که مبنای ارزش یابی خواهد بود.

- روش قصه‌نویسی و نمایش خلاق

در این دوره تحصیلی به ویژه در کتاب فارسی و آموزش مهارت‌های نوشتاری به خوبی می‌توان از نمایش و قصه‌نویسی، مناسب با سن نوجوانی استفاده کرد. برخی از دروس به گونه‌ای سازماندهی شده‌اند که با هدایت معلم می‌توان مفاهیم مورد نظر را به صورت عینی و محسوس به نمایش گذاشت. این روش‌ها چنانچه با بحث و تبادل نظر و ارزش یابی در کلاس توأم شود، می‌تواند عالی‌ترین اهداف آموزش این درس‌ها را محقق کند. بخشی از این اهداف عبارت‌اند از: ایجاد برقراری ارتباط انسانی و عاطفی، نظم‌بخشی به افکار و گفتار، پرورش قوه تفکر، استنتاج، رشد و شکوفایی خلاقیت و استعدادهای زبانی و ادبی.

برای اجرای عملی و کاربردی این روش بهتر است یک متن داستانی را براساس عناصر زیر کالبدشکافی کنیم. به کارگیری این روش در نوشتن و یا اجرای نمایش و پذیرفتن نقش‌ها هم شیوه بررسی ساختار و محتوا را آموزش می‌دهد و هم دانش آموزان یاد می‌گیرند که خودشان هم در تولید چنین متن‌هایی این عناصر و چارچوب را رعایت کنند:

- شخصیت یا شخصیت‌ها
- زاویه دید
- زمان داستان
- مکان داستان
- رویدادهای مهم
- درونمایه و محتوای اثر.

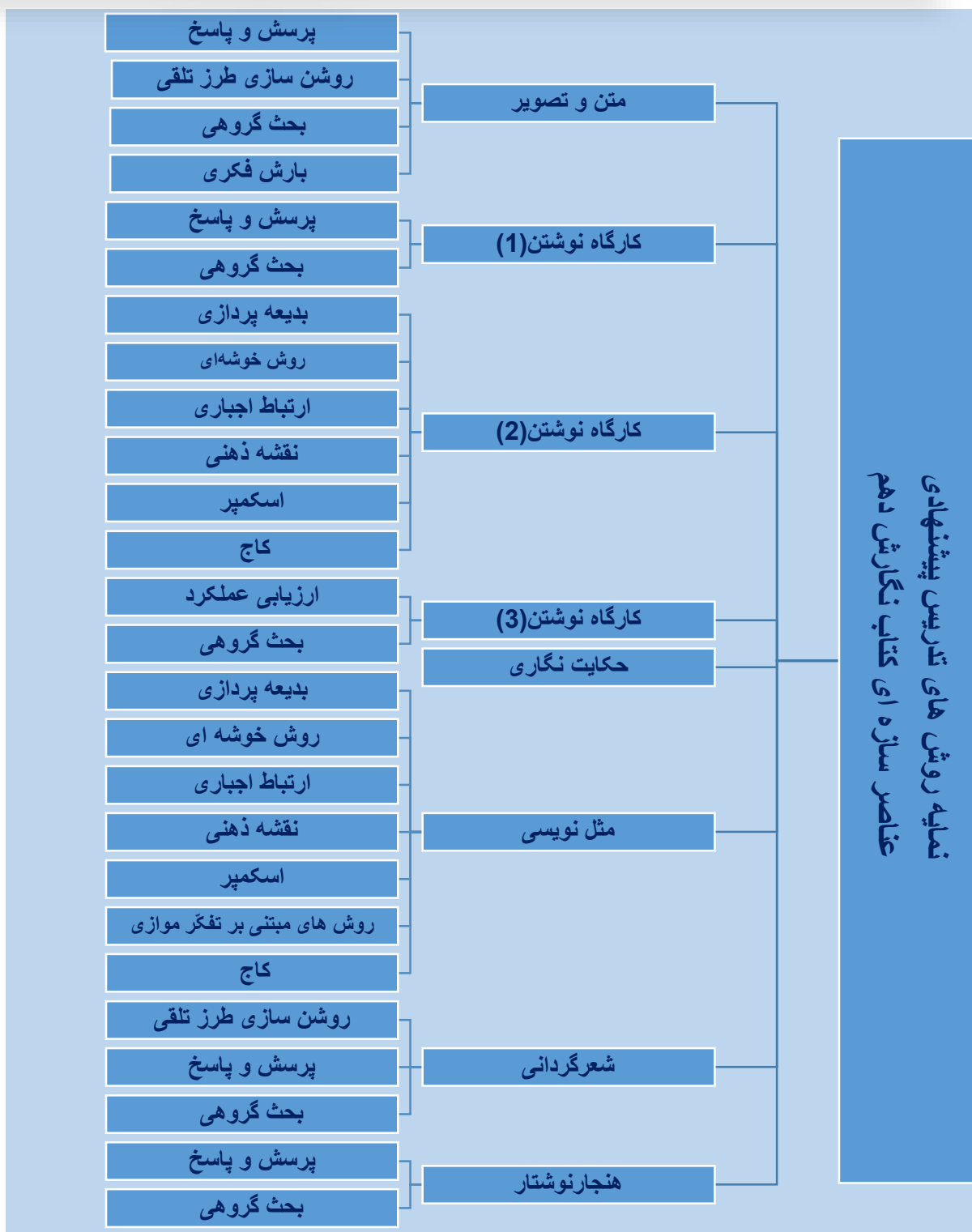
- روش مشاهده و گردش علمی

در این روش معلم برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با آثار تاریخی و ادبی و زبانی آن‌ها را به بیرون از کلاس می‌برد تا از نزدیک به مشاهده بپردازند. دانش‌آموزان با توضیح و توصیف دیده‌ها و شنیده‌های خود به صورت گفتاری و نوشتاری به پرورش و تقویت مهارت‌های زبانی و ادبی خود نایل می‌شوند. می‌توان از آن‌ها خواست تا گزارش تهیه کنند، یادداشت‌برداری نمایند، اطلاعات به دست آمده را طبقه‌بندی کنند و زیبایی‌های مشاهده شده را وصف نمایند و یا آن‌ها را به تصویر بکشند تا بدین ترتیب به پاره‌ای از مهارت‌های نگارشی تسلط پیدا کنند. این روش برای تمرین خوب دیدن و تربیت سواد دیداری و تقویت توانایی تبدیل دیده‌ها به نوشته، بسیار مناسب است.

در این روش، کسب درک روشنی از سنجه ها یا معیارها، آنان را قادر می سازد تا کیفیت کار خویش را مورد قضاوت قرار دهند. در این صورت می توانند تا حدودی از ارزیابی کارشان از سوی دیگران بی نیاز شوند. سپس هر شخص کار خویش را ارائه می دهد. اعضای گروه، کار هر فرد را با دیگری و با معیارهایی که فراگرفته اند، مقایسه می کنند. هر فرد، انتقادهایی را که به کارش شده است، دریافت می کند؛ مثلاً معلم از دانش آموزان می خواهد تا ویژگی های یک نوشته خوب را بیان و جمع بندی کنند. پس از بیان نظرهای مختلف گروه ها، معلم معیارهای علمی را ارائه می دهد و بدین ترتیب آن ها عملکرد خود را مورد تجدید نظر و ارزیابی قرار می دهند.

از این روش در تمرین سه فعالیت های نوشتاری می توان بهره گرفت. مبنای داوری در هر درس، سنجه های ذکر شده در همین فعالیت هاست. این تمرین، در حقیقت فرصتی است برای آشنایی عملی دانش آموزان با موضوع نقد و نقدنویسی. البته چون در هر درس سنجه های نقد به روشنی تدوین شده است، انتظار می رود هر نوع نقد و نظری با ارائه دلیل و مبتنی بر یکی از معیارها باشد و از کلی گویی های بدون معیار باید دانش آموزان را پرهیز داد.

روش‌ها و شگردهای مناسب برای عناصر سازه ای یک واحد درسی



نگاهی به روش های یاددهی- یادگیری در کتاب های متوسطه اول

نمایه روش های تدریس پیشنهادی کتاب مهارت های نوشتاری هفتم

روش های تدریس پیشنهادی		
روش تدریس	درس	پایه
خوشه سازی، روشن سازی طرز تلقی	درس اول	پایه هفتم
نقشه مفهومی، اسکمپر	درس دوم	
بحث گروهی	درس سوم	
نیلوفر آبی	درس چهارم	
کاج	درس پنجم	
کارایی گروه	درس ششم	
بارش فکری	درس هفتم	
تدریس اعضای گروه	درس هشتم	

نمایه روش های پیشنهادی کتاب مهارت های نوشتاری پایه هشتم

روش های تدریس پیشنهادی		
روش تدریس	درس	پایه
تدریس اعضای گروه	درس اول	پایه هشتم
برخورد و زایش اندیشه ها (روشن سازی طرز تلقی) تفکر موازی	درس دوم	
مشاهده و گردش علمی، بدیعه پردازی	درس سوم	
از خوب دیدن تا خوب نوشتن	درس چهارم	
بارش فکری	درس پنجم	
نوآفرینی(بدیعه پردازی)، چه می شود اگر ...	درس ششم	
پرسش و پاسخ، خوشه سازی، اسکمپر	درس هفتم	
کارایی گروه	درس هشتم	

نمایه روش های تدریس کتاب مهارت های نوشتاری پایه نهم

روش های تدریس پیشنهادی		
پایه	درس	روش تدریس
پایه نهم	درس اول	ارتباط اجباری
	درس دوم	دریافت مفهوم
	درس سوم	بارش فکری
	درس چهارم	تدریس اعضای گروه
	درس پنجم	تدریس به شیوه به کارگیری گروه های مکمل
	درس ششم	تدریس با الگوی پیش سازمان دهنده
	درس هفتم	تدریس با بهره گیری از نقشه مفهومی
	درس هشتم	روش قضاوت عملکرد

روش های یاددهی- یادگیری کتاب نگارش دهم

نمایه روش های تدریس پیشنهادی پایه دهم			
درس اول	تدریس اعضای گروه	کاربرگ	روش بهره گیری از جدول اجزا و عناصر
درس دوم	روش گروهی (از نوشتن انفرادی به نوشتن گروهی)		
درس سوم	پرسش و پاسخ	پرسش سازی و پاسخ سازی	ارائه روشی برای آموزش شعرگردانی
درس چهارم	روش تدریس از طریق گروه های مکمل		
درس پنجم	بدیعه پردازی	نوشتن به روش تفکر موازی	
درس ششم	روش ارتباط اجباری		
درس هفتم	روش خوشه سازی		
درس هشتم	روش همیاری		

ارزشیابی

ارزشیابی به معنای یافتن ارزش هاست. یافتن آن چه نه در زمان محدود، بلکه در فرایند آموزش و تلاش برای یادگیری و آموختن حاصل می شود. در فرایند ارزشیابی، تنوع شیوه ی جمع آوری اطلاعات و معیاری که برای قضاوت انجام می شود، انواع مختلفی از ارزشیابی را تولید می کند که دامنه ی آن در یک طرف آزمون های استاندارد و پایانی است، که طی آن اطلاعات تحت شرایط یکسان و از پیش تعیین شده ای از دانش آموزان جمع آوری می شود، و از طرف دیگر آزمون های سازنده و رشد دهنده ای است که در آن معلم به طور مستمر طی فعالیت های یکسان یا متفاوت اطلاعاتی از دانش آموزان جمع آوری می کند. ارزشیابی معتبر به همراه آموزش معتبر امکان پذیر است.

ارزشیابی یکی از عناصر بسیار مهم برنامه درسی است که تنها به پرسش های کلاسی یا آزمون های پایانی محدود نمی شود. وقتی که محصول برنامه درسی به شکل بسته ی آموزشی در اختیار مخاطبان و مجریان قرار گرفت، انتظار می رود معلمان به منظور اطمینان از میزان تحقق اهداف برنامه، از آزمون ها و شیوه های متنوع، برای ارزش یابی استفاده کنند. پیشنهاد می شود در انتخاب شیوه های ارزش یابی اصول زیر رعایت شود:

۱ - شیوه ی ارزش یابی باید با اهداف آموزشی و سایر عناصر برنامه، متناسب باشد و معلوم کند که هر کدام از شیوه ها و مهارت ها چه دانش، مهارت و نگرشی را می سنجد.

۲ - شیوه ی ارزش یابی باید با رویکرد برنامه تناسب داشته باشد، مثلاً در برنامه ای که فعالیت محور و مهارتی است، شیوه های ارزش یابی در عین توجه به فرایند آموزش، نتیجه و میزان کسب مهارت آموزشی را نیز مورد توجه و سنجش قرار می دهد.

۳ - شیوه ی انتخاب شده، نسبت به سایر شیوه ها، کارایی بیشتری داشته باشد.

۴ - به تناسب ماهیت اهداف و سایر عناصر برنامه از شیوه های متنوع، استفاده شود.

برای ارزش یابی از میزان تحقق اهداف برنامه ی درسی زبان و ادبیات فارسی دوره ی اول متوسطه، جهت گیری های متنوعی قابل طرح است. در این برنامه با توجه به اصول و مبانی آموزش زبان و ادبیات فارسی و نیز اهمیت برخی روش های ارزش یابی در این درس به اصول زیر تکیه و تأکید می شود:

۱ - ارزش یابی از مهارت های خوانداری زبان (خوانش نوشته های خلق شده توسط دانش آموزان در کلاس)

۲ - ارزش یابی تلفیقی از مهارت های نوشتاری زبان .

۳ - ارزش یابی از فرایند آموزش و فعالیت های دانش آموزان.

۴ - ارزش یابی مستمر (تکوینی) در کنار ارزش یابی پایانی .

با توجه به ماهیت برنامه‌ی درسی زبان و ادبیات فارسی و نیز نوع ارزش یابی حاکم بر آموزش، برای ارزش‌یابی این درس، روش‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

۱ - آزمون کتبی

۲ - آزمون شفاهی

۳ - مشاهده ی رفتار

برای استفاده‌ی درست از روش‌های فوق و رعایت رویکردهای ارزش‌یابی در این برنامه، از ابزارهای زیر می‌توان بهره گرفت:

۱ - آزمون کتبی شامل سؤالات تکمیل کردنی، پاسخ کوتاه، نقد آثار و ... از ریز مهارت های نوشتاری.

۲ - آزمون شفاهی شامل پرسش های شفاهی از مهارت های گوش دادن، سخن گفتن ، خواندن، درک متن و ریزمهارت های خوانداری (لحن، تکیه و...).

۳ - چک لیست، ابزار اندازه گیری عملکرد دانش آموز در مهارت های ارتباطی، توانایی های ذهنی، شرکت در فعالیت های گروهی و مهارت های شفاهی زبان.

یاد آوری : هیچ يك از این عناصر و فعالیت ها به تنهایی موضوع آموزش و ارزشیابی نیستند؛ بلکه همه در خدمت تقویت توانایی نوشتن هستند. بنابراین پیشرفت دانش آموزان در مهارت نوشتن، هدف اصلی است.

نمایه شیوه نامه ارزشیابی کتاب نگارش پایه دهم

شیوه نامه ارزشیابی		
موضوع	سنجه های ارزشیابی	نمره
الف) باز شناسی	توانایی بازشناسی آموزه های درس	۲
ب) آفرینش	۱. خوش آغازی (جذابیّت و گیرایی، نشان دادن نمایی کلی از محتوای نوشته)	۱
	۲. شیوه بیان نوشته (بیان ساده و صمیمی- بیان احساس متناسب با موضوع)	۲
	سیر منطقی نوشته (پرداختن به جنبه های مختلف موضوع- انسجام نوشته)	۲
	فکر و نگاه نو (نگاهی متفاوت به موضوع)	۲
	۳. خوش فرجامی (جمع بندی مطالب- تاثیر گذاری و تفکر برانگیز بودن)	۱
پ) سازه های نوشتار	۱. مثل نویسی	۲
	۲. حکایت نگاری	۲
	۳. شعر گردانی	۲
ت) هنجار های نگارشی	۱. هنجار نوشتار و نشانه های نگارشی ۲. املا ی واژگان(نداشتن غلط املائی)	۱ ۱
ث) کالبد شناسی متن	نقد و تحلیل متن بر اساس سنجه های دروس	۲

بخش دوم

بررسی درس ها

نمایه عناصر سازه ای بخش دوم کتاب معلم نگارش دهم

آگاهی های فرامتنی	درنگی در قلمرو فعالیت ها	جستاری در متن	روش های تدریس	اهداف	نمایه درس	سخنان پیشانی فصل	
							درس یک پرورش موضوع
							درس دوم عینک نوشتن
							درس سوم نوشته عینی
							درس چهارم نوشته های گزارش گونه
							درس پنجم نوشته ذهنی جانشین سازی
							درس ششم نوشته ذهنی ۲ سنجش و مقایسه
							درس هفتم نوشته ذهنی ۳ ناسازی معنایی تضاد مفاهیم
							درس هشتم نوشته های داستان گونه



درس اول

پرورش موضوع

فکرهایی جالب اند

که بتوانند سال های سال بر فراموشی غلبه کنند

و دوام بیاورند. اگر فکری آن قدر خوب باشد که بتواند پانزده سال

منتظر بماند تا کتابی مانند، "صد سال تنهایی" شود یا هفده سال تا کتابی چون "

پاییز پدر سالار" شود و یا سی سال تا " گزارش یک مرگ" بشود ،

پس می توانم بنشینم و آن را بنویسیم.

(مارکز، بوی درخت گویا)

عنوان : پرورش موضوع

محتوا:

محتوای درس اول در مورد انتخاب روش هایی برای پرورش موضوع است و در ضمن درس سه روش برای پرورش موضوع ارائه می گردد.

حکایت نگاری

بازنویسی حکایتی
از کلیله و دمنه

هنگار نوشتار

در این درس هنگار
نوشتار به اهمیت
کاربرد جملات کوتاه
و تاثیرات نامطلوب
جمله های بلند می
پردازد از جمله:

- نفس گیر بودن
- دشواری پردازش در ذهن
- از بین رفتن ارتباط منطقی بین اجزای جمله
- دشواری درک و دریافت جمله

کارگاه نوشتن

1. تشخیص شگرد به
کار رفته در طرح
پرسش ها

2. انتخاب موضوعی
آزاد، طرح پرسش هایی
مرتبط با آن و پاسخ
سازی برای پرسش ها

3. ارزشیابی نوشته ها
بر اساس سنجه های
مشخص شده در درس.

متن و تصویر

ارائه سه روش
برای پرورش دادن
موضوع نوشته و
ارائه نمونه:

- الف) بارش فکری
- ب) اگر نویسی
- پ) گزین گفته ها

اهداف درس اول :

- باز آموزی و یادآوری آموخته های پایه نهم .
- افزایش توانمندی فراگیران در جذب و دریافت موضوعات از محیط پیرامون.
- تقویت توانایی تهیه لیستی از موضوعات ساده پیرامون و تبدیل موضوعات ساده به موضوعات جذاب و متنوع.
- آشنایی بیشتر با شگرد " پرسش گری " به منظور تبدیل موضوعات ساده به نوشته های جالب و ارزشمند.
- تقویت توانایی گشودن گره های ذهنی با بهره گیری از شگرد " پرسش گری ".
- آشنایی بیشتر با روش " بارش فکری " در معنا سازی و ایجاد فرصتی برای فکر کردن.
- آشنایی با شگرد " اگر نویسی " در رها سازی ذهن و قرار گرفتن در موقعیت های مختلف.
- ایجاد توانایی بهره گیری از شگرد " اگر نویسی " به منظور پرداختن و انتخاب ساده و آسان به موضوعات.
- ایجاد نگرش مثبت نسبت به " گزین گفته ها " و توانایی به کار گیری این شگرد در نوشتن.

روش های پیشنهادی تدریس

با توجه به نکات زیر می توان درس پرورش موضوع را به شیوه " تدریس اعضای گروه " آغاز نمود و در ادامه با توزیع کاربرگ هایی یادگیری را تثبیت نمود.

محتوای این درس از نظر کمیت قابل تفکیک بوده (در این درس به سه روش مستقل برای پرورش موضوع اشاره شده است) بارش فکری ، گزین گفته ها و اگر نویسی. همچنین از نظر سطح دشواری برای فراگیران قابل فهم است . با توجه به آموزه های سال های پیشین و ساخت شناختی فراگیران ، در متن درس گره و چالش خاصی وجود ندارد و با مطالعه متن فراگیران قادر خواهند بود مطالب را کشف کنند.

اساس این روش مبتنی برهمیاری دریادگیری است و اساس یادگیری ازطریق همیاری ،تشکیل تیم های یادگیری است.

این روش سبب جلوگیری از گوشه گیری،ازخودبیگانگی ،بی هدفی،وناراحتی درفعالیت های جمعی می گردد و حس اعتمادبه نفس اعضا را افزایش می دهد و روابط بین فردی دانش آموزان را بهبود می بخشد.

دراین روش از دانش آموزان انتظارمی رود بایکدیگر به تعامل پرداخته ،پیشرفت تحصیلی یکدیگررا برعهده بگیرند.دانش آموزان انتظاردارند گروهی را که درآن فعالیت دارند به موفقیت دست یابد و افراد،گروه را دردستیابی به موفقیت یاری رسانند.

این روش بر دو فرضیه استواراست:

۱-هریک از شرکت کنندگان،قسمت متفاوتی از موضوع درس رایادمی گیرند.

۲-هر فراگیر می تواندبه اعضای تیم خوددرس بدهد.

دراین الگو ،تدریس توسط گروه فراگیران انجام می شود و پس ازآن معلم توضیحات ضروری و تکمیلی را ارائه می دهد.به همین جهت این الگورا«تدریس اعضای گروه» نام نهاده اند.

مراحل اجرا:

مرحله اول: آمادگی فردی

- ۱- گروه بندی دانش آموزان و اختصاص شماره به هریک از اعضای گروه.
- ۲- تدوین قوانینی که گروه ها ملزم به رعایت آنها هستند، مانند: یادداشت برداری، بحث و گفتگو به طور آهسته، زمان بندی و...
- ۳- تقسیم متن درس به بخش های مستقل و تقریباً مساوی. گروه های سه نفره تشکیل می گردد و به هر یک از گروه ها وظیفه مطالعه یکی از روش های پرورش موضوع محول می گردد و کار انفرادی با صامت خوانی آغاز می گردد.

مرحله دوم: کار تیمی

- تشکیل گروه های هم شماره. هر یک از فراگیران با توجه به شماره خود با شماره های مشابه هم گروه می شوند و اعضای گروه باهم به بحث، تبادل نظر می پردازند.
- تشکیل گروه های اولیه (برگشت به گروه اولیه)
- ارائه نظرات و سوالاتی که در گروه های هم نام مطرح شد، در گروه اولیه.
- در این بین معلم هدایت دانش آموزان برای حضور در گروه های جدید، کنترل کلاس و برقراری آرامش و همچنین نظارت بر اجرای فعالیت گروه ها را انجام می دهد.

ارزشیابی گروه ها

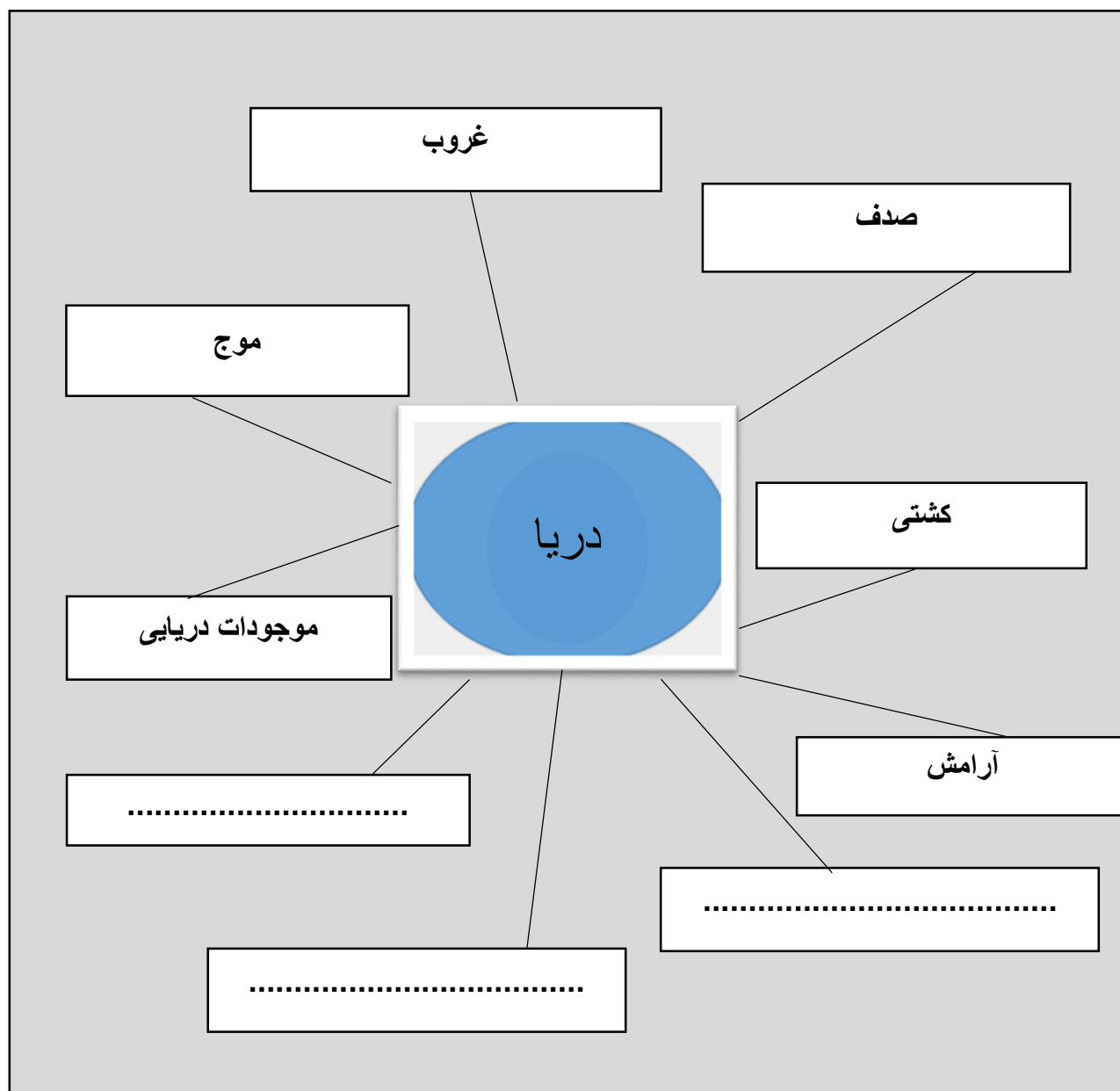
- پس از این که دانش آموزان با محتوای درس آشنا شدند برای ارزشیابی و همچنین تثبیت یادگیری می توان به ترتیب زیر عمل کرد:
- موضوع واحدی را در نظر می گیریم. مانند: دریا
- سه کاربرد زیر را در اختیار هر یک از گروه ها قرار می دهیم:

کاربرگ شماره یک :

گسترش موضوع به روش بارش فکری

مرحله الف

برای گسترش موضوع دریا را با بهره گیری از شیوه بارش فکری ابتدا نمودار زیر را کامل کنید.



ادامه کاربرد شماره یک

مرحله ب :

از میان مفاهیم بالا یکی از مفاهیم را انتخاب می کنیم و بر اساس آن پرسش هایی را مطرح می کنیم :

✓ آیا دریا برای همه آرامش بخش است؟

✓ آیا کشتی ها می توانند فرهنگ ها را از راه دریاها از کشوری به کشور دیگر انتقال دهند؟

✓ ؟

✓ ؟

✓ ؟

کاربرگ شماره دو:

گسترش موضوع به روش اگرنویسی

موضوع دریا را با بهره گیری از تکنیک اگرنویسی گسترش دهید.

- ✓ اگر یک طرف نیمکره زمین آب و طرف دیگر خشکی بود
- ✓ اگر دریا ها رنگ قرمز داشتند
- ✓ اگر آب دریا ها شیرین بود
- ✓ اگر می توانستیم روی دریا راه برویم
- ✓
- ✓
- ✓
- ✓
- ✓

کاربرگ شماره سه:

گسترش موضوع با بهره گیری از گزین گفته ها

موضوع "دریا" را با بهره گیری از "گزین گفته ها" گسترش دهید.

✓ "قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود" در چه مرحله‌ای از زندگی بیشتر کاربرد دارد؟

✓ منظور شاعر از " موج دریا به گردن خشکی سینه ریز صدف می آویزد" چیست؟

✓ چرا نگاه کردن به دریا ثواب دارد ؟

✓

✓

✓

✓

✓

✓

✓

جستاری در متن



اگر نویسی

جملات شرطی معمولاً دو قسمت دارند :

- عبارتی که حاوی شرط است.
 - عبارت اصلی.
- عبارات شرطی ممکن است به زمان گذشته، حال و یا آینده اشاره داشته باشند.

اگر نویسی

اگر نویسی	
- زمان گذشته : اگر من یک مدیر بودم ... - زمان حال : اگر من یک پلیس باشم ... - زمان آینده : اگر من روزی یک رئیس جمهور شوم ...	شرایط واقعی
- زمان گذشته : اگر من ققنوسی نشسته بر کوه قاف بودم ... - زمان حال : اگر من یک رایانه باشم ... - زمان آینده : اگر من یک ربات داستان نویس شوم ...	شرایط غیر واقعی (تخیلی)

موضوعات

موضوعات		
✓ اگر من رئیس جمهور بودم ...	اگر نویسی با محوریت قرار گرفتن در مشاغل مختلف	
✓ اگر من یک شهردار بودم ...		
✓ اگر من یک منجم بودم ...		
✓ اگر من یک شاعر بودم ...		

✓ اگر من یک بازرگان بودم ...
✓ اگر من یک رفتگر بودم ...
✓ اگر من راننده یک ماشین حمل جنازه بودم...

موضوعات

✓ اگر من قالی پازیریک بودم...	اگر نویسی با محوریت قرار گرفتن به جای پدیده ها و اشیا	۲۰
✓ اگر من یک قاب عکس قدیمی بودم ...		
✓ اگر من یک قمقمه قلزی بودم ...		
✓ اگر من یک زیردریایی بودم ...		
✓ اگر من پوتین یک سرباز بودم...		
✓ اگر من یک بد افزار بودم ...		
✓ اگر من به جای ضریح امام حسین (ع) بودم...		

موضوعات

✓ اگر من به جای سرو چهار هزار ساله ایران بودم...	اگر نویسی با محوریت قرار گرفتن به جای یک مکان خاص	۲۱
✓ اگر من مثلث برمودا بودم...		
✓ اگر من دیوار چین بودم...		
✓ اگر من برج ایفل بودم...		
✓ اگر من اقیانوس آرام بودم...		
✓ اگر من اهرام ثلاثه بودم...		

✓ اگر من باب المندب بودم...		
✓ اگر من کوه آتشفشان هاوایی بودم ...		
✓ اگر من موزه لوور بودم...		

موضوعات		
✓ اگر من دیو سفید شاهنامه بودم ...	اگر نویسی با محوریت قرار گرفتن به جای جانوران و موجودات دیگر	
✓ اگر من یک کروکودیل بودم ...		
✓ اگر من یک نهنگ بودم ...		
✓ اگر من ذوالجناح بودم...		
✓ اگر من به جای هدهد در زمان سلیمان(ع) بودم...		

موضوعات		
✓ اگر متولد دهه (شصت، پنجاه و ...) بودم...		
✓ اگر من معلم و مدیر یک کلاس چند پایه بودم...		
✓ اگر من پدر/ مادر یک هفت قلو بودم...		
✓ اگر در یک صحرا همراهان خود را گم می کردم و تنها با یک کوله پشتی تنها می ماندم ...		
✓ اگر نفر اول کنکور می شدم ...		
✓ اگر قهرمان المپیک بودم ...		

✓ اگر من به جای بُراق اسب پیامبر بودم ، در شب معراج ...

موضوعات		
۰۶	اگر نویسی با محوریت داشتن توانمندی های مختلف	اگر من می توانستم زمان را متوقف کنم...
		اگر می توانستم از آینده خبردار باشم...
		اگر می توانستم به گذشته بروم...
		اگر من انگشتر سلیمان (ع) را داشتم ...
		اگر من عصای موسی(ع) را داشتم ...

موضوعات		
۰۷	اگر نویسی با محوریت قرار گرفتن به جای اشخاص دیگر	اگر من امیر کبیر بودم...
		اگر من نبوتن بودم ...
		اگر من استیو جابز بودم...
		اگر من یوری گاگارین بودم...
		اگر من نویسنده پرفروش ترین کتاب سال بودم...

گاهی می توان این موضوعات را ادغام نمود و یا شرایطی را به این موضوعات اضافه کرد .

نمونه ای برای اگر نویسی:

اگر یک کوه بودید...

راستش من هیچ وقت دوست نداشته ام که یک کوه باشم.

من کوهستان را دوست دارم ولی دوست ندارم مثل کوه یک جا نشین و منجمد باشم .

من دوست دارم رود باشم، جاری و پر هیاهو ، قصه ها را از زبان قله کوه بشنوم و آن ها را برای شقایق های دامنه کوه و گلپوته های دشت تعریف کنم، پاهای گلی کودکان آبادی را قلقلک بدهم ، به زمین های کشاورزی سلام کنم و گاهی میان شالیزارهای خوش بو چرخ بزنم.

کوه ها همیشه سنگین و رنگین یک جا می نشینند اما من بازیگوش و پر سرو صدا هستم .مادربزرگم می گوید : آدم باید جاسنگین باشد.فکر کنم کوه ها خیلی جاسنگین هستند، آنها یک گوشه را برای خودشان انتخاب می کنند و تا ابد همان جا میخکوب می شوند و جم نمی خورند.

پدربزرگ می گوید: کوه ها خیلی باید مراقب خودشان باشند چون در قلبشان چیزهای با ارزشی دارند.

معلممان می گوید: " ارزش آدم ها به راز هایی است که در دل خود دارند . " خوب که فکر می کنم می بینم کوه ها خیلی ارزشمندند چون رازهای زیادی در دل خود دارند.

راستی می دانی چرا من دوست ندارم کوه باشم ؛ چون کوه ها با آنکه ظاهر آرام و صبوری دارند ، گاهی سرما می خورند و با یک عطسه مثل آوار فرو می ریزند ، گاهی چنان عصبانی می شوند که هر چه دردلشان است یک دفعه بیرون می ریزند .در آن لحظات همه از کوه فرار میکنند.

من دوست ندارم که یک کوه باشم!

م.سجودی



کارگاه نوشتن فعالیت نگارشی اول:

سوال اول :

بارش فکری	اگر نویسی	گزین گفته ها
پشه چه نوع جانوری است؟	اگر پشه وز وز نمیکرد، چه می شد؟	چگونه پشه ای ناتوان، نمرود را با آن همه ادعا از پای درآورد؟
چند نوع پشه داریم؟	اگر يك پشه را قورت بدهیم، چه اتفاقي می افتد؟	چه نسبتی بین عقاب و پشه وجود دارد؛ آنجا که شاعر گفته است: جایی که عقاب، پَر بریزد از پشه لاغری چه خیزد؟
پشه ها شب ها کجا می خوابند؟	اگر در دنیا اصلاً پشه‌های نبود، در دنیا چه اتفاقي می افتاد ؟	
چرا پشه روی بدن ما می نشیند؟		
پشه های معروف کدام اند؟		
آیا مگس هم یک نوع پشه است؟		
آیا پشه ای می‌شناسیم که اصلاً دیده نمی شود؟		
خداوند با خلق پشه، میخواهد چه پیامی به ما بدهد؟		

آگاهی های فرامتنی



هنجار نوشتار:

بیشترین درسی که امروزه از نثر سعدی می‌توان گرفت، ایجاز اوست؛ یعنی کوتاه نویسی و در عین حال پربار نویسی. سعدی به ما یاد می‌دهد که هرآنچه که می‌خواهیم بنویسیم با کوتاه‌ترین جملات باشد. سعدی گاهی داستانی را در یک سطر بیان می‌کند.

بهاء الدین خرمشاهی

هنجار نوشتار این درس به اهمیت به کار گیری جملات کوتاه در نوشته اشاره دارد. از نویسندگانی که به این مسئله توجه خاص داشته اند می‌توان به بیهقی و سعدی و از معاصرین می‌توان به آل احمد و مرادی کرمانی و ... اشاره کرد.

• اگر بگوییم سبک نویسندگی و داستان نویسی جلال آل احمد در حقیقت شناسانده اوست سخن گزافی نگفته ایم. ویژگی روحی و شخصیتی آل احمد همراه طرز فکرش به گونه ای است که باید با چنین سبکی بنویسد و در واقع همین سبک را می‌طلبد. در اکثر داستانها و نوشته های جلال می‌توان مشخصه ایجاز وار سخن گفتنش را مشاهده نمود. ویژگی ایجاز گونگی نوشته هایش که همراه با کوتاه بودن جملات و مقطع بودن آنهاست، یک وجه هنری و ادبی او است.

به گفته دکتر شفیعی کدکنی این ویژگی ریشه در نثر ناصرخسرو دارد. سبک نویسندگی اش به گونه ای است که گویی او یک نفر را پیش روی خود حاضر می بیند یا اینکه مخاطبی را یافته که به او نگاه می کند و با او حرف می زند.

اصلی ترین رازگیرایی و نفوذ فوق العاده سبک و نثر کلام آل احمد در داستانهایش در این است که او موجز وار سخن می گوید و همین عمده ترین ویژگی کلام او نیز می باشد.

اگر کلمه معروف «تلگرافی» را برای سخن او بیان کرده اند به این جهت است که در تلگراف همه پیام به طور کامل نوشته نمی شود بلکه بخش اعظم کار بر عهده خواننده و مخاطب است که از روی علائم و نشانه های مختصر و رمزگونه تلگراف، معنا و مفهوم را به طور کامل درک کند و به کمک این علائم پیام را دریابد و بفهمد. و همین ویژگی نویسندگی آل احمد است که خواننده را وادار به فکر کردن می کند و بدین وسیله حس کنجکاوی او را تحریک می کند و جاذبه خاصی به نوشته او می دهد، زیرا درک و فهم اعظم کلام و سخن به فهم و درک مخاطب مربوط می شود و از همین روی قسمت عمده فهم کلام را او به عهده می گیرد.

قلم نویسندگی آل احمد در نوشته هایش به گونه ای است که مرتب در ذهن خواننده سوال ایجاد می کند و او را به تعجب و عکس العمل عاطفی وادار می کند و به همین دلیل است که می بینیم خواننده هنگام خواندن آثار آل احمد بیکار نیست و خودش را هم وارد معرکه می بیند و در بیشتر مواقع نیز خود خواننده است که گویی سوال می کند یا تعجب خود را بروز می دهد یا به سوالها پاسخ می دهد و یا توصیف می کند و یا بطور کلی اصلاً خود اوست که دارد می نویسد، راز پرجاذبه بودن کلام آل احمد نیز همین است.

- استفاده از جملات کوتاه و به کارگیری فعل های زیاد، راز ترجمه پذیری آثار هوشنگ مرادی کرمانی است. هوشنگ مرادی کرمانی در نمایشگاه کتاب سال ۱۳۹۵ از راز و رمز ترجمه شدن متعدد آثارش به زبان های مختلف سخن گفت.
- هوشنگ مرادی کرمانی نیز در این نشست در سخنانی اظهار داشت: می دانم که ترجمه به ویژه برگرداندن متن از فارسی به سایر زبان ها کار دشواری است اما این هم مایه تاسف است که سالهاست وقتی در کشوری خارجی می رویم تنها هدایت را از ادبیات ایران می شناسند. من در دانشکده های ادبیات فارسی در هند، ترکیه و روسیه دیدم که از ملک الشعرای بهار جلوتر، کسی را نمی شناسند. این آیا حق ادبیات ماست؟ ترجمه در ایران همیشه جاده یک

طرفه‌ای بوده است که با قطار و تریلی کتاب به ایران وارد می‌کرده است. دیگر وقتش است حتی با دوچرخه هم که شده ما هم این جاده را دوطرفه کنیم. درست است که بخش زیادی از مکتوبات ما مصرف داخلی دارد اما ادبیات فارسی وقتی از ملت‌ها و باورها و سنن ما سخن بگویند می‌تواند در تمام دنیا مخاطب به دست آورد. مرادی کرمانی در پاسخ به این سوال که راز ترجمه شدن آثارش چیست، گفت: زبان آثار من زبان مردم کوچه و بازار است. من طولانی نویسنده نیستم و جملاتم کوتاه است و فعل زیاد دارد. فکر می‌کنم که این نوع از نوشتن باعث شده مترجمان بتوانند راحت‌تر جملاتم را در بیاورند و ترجمه کنند. از سوی دیگر من اهل توصیف نیستم و تنها در نوشته‌هایم نشان می‌دهم. این موضوع و تصویر ایجاد شده با آن است که مخاطب ترجمه کارهایم را زیاد کرده است.

- کوتاه نویسی و ایجاز را همراه با اطناب می‌توان در تاریخ بیهقی به خوبی مشاهده نمود. ایجاز به بیهقی این امکان را می‌دهد که سخنش را با مقتضای حال كوك کند. از این جهت به آن نقاش بزرگی مانده است که با خطوطی اندک چهره‌ای را ترسیم می‌کند. رابطه‌ای که بیهقی با ایجاز برقرار می‌کند رنگارنگ است؛ به این دلیل ایجاز در بیهقی يك چهره ندارد. یکی از مهمترین نموده‌های ایجاز در تاریخ بیهقی، تلخیص و گزینش روایت است. بی‌گمان حوادث تاریخ مسعودی محدود به همین اندازه که بیهقی ترسیم کرده است نبود. بلکه بیهقی تنها به مشت‌های خروار بسنده کرده است. (بهار، سبک‌شناسی)

از ویژگی‌های نثر سعدی "ایجاز" بوده است، بکوشیم سعدی وار بنویسیم.

در حکایت نگاری به باز نویسی حکایت به زبانی ساده می پردازیم . یکی از روش های باز نویسی حکایت بهره گیری از جدول تحلیل اجزا و عناصر حکایت است و گام های آن به شرح زیر است:

روش تدریس : بهره گیری از جدول اجزا و عناصر

گام نخست : درک عناصر حکایت

فراگیران ابتدا باید ، عناصر و اجزای حکایت و همچنین مفهوم و پیام آن را به خوبی درک کنند .

گام دوم : تحلیل عناصر

پس از آن که عناصر و اجزای حکایت مشخص شد ، جدولی رسم می کنیم و در هریک از ستون های این جدول به تحلیل شخصیت زمان مکان و فضای حکایت می پردازیم.

گام سوم : کشف روابط میان اجزای متن و یافتن اجزای پنهان

برخی از عناصر به صورت آشکار در متن دیده می شوند و باید آنها را باید بر اساس منطق داستان از دل حکایت بیرون آورد .

گام چهارم : افزودن شاخ و برگ

در این مرحله اطلاعاتی را به فراخور فضای داستانی حکایت به جدول فوق اضافه می کنیم و به اصطلاح به آن شاخ و برگ می دهیم.

گام پنجم : بازنویسی

با توجه به اطلاعات موجود در جدول، بازنویسی را آغاز می کنیم.

برای روشن شدن این روش نمونه زیر ارائه می گردد:

حکایت درس اول :

سگی بر لب جوی، استخوانی یافت .چندان که در دهان گرفت، عکس آن در آب بدید.
پنداشت که دیگری است .به شَرَه (طمع) دهان باز کرد تا آن را نیز از روی آب برگیرد .آن چه در دهان بود، به باد داد.

شخصیت	سگ
-------	----

سگی سفید، اندامی کوچک ، کنجکاو ، پر انرژی ، با چشمانی درشت ...	گسترش شخصیت (شخصیت حکایت را در ذهن خود تجسم می کنیم و ویژگی های آن را می نویسیم)
--	---

لب جوی	فضا
تجسم خود از فضا را نیز ثبت می کنیم : برکه ای آرام ، آواز پرندگان، جیرجیرک ها، حرکت جهشی قورباغه ها و ماهی ها در آب...	گسترش فضا

چیزی در این باب در حکایت ذکر نشده پس با خیالی آسوده تصور خود را از زمان وقوع حکایت می نویسیم.	زمان
یک نیم روز بهاری که آفتاب درخشان سایه خود را روی سر شاخه های درختان پهن کرده بود...	تشریح زمان وقوع حکایت

طمع بی جا موجب از دست دادن داشته ها و موقعیت های ارزشمند می گردد.	پیام
طمع ورزی ، خیال بافی و بی فکری ممکن است موجب از دست دادن موقعیت های انسان شود.	گسترش پیام

حالا با بهره گیری از این عناصر به حکایت نگاری می پردازیم .

"یابوک"

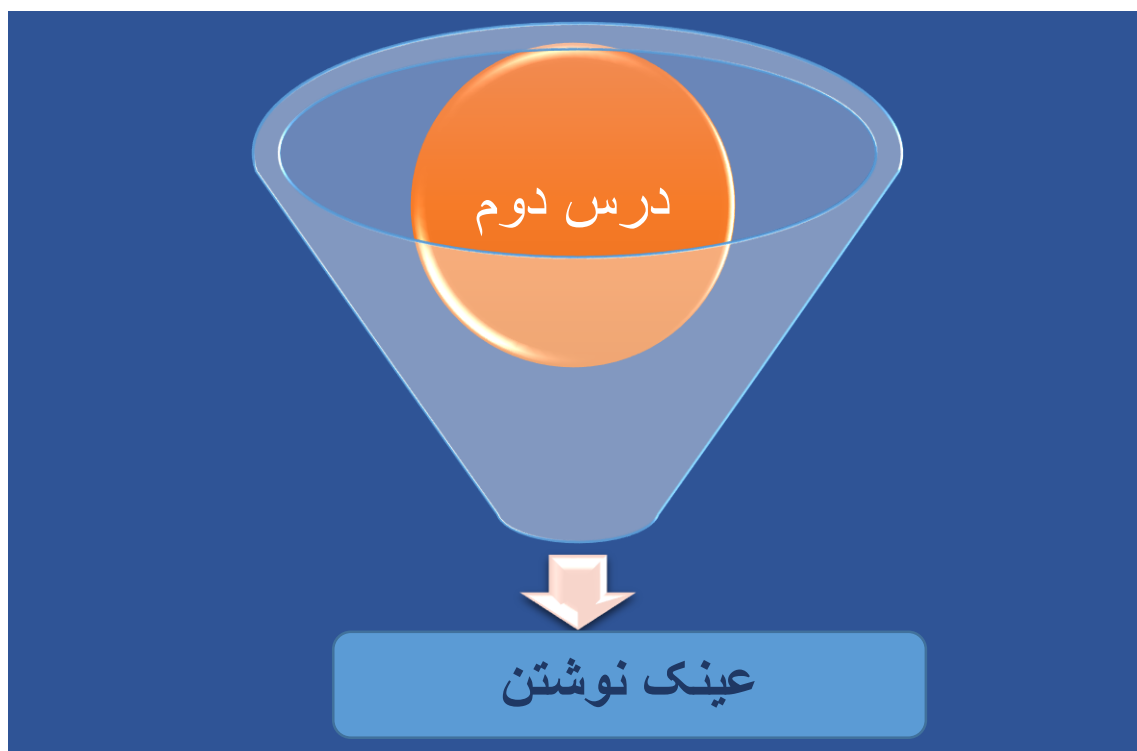
یابوک تکه استخوانی خاک آلوده را از زیر بوته های کنار جوی پیدا کرد . استخوان از دهانش بزرگ تر بود . به سرعت به سمت تپه های بیرون آبادی دوید . از بالای تپه شتابان فرود آمد . روی زمین خاکی چند بار غلت خورد . استخوان از دهانش به کناری افتاد . چشم های بی قرار سگ های بیکار و تنبل که در سینه کش آفتاب لم داده بودند از دیدن استخوان برق زد ، اما تا دست و پایشان را جمع کردند یابوک استخوان به دهان از تپه بعدی سرازیر شده بود .

یابوک کنار برکه رسید . نفس نفس میزد اطرافش را خوب پایید . حسابی تشنه بود . استخوان را با احتیاط روی زمین گذاشت . از صدای جیغ پرنده ای ترسید و از جا پرید .

استخوان به دهان اطراف برکه را نگاه کرد . همیشه دستپاچی کار دستش می داد حالا که تشنگی و گرسنگی هم به آن اضافه شده بود . حیران و سرگردان دور برکه می چرخید و تصویرش داخل برکه جابه جا می شد . جهش قورباغه ای خط نگاهش را به داخل برکه کشاند و استخوانی دیگر را در برکه دید از شادی دهانش بازو چشمانش بسته شد .

چند دقیقه بعد خیس و گرسنه و تشنه کنار برکه به قورباغه ای زل زده بود که گویی دهانی گشاد بود و با گذشت زمان دست و پا در آورده بود . قورباغه با تمام وجودش به او لبخند میزد...

(م . سجودی)



ذهن نویسنده مثل مطب پزشک هاست
و موضوع هایی که به ذهن او می رسد همچون مراجعه کنندگان
باید به انتظار نوبتشان بنشینند تا پزشک یکی یکی به آن ها برسد . نویسندگان نمی توانند
همچون دکتر به همه مراجعه کنندگان برسند و ناگزیرند یکی یکی به سراغشان بروند . افرادی هم
وجود دارند که موضوعات زیادی در سر دارند اما نمی دانند اول باید سراغ کدامشان بروند .
این طور وقت ها ، باید موضوعی را انتخاب کرد که شناخت
و تجربه بیشتری درباره آن داریم .

عنوان : عینک نوشتن

محتوا: نوع نگاه و دریچه دید نویسنده نسبت به موضوع

مثل نویسی

گسترش مثل :
در این بخش پنج
نمونه مثل قرار دارد
که به دلخواه یکی از
مثل ها انتخاب و
گسترش می یابد.

هنجار نوشتار

کاربرد درست
واژگان بر اساس
ارزش های معنایی و
توجه به بافت جمله و
ظرایف معنایی

کارگاه نوشتن

1. تعیین فضای حاکم
بر چهار نوشته مختلف
(از نظر عینی یا ذهنی
بودن)

2. انتخاب موضوع آزاد
و نگارش متنی با توجه
به فضای عینی و ذهنی

تحلیل و ارزشیابی متن بر اساس
سنجه ها: تولید متن عینی با بهره
گیری از حواس و ذهنی با بهره
گیری از خلاقیت ذهن

متن و تصویر

متن این درس به
بررسی نوع نگاه
نویسنده به موضوع
می پردازد که این نگاه
متناسب با تجربه ،
آموزش ، تربیت و
یادگیری افراد
متفاوت است.

- آشنایی با نوع نگاه نویسنده .
- توانایی تشخیص نوشته های خیال انگیز و نوشته های عینی.
- تقویت توانایی تولید نوشته های خیال انگیز و عینی.
- تقویت نگاه مثبت نسبت به کاربرد ارزش معنایی واژگان.
- آشنایی با نوع نگاه نویسندگان به موضوعات .
- افزایش توانمندی فراگیران در تولید نوشته هایی مبتنی بر محسوسات.
- تقویت و دست ورزی فراگیران در گسترش مثل.

روش های تدریس

برای آموزش درس "عینک نوشتن" یک موضوع خاص را از منظرهای گوناگون و یا به عبارت دیگر با عینک های مختلف مورد بررسی قرار می دهیم. به منظور جلب توجه دانش آموزان به نگاه همه جانبه و کامل به یک موضوع می توان از روش ها مختلفی بهره برد. یکی از این روش ها به شرح زیر است:

گام اول : پیشنهاد موضوع

برای شروع با اجرای بارش فکری، موضوعاتی را با همفکری دانش آموزان انتخاب و روی تابلو می نویسیم .

مثلا : جاده ، برف، تاکسی، شهر، کوه، داستان، دوست، نوروز،

گام دوم : انتخاب موضوع

در مرحله بعد از بین عناوین مطرح شده یکی از عنوان ها را که قابلیت نوشتن و نگاه به آن از زوایای مختلف میسر است ، انتخاب می کنیم . به عنوان نمونه : کوه

گام سوم : انتخاب منظرهای گوناگون

در این مرحله پرسش زیر را مطرح میکنیم :

از چه منظرهایی می توان به موضوع انتخاب شده (کوه) نگاه کرد ؟

نظرات دانش آموزان را روی تابلو ثبت می کنیم . پاسخ ها ممکن است از این دست باشد:

نوشتن درباره کوه از منظر ادبی، فنی، مذهبی، علمی، فناوری، تخیلی، زیستی، فرهنگی، تاریخی و

گام چهارم : نوشتن به صورت فردی

دراین مرحله دانش آموزان در مدت زمانی مشخص بر اساس علاقمندی خود یکی از منظرها را انتخاب و با عینک مخصوص آن منظر، یک بند درباره موضوع مورد نظر می نویسند.

گام پنجم : نوشتن به صورت گروهی

در این مرحله دانش آموزانی که از منظری مشابه به موضوع نگاه کرده اند در یک گروه قرار می گیرند و نوشته های خود را در گروه می خوانند. سپس با انتخاب بخش هایی از نوشته های هر یک از اعضای گروه، متنی به صورت گروهی نوشته و در کلاس ارائه می گردد.

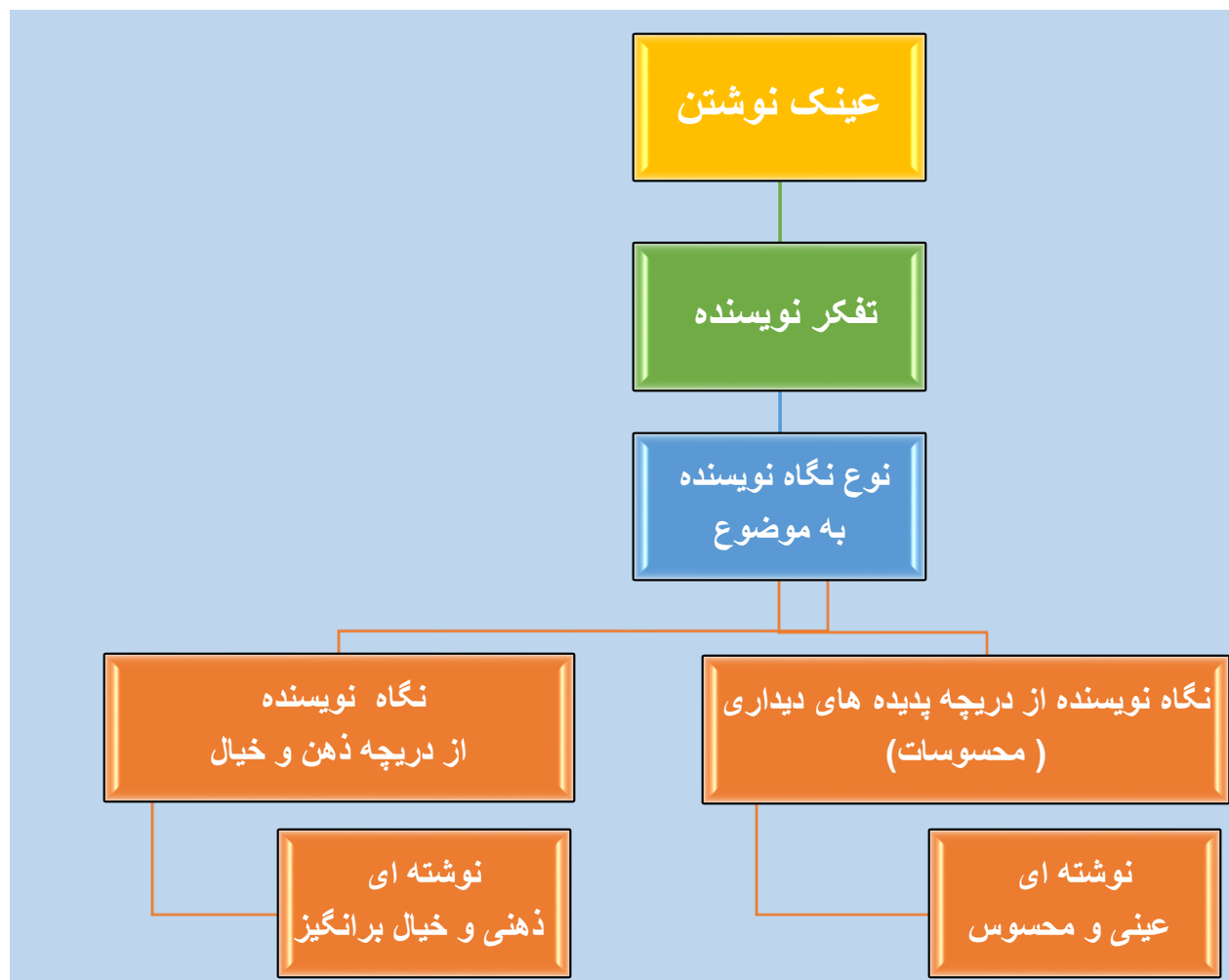
از مزایای این روش می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ✓ شناخت علاقمندی و نوع نگاه هر یک از دانش آموزان به موضوع مورد نظر.
- ✓ مقایسه عینی نگاه تک بعدی و نگاه همه جانبه به یک موضوع.
- ✓ آموزش و تقویت تبدیل نوشته های فردی به نوشته های گروهی.

جستاری در متن

اصلی ترین علت تفاوت نوشته ها در چیست ؟

اصلی ترین علت تفاوت نوشته ها در نوع نگاه نویسنده به موضوع است و آن چه که نگاه نویسنده را می سازد تجربه ، آموزش، تربیت و یادگیری است. در نمایه زیر می توان تاثیر نوع نگاه نویسنده بر نوشته را ملاحظه نمود.



توجه : مرزبندی دقیقی نمی توان بین فضای عینی و حسی انجام داد و نمی توان سنجه مند عمل کرد. درک این مسئله حسی است در برخی زمینه ها این کار آسان و در برخی زمینه ها دشوار است. در آموزش عمومی ناگزیریم این تقسیم بندی ها را بپذیریم تا نظام ذهنی دانش آموزان هم ساختاری علمی و طبقه بندی شده بیابد.

- نوشته اول : هر فاصله خودش حکم يك دیوار را دارد. فاصله جزء همان دیوارهایی است که بیشتر مانع است تا محافظ ...

فضای حاکم بر نوشته بیشتر ذهنی است.

- نوشته دوم : کلاغي قار زد و از روي درخت کاج خانه همسايه پرکشيد و نشست روي تاجي ماشين. مرد جوان، توي چشم هاي کلاغ که درشت و مژه دار بود، چيزي ديد...

فضای حاکم بر نوشته بیشتر عینی است.

- نوشته سوم : مراد بلند شد و از نردبام آمد پایین. افسار گاو را گرفت و از در خانه بیرون رفت. از کنار نخل گذشت. زیر چشمي، نگاهی به آن انداخت.

فضای حاکم بر نوشته بیشتر عینی است.

- نوشته چهارم : آه چه شب ها !اي پنجره گرد اتاقلک من، اي دريچه بسته، چه شب ها که از تختخوابم به سویت نگرستم؛ در حالي که با خود مي گفتم : اينک هنگامي که ...

فضای حاکم بر نوشته بیشتر ذهنی است.



در باز آفرینی، نویسنده از موضوع اصلی حکایت ها و روایت های کهن الهام می گیرد و موضوعی جدید با هویتی مستقل می آفریند. عمده ترین کار در روش باز آفرینی، تغییر دادن موضوع و محتوای اثر و درهم ریختن چارچوب آن و ایجاد چارچوبی تازه است. به گونه ای که در چهره های قهرمانان افسانه ای و حکایت های تاریخی و نظیر آن، تغییراتی صورت می گیرد که با خواندن اثر مقصد، اثر مبدا در ذهن خواننده تداعی می شود.

باز آفرین مجاز است از موضوع کهن الهام بگیرد و هرگونه تغییری در موضوع، شخصیت ها.... ایجاد کند. می تواند شخصیت ها را تغییر دهد از مثبت به منفی و به عکس برگرداند. هرگونه اندیشه فلسفی اجتماعی و هر نوع دیدگاهی را به موضوع مورد نظر خود وارد کند اما، با همه تغییرات و دگرگونی هایی که در اثر پیشین ایجاد می کند یک نوع رگه و نشانه هایی از اثر گذشته در اثر جدید قابل درک و مشاهده باشد به گونه ای که با آن نشانه یاد و خاطره اثر مبدا در ذهن مخاطب زنده شود. و این تنها موردی است که یک اثر باز آفرین شده را از یک اثر تالیفی خلافتان و آفرینش مستقیم و بی واسطه جدا می سازد. در باز آفرینی باید اصول کلی نگارش زبان و ادب فارسی و اصول مهم ساده نویسی برای نوجوانان و سایر تکنیک های نویسنده را رعایت شود.

باز آفرینی یکی از تأثیرات مهم و اساسی باز نویسی جلوگیری از انقطاع فرهنگی نسل هاست که می تواند پل رابطی باشد بین فرهنگ کهن و فرهنگ امروز یک ملت.

اهداف کلی باز آفرینی :

- ایجاد رابطه نوجوانان با ادبیات و فرهنگ کشور خود، به گونه ای که بتواند بین فرهنگ دیرین خود و فرهنگ امروزی پیوند برقرار نماید.
- تلطیف ذوق ادبی نوجوانان و افزایش درک کلی آنها از جنبه های فرهنگی دینی، اخلاقی، تاریخی و علوم و فنون از گذشته تاکنون .
- برانگیختن اشتیاق دانش آموزان به مطالعه با استفاده از متون جذاب.
- تقویت توان نوشتاری مخاطبان به گونه ای که بتوانند آثار و متون کهن فارسی را به زبان فارسی امروزی باز نویسند.
- آشنا کردن دانش آموزان با تجارب مختلف زندگی برای رویارویی با مسائل آتی .
- استفاده از جنبه های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی متون کهن در راستای اهداف ادبیات نوجوان.

"حکایت آب دزدی"

در روزگاران قدیم در قریه ای دور افتاده، کدخدایی از خود راضی زندگی می کرد. روزی کدخدا تصمیم گرفت به شهر برود. قبل از سفر مباشر را امر فرمود که به جد به امورات ما رسیدگی نمای. مباشر مردی جدی و از آن مباشرهای به درد بخور بود. از همان هایی که سر را به جای کلاه برای کدخدا می آورد!

مباشر در حال قیلوله نیم روزی بود. ناگهان چاکران از راه برسیدند که چه نشسته ای که غضنفر امروز پای از گلیم خود فراتر نهاده آب از کشتزار کدخدا بریده و بر جالیز خود روانه ساخته است. مباشر سختکوش و امانتدار! بر آشفت و سبیل مبارک را تاب داده، بیل بر دوش همراه مردانی چند، آنان نیز بیل بر دوش (ایضا) ، به سوی جالیز روانه گشت. وقتی به جالیز رسید، غضنفر را دید دراز به دراز افتاده، کلاهی نمدین بر چهره نهاده، سرخوش و بی خیال آب را در جالیز خود رها نموده است.

مباشر از بی خیالی وی به خشم آمد و خون مبارکش به جوش آمد. با چوبدستی اش، کلاه غضنفر را به سویی انداخت و با اشارتی، چاکران بیل به دست را به سوی غضنفر فرستاد. آنان نیز حق مطلب را به نیکویی به جای آورده و به شایستگی گرد و غبار از تن نحیف وی بروفتند.

در این میان، ترجیع بند " تا تو باشی دیگر آب دزدی نکنی" یک لحظه از دهان گرانقدر مباشر قطع نمی شد.

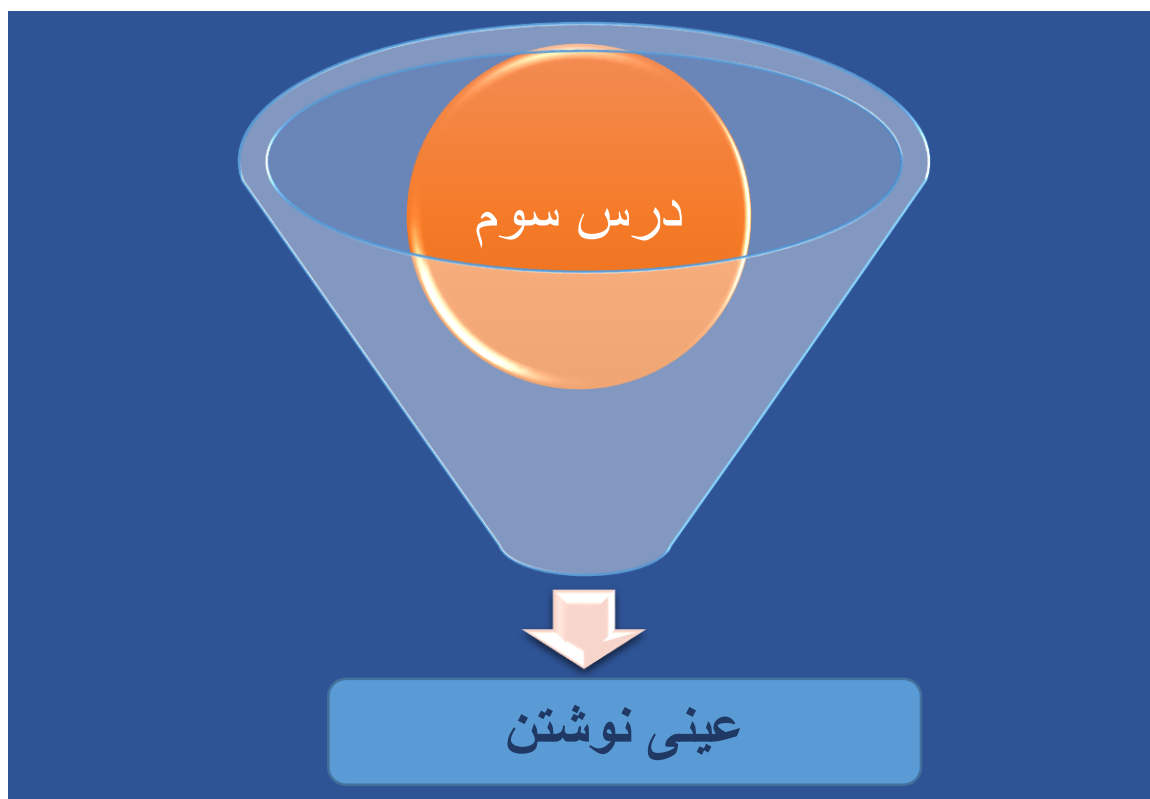
غضنفر گنگ و بی رمق به گوشه ای خزید. همین که هوشیاری اش را بازیافت، به یاد آورد چندی پیش، کدخدا از کنار جالیزار رد می شد، با صدای نازیبایش متصل، حرف های صد تا یک غاز می زد در آخر هم گفت : به سبب سفری که در پیش دارم نوبت آبیاری زمینم را با تو جا به جا می کنم. غضنفر که با کدخدا رودربایستی داشت تا آمد چیزی بگوید کدخدا راهش را کشید و رفت و کلمات انگار در دهان غضنفر ماسید.

اکنون کدخدا به سفر رفته بود و مباشر تهی مغزش، نابهنگام همچون عذابی بر سر وی نازل گشته بود. در این لحظه غضنفر به یاد این جمله معروف افتاد که :

دو چیز طیره عقلست دم فرو بستن

به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی"

(م. سجودی)



نوشتن مثل مجسمه سازی است
با گذشت زمان آن را می توانشی و بالاخره چیزی
از آن در می آوری. لحظه های نوشتن، لحظه های با ارزشی است.

عنوان : نوشته های عینی

محتوا: این درس به چگونگی نگارش نوشته های عینی (دیداری یا حسی) با بهره گیری حواس پنج گانه می پردازد.

شعرگردانی

درک و دریافت
دانش آموزان از
شعر؛
بازگردانی و
بازپروری آن.

هنجار نوشتار

- انتخاب پرسش
های مرتبط با متن
- گزینش واژه
صحیح و کاربرد
درست آن در جمله

کارگاه نوشتن

گزینش و سازماندهی
پرسش ها

2. انتخاب موضوع و
طراحی پرسش و پاسخ

3. طرح پرسش
سازماندهی پرسش ها
و نشان دادن نقشه
نوشتن

متن و تصویر

در این درس آموزش
مراحل نوشته های عینی
به شرح زیر آمده است:
1. پرسش سازی
2. شناسایی و جدا
کردن پرسش های عینی
3. گزینش و سازماندهی
پرسش ها

اهداف درس :

- تقویت توانایی به کار گیری حواس پنج گانه در نوشتن متن های عینی.
- آشنایی بیشتر در بهره گیری از حواس پنج گانه در نوشتن متن های عینی.
- آشنایی با مفهوم نوشته های محسوس، دیداری و واقعی.
- تقویت توانایی بهره گیری از پرسش و پاسخ های عینی در نوشتن موضوعات عینی.
- تقویت توانایی سامان دهی پرسش های عینی و ذهنی.
- ایجاد نگرش مثبت به طرح پرسش کلی و جزئی در سامان دهی پرسش ها به منظور تولید یک نوشته عینی.
- ایجاد علاقمندی و نگرش مثبت نسبت به بهره گیری از منابع اطلاعاتی در پاسخگویی به پرسش ها.

روش تدریس

✓ روش پرسش و پاسخ

✓ روش پرسش سازی و پاسخ سازی

پرسش و پاسخ روشی است که معلم به وسیله آن، فراگیران را به تفکر درباره مفهومی جدید یا بیان مطلبی تشویق می‌کند. در این روش، فراگیران تلاش می‌کنند با کوشش‌های ذهنی، از معلوم به مجهول حرکت کنند. این روش را روش سقراطی نیز گفته‌اند. سقراط معتقد بود که دانش در طبیعت افراد وجود دارد، کافی است که معلم زمینه را مساعد کند و به شاگردان کمک نماید تا آنان خود به دانش مورد نظر برسند. او از این جهت کار خود را به مامایی تشبیه می‌کرد. سقراط در جلسات بحث با شاگردانش، ابتدا به انتقال اطلاعات یا پاسخ به سؤال یا مسأله‌ای نمی‌پرداخت، بلکه از راه پرسش‌های متوالی، افراد را به تفکر وامی‌داشت و آنان را قدم به قدم هدایت می‌کرد تا خود جواب درست را کشف کنند.

در روش پرسش و پاسخ نیز معلم هنگام جلب توجه فراگیران به مطلب یا درس جدید و تدریس آن، مستقیماً به بیان مطلب نمی‌پردازد، بلکه با طرح سؤال‌هایی برنامه ریزی شده فراگیران را به کشف مفاهیم جدید سوق می‌دهد. این روش برای پرورش قدرت تفکر و استدلال آنان، روش بسیار مؤثری است.

در کلاس‌های پرجمعیت، معلم باید ترتیبی اتخاذ کند که همه شاگردان در جریان فعالیت‌های آموزشی قرار گیرند و فعالانه به اندیشه و پرسش و پاسخ بپردازند.

هدف از این روش تشخیص و تحریک تفکر، توانایی‌ها و علایق، تقویت قدرت استدلال، سنجش و قضاوت، استفاده از تجارب و دانسته‌های گذشته و ایجاد اعتماد به نفس در شاگرد است.

از محاسن این روش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

✓ موجب تقویت اعتماد به نفس در شاگردان می‌شود.

- ✓ منجر به ایجاد علاقه و تقویت تفکر خلاق در فراگیران می‌شود.
- ✓ استدلال و قدرت اظهارنظر آنان را تقویت می‌کند.
- ✓ فراگیران را به شرکت در بحث و فعالیت‌های آموزشی و در نتیجه یادگیری مؤثر تشویق می‌کند.
- ✓ انگیزه فعالیت، مطالعه و تحقیق را در شاگردان افزایش می‌دهد.

در روش پرسش و پاسخ که شرح داده شد پرسش‌ها توسط معلم طرح می‌گردد و وظیفه دانش‌آموزان صرفاً پاسخگویی به پرسش‌ها است .

یکی از ویژگی‌های کتاب نگارش دهم (و مهارت‌های نوشتاری متوسطه اول) این است که روش‌های تدریس به گونه‌ای مستتر در متن درس آمده و اغلب درس‌ها روشمندند. در این درس نیز برای نوشتن متن‌های عینی روشی در متن درس گنجانده شده است. مراحل این شیوه به شرح زیر است :

مرحله اول : پرسش‌سازی

روش‌های گوناگونی برای پرسش‌سازی وجود دارد . یکی از این روش‌ها به شرح زیر است :

در مرحله اول می‌توان برای پرسش‌سازی از قیدهای پرسشی بهره گرفت. سپس بر اساس برخی از آن‌ها پرسش‌سازی آغاز می‌گردد.

مرحله اول : پرسش‌سازی	
۱.	چه ؟
۲.	چرا؟
۳.	چگونه؟
۴.	آیا؟
۵.	کی؟
۶.	چه کسی؟
۷.	کجا؟
۸.	چه وقت؟
۹.	چيست؟

نمونه :

۱.	چرا مردم ایران خانه های خود را با ، قالی تزیین می کنند؟
۲.	نخ های قالی چگونه رنگ آمیزی می شوند؟
۳.	آیا قالی ها هم می توانند پرواز کنند؟
۴.	چرا قالی بافان از نقشه استفاده می کنند؟
۵.	قالی های نفیس بیشتر کجا یافت می شوند؟
۶.	آیا می توان تصاویر قالی شکارگاه را به صورت داستان نوشت؟
۷.	بزرگ ترین آرزوی قالی ها چیست ؟
۸.	قالی چیست ؟
۹.	چگونه می توان احساس بافنده قالی را دریافت کرد ؟
۱۰.	نقشه های متنوع قالی ایرانی نشانگر چیست ؟
۱۱.	قدیمی ترین قالی جهان کدام است؟
۱۲.	چرا بافندگان قالی اسم خود را بر روی قالی می نویسند؟
۱۳.	عبارت " هرکس قالی زندگی خود را خود می بافت " یعنی چه ؟
۱۴.	انسان ها قبل از پیدایش قالی از چه چیزی به عنوان زیرانداز استفاده می کردند؟
۱۵.	مهد قالی جهان کجا است؟
۱۶.	قالی بافی چه تاثیری بر اقتصاد خانواده ها دارد؟

مرحله دوم : شناسایی و جدا کردن پرسش های عینی

در این مرحله پرسش های عینی و ذهنی را جدا می کنیم . پرسش هایی که پاسخ دادن به آنها با بهره گیری از حواس ظاهری انجام می شود عینی و پرسش هایی که با بهره گیری از ذهن و خیال پاسخ داده می شوند ، در حوزه ذهنی قرار می گیرند.

نمونه :	
۱.	چرا مردم ایران خانه های خود را با ، قالی تزیین می کنند؟
۲.	نخ های قالی چگونه رنگ آمیزی می شوند؟
۳.	آیا قالی ها هم می توانند پرواز کنند؟
۴.	چرا قالی بافان از نقشه استفاده می کنند؟
۵.	قالی های نفیس بیشتر کجا یافت می شوند؟
۶.	آیا می توان تصاویر قالی شکارگاه را به صورت داستان نوشت؟
۷.	بزرگ ترین آرزوی قالی ها چیست ؟
۸.	قالی چیست ؟
۹.	چگونه می توان احساس بافنده قالی را دریافت کرد ؟
۱۰.	نقشه های متنوع قالی ایرانی نشانگر چیست ؟
۱۱.	قدیمی ترین قالی جهان کدام است؟
۱۲.	چرا بافندگان قالی اسم خود را بر روی قالی مینویسند؟

دھنی	۱۳. عبارت " هرکس قالی زندگی خود را خود می بافد " یعنی چه ؟
عینی	۱۴. انسان ها قبل از پیدایش قالی از چه چیزی به عنوان زیرانداز استفاده می کردند؟
عینی	۱۵. مهد قالی جهان کجا است؟
عینی	۱۶. قالی بافی چه تاثیری بر اقتصاد خانواده ها دارد؟

مرحله سوم :

الف (گزینش

پس از مشخص کردن پرسش های عینی به منظور جلوگیری از طولانی شدن متن از بین این پرسش ها چند پرسش را که از اهمیت و جذابیت بیش تری برخوردارند انتخاب می کنیم :

نمونه :	
عینی	۱. چرا قالی بافان از نقشه استفاده می کنند؟
عینی	۲. نخ های قالی چگونه رنگ آمیزی می شوند؟
عینی	۳. قالی های نفیس بیشتر کجا یافت می شوند؟
عینی	۴. قالی چیست ؟
عینی	۵. قدیمی ترین قالی جهان کدام است؟
عینی	۶. انسان ها قبل از پیدایش قالی از چه چیزی به عنوان زیرانداز استفاده می کردند؟
عینی	۷. مهد قالی جهان کجا است؟
عینی	۸. جنس قالی چیست؟

مرحله سوم :

ب) سازماندهی پرسش ها

در این مرحله پرسش ها را سازماندهی می کنیم و طبق یک نظم منطقی آن ها را مرتب می کنیم و به آن ها پاسخ می دهیم . حرکت از کل به جز و از چارچوب و طرح کلی به سمت خصوصیات ریز تر است.

نمونه :

عینی	۱. قالی چیست ؟
عینی	۲. چرا قالی بافان از نقشه استفاده می کنند؟
عینی	۳. نخ های قالی چگونه رنگ آمیزی می شوند؟
عینی	۴. قالی های نفیس بیشتر کجا یافت می شوند؟
عینی	۵. قدیمی ترین قالی جهان کدام است؟
عینی	۶. انسان ها قبل از پیدایش قالی از چه چیزی به عنوان زیرانداز استفاده می کردند؟
عینی	۷. مهد قالی جهان کجا است؟
عینی	۸. قالی بافی چه تاثیری بر اقتصاد خانواده ها دارد؟

و در مرحله نهایی بر اساس پاسخ پرسش ها ، متنی خلق می گردد .



در این درس شایسته است نمونه های متعددی از نوشته های عینی در کلاس درس خوانده شود.
 "برگ های نارنج انبوه کلاس را تاریک می کرد تازه تخته سیاه را با نمد پاره کثیفی پاک کرده بودند
 . ذرات گچ در فضای اتاق موج می زد و در ریه های ما می رفت . عنوز آقای معلم نیامده بود ... "
 (شلوارهای وصله دار، رسول پرویزی)



کارگاه نوشتن :

۱.

مراحل این شیوه به شرح زیر است :

در این مرحله پرسش سازی انجام شده است.

مرحله دوم : شناسایی و جدا کردن پرسش های عینی

	مرحله اول : پرسش سازی	
عینی	زعفران چیست؟	۱.
عینی	چه رنگی است؟	۲.
عینی	چه طعمی دارد؟	۳.
عینی	چه بویی دارد؟	۴.
عینی	نحوه کشت آن چگونه است؟	۵.
عینی	کاربرد آن چیست؟	۶.
ذهنی	چرا زعفران با طلا برابری می کند؟	۷.
عینی	زعفران چگونه بسته بندی می شود؟	۸.
ذهنی	آیا نوع بسته بندی زعفران اهمیت خاصی دارد؟	۹.
عینی	هزینه کشت زعفران چقدر است؟	۱۰.
ذهنی	آیا کشت زعفران ، کارکرد اقتصادی دارد؟	۱۱.
ذهنی	آیا زعفران از مواد ضروری در تهیه خوراکی هاست؟	۱۲.
ذهنی	زعفران چه خاصیت هایی دارد؟	۱۳.

مرحله سوم :

الف (گزینش و سازماندهی پرسش ها

پس از مشخص کردن پرسش های عینی آنها را سازماندهی می کنیم و طبق یک نظم منطقی آن ها را مرتب می کنیم و به آن ها پاسخ می دهیم .

نمونه :	
۱. زعفران چیست ؟	
۲. کاربرد آن چیست؟	
۳. چرا زعفران با طلا برابری می کند؟	
۴. زعفران چه خاصیت هایی دارد؟	
۵.	

ب) نوشته کیک زرد:

- ✓ کیک زرد چیست؟
- ✓ ارتباط آن با بمب اتمی چیست؟
- ✓ چرا به اورانیوم کیک می گویند؟
- ✓ کیک زرد چه کاربردی دارد؟
- ✓ کیک زرد چگونه تهیه می شود؟
- ✓ کاربرد اصلی آن چیست؟
- ✓ نظر شما در مورد بمب اتمی چیست ؟
- ✓ نام علمی کیک زرد چیست؟
- ✓ روش تهیه کیک زرد چگونه است؟
- ✓ تهیه کیک زرد چه مزایایی برای کشور دارد؟
- ✓ در تهیه کیک زرد چه تخصص های مورد نیاز است؟
- ✓ در چه کشورهایی معدن اورانیوم بیشتری وجود دارد؟
- ✓ ارزش معدن طلا بیشتر است یا اورانیوم؟
- ✓ کیک زرد را با کیک خانگی مقایسه کنید؟

✓ گزینش و سازماندهی پرسش ها:

- ✓ کیک زرد چیست؟
- ✓ چه کاربردی دارد؟
- ✓ کاربرد اصلی آن چیست؟
- ✓ نام علمی کیک زرد چیست؟
- ✓ چگونه تهیه می شود؟

- ✓ ارتباط آن با بمب اتمی چیست؟
- ✓ چرا به اورانیوم کیک می گویند؟
- ✓ روش تهیه کیک زرد چگونه است؟
- ✓ تهیه کیک زرد چه مزایایی برای کشور دارد؟
- ✓ نظر شما در مورد بمب اتمی چیست ؟
- ✓ در تهیه کیک زرد چه تخصص های مورد نیاز است؟
- ✓ ارزش معدن طلا بیشتر است یا اورانیوم؟
- ✓ در چه کشورهایی معدن اورانیوم بیشتری وجود دارد؟
- ✓ کیک زرد را با کیک خانگی مقایسه کنید؟

آگاهی های فرامتنی

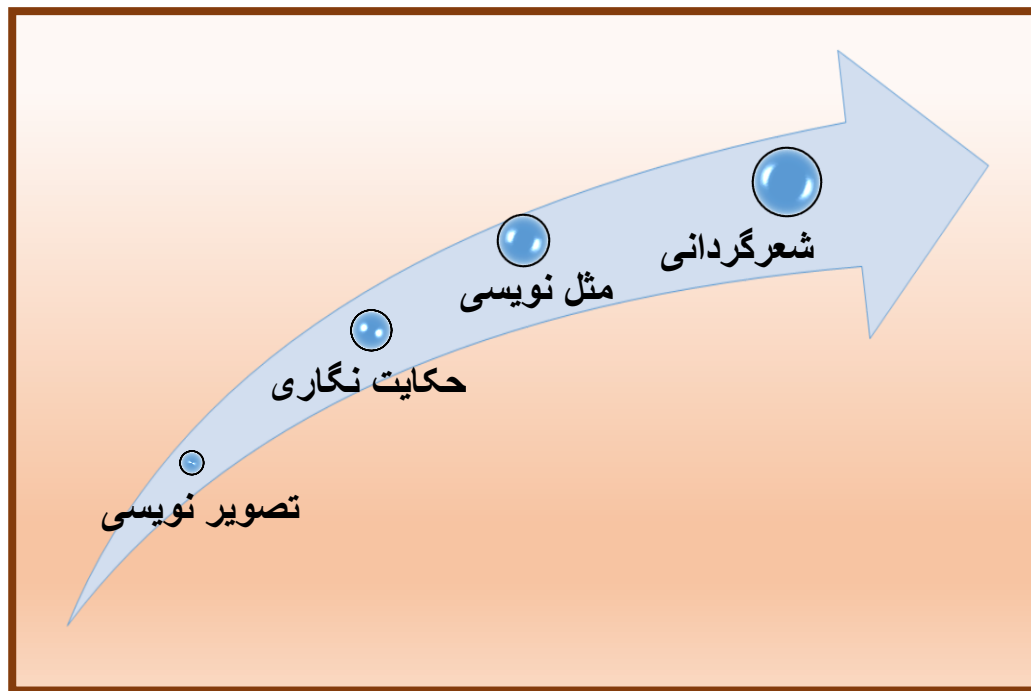
شعر گردانی

شعر، سخنی اندیشیده ، خیال انگیز و موزون است که با شگردهای هنری و ادبی، حس زیبایی دوستی و زیبایی شناسی انسان را برمی انگیزد.

توجه به حرکت و آروانه فرایند شعر گردانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در اصل شاعر در عالم ذهن محتوایی را با عناصر شعری آمیخته است. ساخت شعر، فراهمی است یعنی فراتر از هنجار و زبان معیار است. در شعر گردانی در واقع باید این ساختار هنجار به ساخت معیار و هنجار زبان فارسی نزدیک شود.

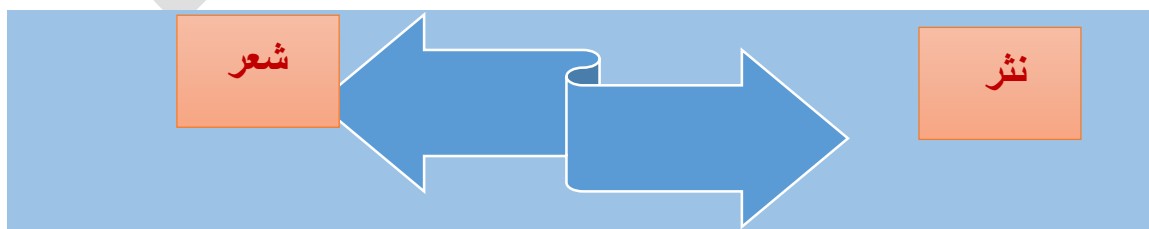
شعر گردانی نیز همچون تصویر نویسی، حکایت نگاری و مثل نویسی ، شگردی برای نوشتن است. نمایه زیر، درجه اهمیت عناصر مختلف را به عنوان شگردهایی برای نوشتن نشان می دهد. گستردگی، عمق

، غنا ، خیال‌انگیزی و تفکر برانگیز بودن شعر موجب گشته است که شعرگردانی در صدر این نمایه قرار گیرد.



ماموریت شعرگردانی چیست ؟

منظور از شعرگردانی، فقط بازگردانی شعر و تبدیل آن به زبان نثر نیست. در واقع یک فرایند وارونه اتفاق می افتد.



وقتی ما سخن می‌گوییم، سخن ما به طور طبیعی بر پایه منطق زبان استوار است و ارکان زبان را در جای صحیح خود به کار می‌بریم اما زبان شعر دیگرگونه است در زبان شعر ارکان زبان دچار وارونگی می‌گردد.

حال برای بازگردانی شعر مقدماتی لازم است:

❖ شناخت هنجار زبان فارسی معیار

❖ شناخت ویژگی‌های زبان ادبی (فراهنجاری)

مقصود از هنجار زبان فارسی، رعایت عناصر سازه‌ای زبان معیار فارسی است به گونه‌ای که هر یک از اجزای سخن در جای خود قرار گیرند.

در دومین قلمرو (فراهنجاری یا هنجار گریزی) گریزهای معنایی، نحوی را داریم.

ابتدا باید زبان شعر و زبان نثر معیار را بشناسیم تا بتوانیم شعر را به جای اولیه خود برگردانیم.

• توجه:

هدف از این فعالیت، تنها تبدیل زبان شعر به زبان نثر (نوشتن معنی واژگانی، الفاظ) نیست؛ بلکه این تمرین بهانه‌ایست برای به کار افتادن چرخه‌های ذهنی و فضا سازی هنگام نوشتن. برای انجام این کار گام‌های زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. تامل:

درنگ در بیت و شناخت واژگان. در این مرحله ذهن خواننده بر برونه ابیات و واژگان خیمه می‌زند تا تلفظ، معنا، املا، ساختمان، نوع کلمه و ... واژگان را شناسایی کند.

۲. فهم:

فهم اولیه و ارتباط با متن در حد معنای ظاهری واژگان و شکل‌گیری شبکه معنایی.

۳. ادراک:

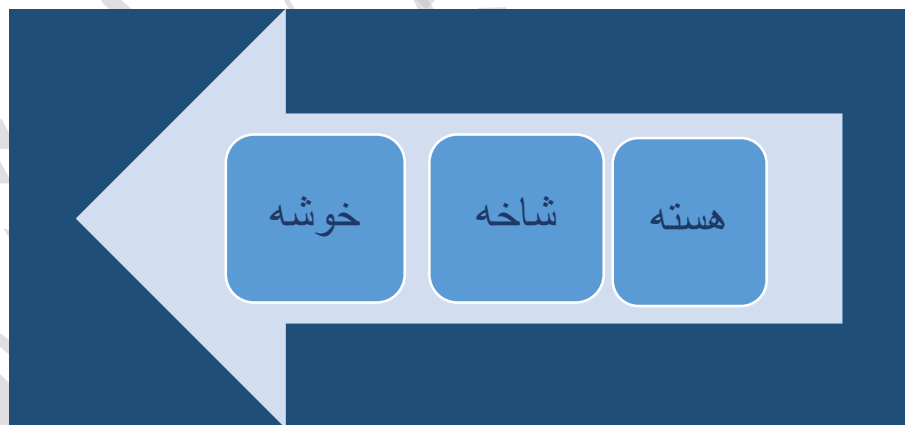
منظور از ادراک ، درک اجزای متن و روابط میان آن ها و کشف هسته معنایی شعر است. به عنوان نمونه وقتی خواننده می گوید بیتی درباره شادی است در واقع به محتوا و کشف هسته معنایی آن رسیده است.

۴. ایجاد ایستگاه ذهنی :

ایجاد ایستگاه های ذهنی برای پرورش معنا . معنایی را که خواننده در مرحله قبل آن را کشف کرده در این مرحله پرورش می دهد .

۵. معنا سازی :

با توجه به موضوع مشخص شده معناسازی می کند و خوشه ها و معناهایی برای آن می آفریند.



۶. نگارش متن

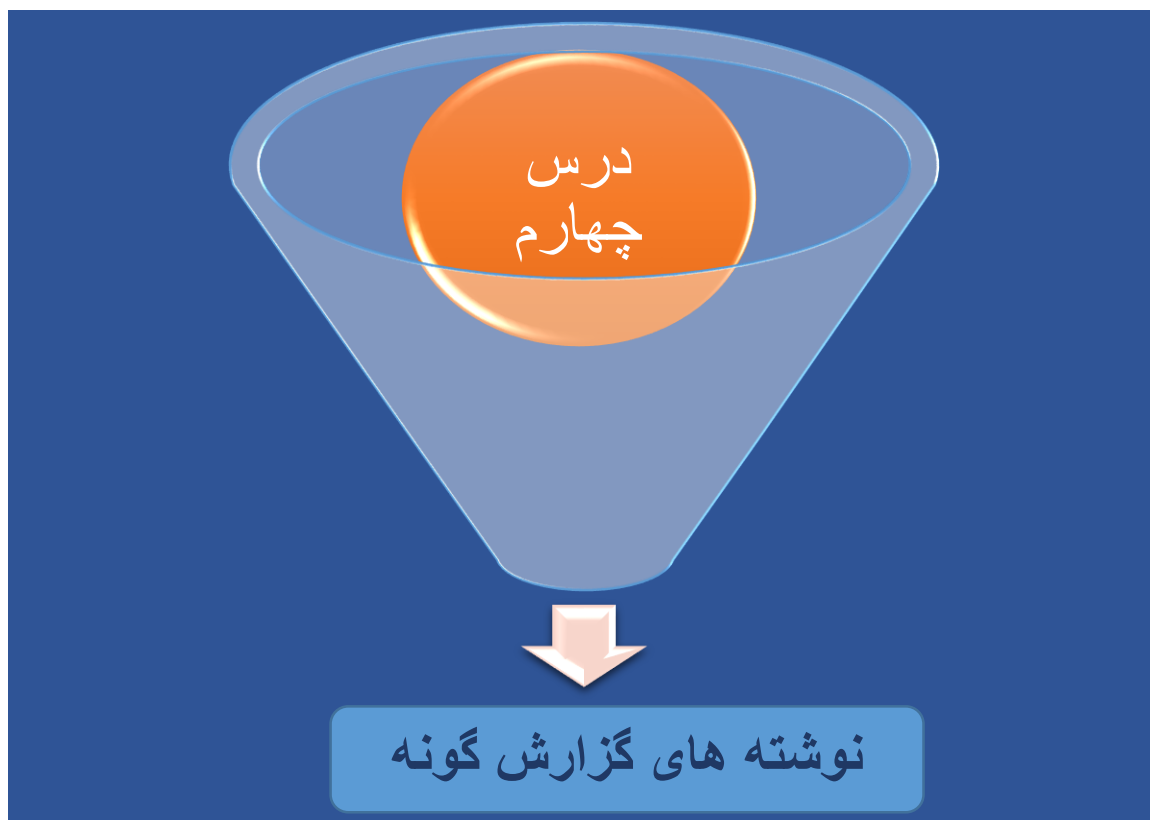
شعر گردانی در اصل فرصت های فکری برای رشد ذهن است. این روش همچنین موجب تقویت مهارت نوشتن می گردد.

فایده های بهره گیری از شعرگردانی در نوشتن

- ✓ ایجاد فرصت تفکر.
- ✓ شکل گیری نظام ذهنی منطق زبان نوشتار (تثبیت در ذهن نویسنده متن)
- ✓ درک گستردگی ظرفیت های شعر.
- ✓ شناخت دقیق ویژگی های زبان شعر.
- ✓ پرورش توانایی نوشتن و رشد خلاقیت ذهن.
- ✓ کمک به درک بهتر متن.
- ✓ برقراری ارتباط ساده تر با محتوا (متن).
- ✓ فراهم کردن فرصت برای دست ورزی بیشتر فراگیران در قلمرو نوشتن.

شعر گردانی در اصل

ایجاد فرصت های فکری برای رشد ذهن است.



در مورد نوشتن
همیشه نمی شود یک جور حساب کرد،
گاهی مثل شیرجه زدن در آب ساده است و گاهی مثل
بالا رفتن از صخره سخت است.

عنوان : نوشته های گزارش گونه

محتوا: آموزش نوشته های گزارش گونه به عنوان یکی از انواع نوشته های ذهنی

حکایت نگاری

بازنویسی
حکایتی از گلستان
سعدی به زبان ساده

هنجار نوشتار

کاربرد واژگان
متناسب با فضای
حاکم بر نوشته
توجه به ویژگی
های معنایی و آوایی
واژگان

کارگاه نوشتن

- طرح پرسش بر
اساس گزارش
- سازماندهی پرسش
ها

انتخاب موضوع و
خلق نوشته ای با بهره
گیری از شیوه پرسش
و پاسخ سازی

ارزیابی نوشته ها بر
اساس سنجه های
درس

متن و تصویر

در این درس به یکی
از انواع نوشته های
عینی اشاره دارد .
گزارش، نمونه نوشته
عینی است که در طی
دو مرحله آموزش داده
می شود:

- طرح پرسش های
گوناگون عینی .

- گزینش و
سازماندهی پرسش ها

- آشنایی با نوشته های ذهنی و روش نگارش آن.
- آشنایی با نوشته های گزارش گونه .
- آشنایی با نمونه هایی از نوشته های گزارش گونه.
- تقویت توانمندی در کاربرد واژگان متناسب با فضای حاکم بر نوشته .
- آشنایی با روش جانشین سازی به منظور تولید نوشته های ذهنی.
- ایجاد نگرش مثبت نسبت به نگارش نوشته های عینی.
- تقویت تسلط بر انتخاب واژگانی متناسب با فضای داستان.

روش های تدریس

✓ روش تدریس گروه های مکمل

در درس چهارم تاکید بر "پرسش سازی" و طرح پرسش هایی مناسب است .
برای آموزش نوشتن گزارش که نوعی از نوشته عینی است به شرح زیر عمل می کنیم :

آموزش از طریق گروه های مکمل

برای نوشتن متنی گزارش گونه شایسته است یک یا چند روز قبل از تدریس این درس دانش آموزان اردو و یا بازدید از یکی از مکان های تاریخی و یا فرهنگی و ... داشته باشند . (این درس را می توان در اردوی مورد نظر نیز آموزش داد).

گام اول : گروه بندی

دانش آموزان به صورت گروه های شش نفره تقسیم می شوند و هر گروه خود به دو گروه "الف" و "ب" تقسیم می گردند.

گام دوم : ارائه کاربرگ

دو کاربرگ مختلف در اختیار داریم . "کاربرگ شماره یک" و "کاربرگ شماره دو" . کاربرگ ها را در اختیار هر یک از گروه ها قرار می دهیم .
کاربرگ شماره یک :

در کاربرگ شماره یک، سه موضوع گزارش مشخص شده است (نکته بسیار مهمی که در انتخاب موضوع گزارش باید به آن توجه کنیم این است که انتخاب موضوعات باید به گونه ای باشد که دانش آموزان به آن احاطه کامل داشته باشند و مکان و فضای مورد نظر را دیده و درباره آن اطلاعات کافی داشته باشند).

اعضای گروه یکی از موضوعات را به دلخواه انتخاب نموده و درباره آن هشت تا ده پرسش عینی طرح می کنند. سپس پرسش ها را ساماندهی و به آن ها پاسخ می دهند.

کاربرگ شماره دو:

در زمانی که اعضای "گروه الف" در حال طرح پرسش و پاسخگویی به پرسش ها هستند کاربرگ شماره دو نیز در اختیار "گروه ب" قرار می گیرد.

در این کاربرگ گزارشی وجود دارد. اعضای گروه ب باید پرسش هایی را که ممکن است گزارش بر اساس این پرسش ها شکل گرفته باشد از دل این گزارش استخراج نموده بر روی کاربرگ ثبت نمایند.

گام سوم : نوشتن متن

اکنون هر یک از گروه های الف و ب باید بر اساس پرسش های کاربرگ خود متنی گزارش گونه بنویسند.

کاربرگ شماره یک اکنون حاوی پرسش و پاسخ هایی پیرامون یک موضوع است که در اختیار گروه ب قرار می گیرد و اعضای گروه بر اساس این پرسش و پاسخ ها نوشته ای گزارش گونه می نویسند.

در همین زمان صفحه دوم کاربرگ شماره دو (که تنها حاوی پرسش ها و پاسخ های گروه ب است) در اختیار گروه الف قرار می گیرد و آنان بدون این که نوشته گزارش گونه را ببینند تنها بر اساس پرسش و پاسخ گروه " ب " نوشته ای گزارش گونه می نویسند.

گام چهارم : خوانش متن در گروه

در این مرحله با نظارت معلم نوشته های گروه الف و ب در گروه شش نفره مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

درنگی در قلمرو فعالیت ها

فعالیت 3

فعالیت 1

فعالیت 2

کارگاه نوشتن :

۱. پرسش اول فعالیت:

برای انجام فعالیت اول ابتدا پرسش هایی بر اساس متن طراحی می گردد.

- بازدید از چه مکانی انجام شده است؟
- بازدید در چه زمانی انجام شده است؟
- اهمیت این موزه در چیست؟
- وضعیت محوطه داخلی موزه به چه شکل است؟
- قدمت موزه چقدر است؟
- بنای موزه چند طبقه دارد؟
- مساحت هر طبقه از موزه چقدر است؟
- نام تالارهای موزه چیست؟
- در هر سالن چند غرفه وجود دارد؟
- هر یک از غرفه ها به چه اشیایی اختصاص دارد؟
- علت نام گذاری تالارها چیست؟
- در هر دیوار حدودا چند تابلو نصب گردیده است؟
- در طبقه زیرین موزه چه اشیایی قرار دارد؟

در مرحله بعد پرسش ها سازماندهی می شوند.

- مکان گزارش؟

- زمان گزارش؟
- نام موزه؟
- محل دقیق موزه؟
- موزه مربوط به چه دوره ای است؟
- بنای موزه شامل چند طبقه و تالار است؟
- چه اشیایی در این موزه نگهداری می شوند؟
- و ...

۱. پرسش دوم فعالیت:

در این بخش چند موضوع مطرح شده و دانش آموزان یکی از موضوعات را انتخاب می کنند. ابتدا پرسش هایی درباره موضوع مورد نظر مطرح میکنند . سپس این پرسش ها را سازماندهی می کنند و در پایان بر اساس پرسش های مطرح شده گزارشی می نویسند.

در این بخش موضوع رونمایی از یک کتاب انتخاب شده است که مراحل آن به شرح زیر است:

طرح پرسش های عینی

- موضوع گزارش چیست؟
- کتاب اثر کیست؟
- کتاب از چه زاویه دیدی روایت می شود؟
- موضوع کتاب چیست؟
- در کدام نشر به چاپ رسیده است؟
- کتاب شامل چند بخش است؟
- هر بخش از کتاب چند فصل دارد؟
- زمان رونمایی کتاب؟
- مکان دقیق رونمایی کتاب؟
- و ...

سازماندهی پرسش ها

- موضوع گزارش چیست؟
- زمان رونمایی کتاب؟
- مکان دقیق رونمایی کتاب؟
- کتاب اثر کیست؟
- موضوع کتاب چیست؟
- در کدام نشر به چاپ رسیده است؟
- کدام شامل چند بخش است؟
- هر بخش از کتاب چند فصل دارد؟
- کتاب از چه زاویه دیدی روایت می شود؟
- و...

متن گزارش

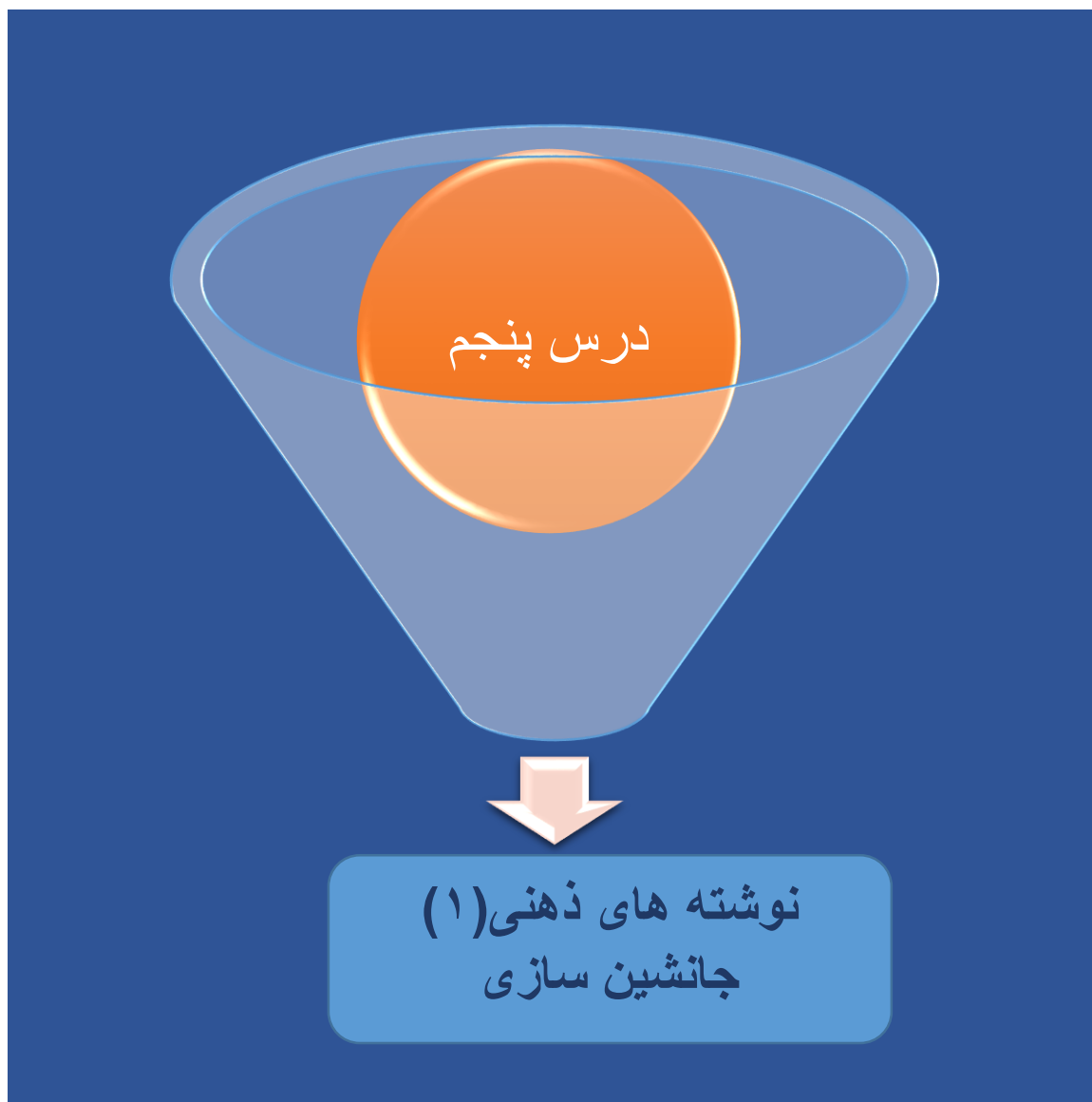
گزارشی از رونمایی یک کتاب:

مراسم رونمایی از کتاب نوشته‌ی در کتابخانه فرهنگسرای برگزار شد. این کتاب اسفند ماه سال گذشته در نشر به چاپ رسید. کتاب به موضوع

..... می پردازد.

کتاب دو بخش با عنوان‌های و دارد. هر کدام از این دو بخش شامل سه فصل است که هر فصل از نگاه یکی از شخصیت‌های داستان روایت می‌شود. در بخش اول هر کدام از شخصیت‌ها چند ساعت از یک روز خاص را روایت می‌کنند و روایت آن‌ها گاهی به هم برخورد می‌کند. بخش دوم سه ماه بعد اتفاق می‌افتد و در آن شخصیت‌ها سه روز متفاوت غیر متوالی را روایت می‌کنند به طوری که روایت داستان به شکلی دایره‌ای درمی‌آید.

مراسم رونمایی روز، اردیبهشت، ساعت، در خیابان، فرهنگسرای، سالن نمایش برگزار شد. در این مراسم نویسنده بخش‌هایی از کتاب خود را خواند و شرکت کنندگان درباره آن صحبت کردند.



لحظاتی وجود دارد که می نشینیم
تا چیزی برای نوشتن پیدا کنیم، این لحظات خیلی دردناک است
مثل این است که یک شمع کف دستانمان گذاشته ایم .

نماینه درس پنجم

عنوان : نوشته های ذهنی (جانشین سازی)

محتوا: بهره گیری از روش جانشین سازی برای خلق نوشته های ذهنی

حکایت نگاری

بازآفرینی و گسترش
یکی از مثل ها به
دلخواه

هنجار نوشتار

انسجام و
یکپارچگی متن با
توجه به دو نکته
زیر صورت می
پذیرد:
1. ارتباط معنایی
جمله ها.
2. توجه به نشانه
های انسجام زبانی

کارگاه نوشتن

در فعالیت شماره یک:
- تفکیک نوشته ها از
نظر ذهنی و عینی.
- مشخص کردن نوشته
ای که به شیوه جانشین
سازی نوشته شده است.

نوشتن موضوعی با
استفاده از روش
جانشین سازی

ارزیابی نوشته ها بر
اساس سنجه های درس

متن و تصویر

قرار دادن خود به جای
موضوع یا پدیده ای
دیگرواز نگاه آن پدیده یا
موضوع نگریستن به
جهان پیرامون.
در این جانشینی باید
عواطف، حس و حال، نوع
نگرش، لحن کلام و شیوه
بیان متناسب با موضوع
باشد. مانند نوشتن از آفتاب
از زبان یخ.
به همین منظور پیش از
نوشتن باید اطلاعات و
شناخت کلی درباره
چیستی، ویژگی ها و
کارکرد موضوع به دست
آورده شود.

غیر
قابل
استناد

- آشنایی با نوشته های ذهنی.
- تقویت نگارش متن هایی به کمک قدرت توانایی ذهن و خیال.
- تقویت توانایی تشخیص نوشته های ذهنی و عینی.
- آتقویت توانمندی بهره گیری از روش جانشین سازی در نوشتن متن های ذهنی.
- تقویت توانایی توجه به نکات نادیده و ناشکفته موضوع از طریق جانشین سازی.
- ایجاد نگرش مثبت نسبت به امکان ایجاد ظرفیت های جدید برای نوشتن از طریق جانشین سازی.

روش بدیعه پردازی

با توجه به عنوان درس (جانشین سازی) می توان برای تولید نوشته از روش بدیعه پردازی بهره جست . این روش بر بنیان پنج مرحله بنا نهاده می شود و یکی از مراحل آن جانشین سازی است .

روش بدیعه پردازی از روش های الگوی پردازش اطلاعات است . این الگو به وسیله "ویلیام گوردن" و دستیاران وی (۱۹۶۱) طراحی شده است . عنصر اصلی در این روش استفاده از قیاس هاست که به وسیله ی آن، موضوعی معمولی و آشنا با شیوه ای نو بررسی و بیان می گردد.

برای نوشتن متنی درباره " زمستان" با بهره گیری از روش پردازی به شیوه زیر عمل می کنیم:

مرحله نخست: توصیف شرایط حاضر یا موجود

در مرحله نخست دانش آموزان موضوع مورد نظر را توصیف می کنند. به همین منظور معلم دانش آموزان را ترغیب می کند تا شرایط یا موقعیت پدیده ای را آنچنان که دیده و حس کرده اند توصیف کنند به گونه ای که تصویر کاملی از آن ارائه دهند.

- ✓ زمستان سرد و سپید است .
- ✓ آخرین فصل سال است.
- ✓ سه ماه دارد.
- ✓ روزهای آن کوتاه و شبهایش بلند است.
- ✓ بارش برف زمستانی طبیعت را زیبا می کند.
- ✓ بارش باران زمستانی همه جا را پاک و تمیز می کند.
- ✓ پایان زمستان به بهار منتهی می شود.
- ✓ نام اولین شب زمستان یلدا است.

مرحله دوم: قیاس مستقیم

در این مرحله معلم از دانش آموزان می خواهد که دست به قیاس مستقیم بزنند. گاه معلم مفهوم یا نمونه مورد قیاس را ارائه می دهد و گاه دانش آموزان خود آن را انتخاب می کنند. نمونه از سوی معلم معرفی می شود:

- ✓ زمستان مانند زنی است که گرد سپید پیری بر موهایش نشسته است.
- ✓ زمستان همچون حلقه ای پاییز را به بهار وصل می کند.
- ✓ نفس سرد زمستان همانند **آه سردی** طبیعت را منجمد می کند.
- ✓ زمستان دانه های برف را که همچون مرواریدهایی صدفی هستند به عنوان هدیه برای زمین می فرستد.
- ✓ زمستان همچون مردی آواره شولایی بر دوش در کوچه ها می گردد.

مرحله سوم: قیاس شخصی (جانشین سازی)

در مرحله حاضر معلم از دانش آموزان می خواهد خودشان را به جای مفهوم مورد نظر قرار دهند و از زبان او سخن بگویند و احساساتش را بیان کنند.

- ✓ از این که با آمدن پرندگان کوچ میکنند و به جاهای گرمسیر کوچ می کنند، غمگینم.
- ✓ وقتی سرو روی شهر را می شویم و همه جا پاک و تمیز می شود خوشحال می شوم.
- ✓ لحظات زیبایی ریزش دانه های سپید مروارید بر سر زمین مرا به وجد می آورد.
- ✓ درختان با تکان دادن سرشاخه هایشان ، از من به خاطر لباس های سپیدی که برایشان فرستاده ام قدردانی میکنند.
- ✓ دیدن خواب زمستانی حیوانات برایم کسالت بار است.
- ✓ گاهی که خشمگین می شوم ، با سرو صدا و هیاهو توفان به راه می اندازم .
- ✓ از گریه عاشقانه ام باران های سیل آسا و از گریه غمگینانه ام رگبار و از دلتنگی هایم تگرگ حاصل می شود.
- ✓ ...

مرحله پنجم: تعارض فشرده (همورد ناسازها)

در این مرحله معلم از دانش آموزان می خواهد بر اساس توصیف های ارائه شده در قیاس شخصی مفاهیم متضاد را ارائه نمایند و سپس از میان این قیاس ها بهترین را انتخاب کنند.

- ✓ ساکت و پرهیاهو
- ✓ آرام و بیقرار

در این مرحله فراگیران به مسئله یا تکلیف اولیه برمی گردند و درباره موضوع زمستان نوشته ای خلق می کنند.

بالاخره زمستان از راه رسید همراه کاروانی از ابرهای سفید و خاکستری. همان طور که روی یکی از ابرها لم داده بود، از بالا نگاهی به آخرین برگ های نارنجی باغ ها انداخت. دست های بزرگش را در کوله بارش برد تا ببیند ننه سرما چه چیزهایی را برایش توشه راه کرده است.

اول دستش به چند دست لباس سفید بلند که برای کاج ها آماده شده بود برخورد کرد بعد هم چند گردنبند بلند مروارید نشان را دید که هر کدام از آن ها می توانست یک شهر را از برف سفید پوش کند.

کوله بار را زیر و رو کرد مثل همیشه ننه سرما هدیه های زیادی برای همه فرستاده بود چیزهایی که هواخوان از آن سردر نمی آورد. او تنها فرزند ننه سرما بود و "هواهو" نامی بود که ننه سرما برای او انتخاب کرده بود.

در کیسه را بست و آن را داخل یکی از ابرها پیچید و کنار گذاشت. هواهو خسته شد خمیازه ای کشید و شهر پر شد از نفس سرد او. ناگهان درگوشه ای از آسمان فوجی از پرستوهای مهاجر را دید که یکباره دسته جمعی به سوی آسمان اوج گرفتند، انگار از دست او فرار می کردند. کودکان از سرما، بازی را رها کردند و به خانه ها پناه بردند. مردها پنجره ها را بستند و زن ها سراغ لباس های زمستانی رفتند. بخار سفیدی از دودکش خانه ها بلند شد.

هواهو نگاهش به کوه ها افتاد. خرس قهوه ای سلانه سلانه و خواب آلود به سمت غار می رفت تا خواب زمستانی اش را با خیال راحت آغاز کند.

به پنجره هایی که یکی پس از دیگری بسته می شد نگاه کرد. چشمش به یک پنجره نیمه باز افتاد و جوانی را دید که با چشمانی غمگین به ابرها خیره شده بود و با خود شعری را زمزمه می کند. هواهو دیگر طاقت نیاورد و زد زیر گریه. از گریه عاشقانه اش بارانی در گرفت.

(م. سجودی)

درنگی در قلمرو فعالیت ها

فعالیت 3

فعالیت 1

فعالیت 2

کارگاه نوشتن :

یادآوری : طبقه بندی نوشته ها در دو قلمرو عینی و ذهنی تقریباً نسبی است. معیار تعیین نوع نوشته (عینی، ذهنی) فضای حاکم بر نوشته است. مثلاً ممکن است نوشته ای با نگاه عینی آغاز شود اما با نگرش ذهنی بسط و گسترش یابد. بنابراین شرط تعیین نوع و نامگذاری، توجه به فضای عمومی نوشته و غلبه آن نوع است.

نوشته اول: نوشته ذهنی .

این متن را یک فرد بزرگسال نوشته است اما از زاویه دید یک کودک سخن گفته است پس از جانشین سازی استفاده کرده است و نوشته ذهنی است.

نوشته دوم: نوشته عینی بیان واقعیتی از سیر تاریخ ادبیات ایران

نوشته سوم: نوشته ذهنی

آگاهی های فرامتنی

نمایه مقایسه نوشته های عینی و ذهنی	
نوشته عینی	نوشته ذهنی
موضوعی حسی دیداری با یک موضوع محسوس دیگر (دیداری) مقایسه میشود. توجه به رنگ ، جنس، اندازه،	مقایسه موضوع عینی با موضوع ذهنی و یا مقایسه دو موضوع ذهنی با یکدیگر. توجه به کیفیت، چستی، علت و چرایی، فایده و اهمیت
نوشتن با بهره گیری از حواس ظاهر.	نوشتن با حواسی فراتر از حواس ظاهر.

مثل نویسی

در این درس به چند مثل اشاره می شود که به روش های گوناگونی می توان این مثل ها را گسترش داد.

برای شکستن ذهنیت های پیشین و ورود به عرصه های نوین تکنیک های بسیاری ابداع گردیده است که متداول ترین آنها تفکر موازی است.

واضع این شیوه ادوارد دیوینو روش معمول تفکر را همانند حفر گودالی توصیف می کند که با افزایش اطلاعات فرد همان گودال را عمیقتر می سازد و از دیدن جاهای

دیگر برای حفر کردن باز می ماند در حالیکه تفکر موازی نگاه فرد را به نقاط جدید معطوف می سازد و اطلاعات و تجربیات جدید صرفاً به اندیشه های قبلی افزوده نمی شود، بلکه آنها را تغییر داده و الگو و ساختار جدیدی را ایجاد می کند.

به عنوان نمونه مثل " اگر با ماه نشینی ماه شوی ، با دیگ نشینی سیاه شوی " با بهره گیری از تفکر موازی باز آفرینی گردیده است :

ماه رویان و دیوخیوان

در دوره ای به نام دوره ماهانیاں ، در زمان های خیلی دور و در دهی بسیار دورتر مردمی می زیستند. روستای آنان از یک سو به کوهستان و از سوی دیگر به دره ای مخوف مشرف بود.

مردمی که در سمت کوهستان می زیستند به ماه رویان شهره بودند و گروهی که در سمت دره خانه داشتند به دیگ خویان معروف بودند.

ماه رویان را از آن روی بدین نام می خواندند که خلق و خوی نیک و همچون ماه ایشان بر چهره هایشان موثر واقع گردیده بود و همگی خوشرو ، خوش مشرب و خوش گفتار شده بودند و خلاصه جملگی خوشی های روزگار به یکبارگی در آنان جمع گردیده بود.

در سوی دیگرده گروهی دیو سیرت و دیو سیما می زیستند ، خلق و خوی آنان نیز در حد کمال بر سیمایشان اثر گذاشته بود. به این گروه " دیو روی " می گفتند. با گذشت زمان نام این گروه از " دیو روی " به "دیگ روی" مبدل گشت .

وقتی مسافری قصد سفر به ده ایشان را داشت به او نصیحت می کردند که اگر با ماه نشینی ماه شوی و اگر با دیگ نشینی سیاه شوی که در این مثل مراد از ماه همان ماه رویان و دیگ همانا دیگ رویان بودند که شرح آن برفت.

(م. سجودی)

درس ششم



نوشته های ذهنی (۲)
سنجش و مقایسه

یا چیزی بنویس

که قابل خواندن باشد

یا کاری کن

که قابل نوشتن باشد.

عنوان : نوشته ذهنی (2) سنجش و مقایسه

محتوا: بهره گیری از روش مقایسه به منظور خلق نوشته های ذهنی

شعر گردانی

بازگردانی و
بازپروری شعری از
سعدی

هنجار نوشتار

آموزش نشانه هایی
که با پیوند جملات
موجب افزایش
انسجام متن می
گردند.

کارگاه نوشتن

دریافت پدیده ها یا
موضوعاتی که نویسنده
برای خلق نوشته آنان
را با یکدیگر مقایسه
کرده است.

انتخاب موضوع و خلق
نوشته با بهره گیری از
روش سنجش و مقایسه

ارزیابی نوشته ها بر
اساس سنجه های
درس

متن و تصویر

این درس به برقرای پیوند
بین پدیده ها،
کشف روابط بین آنها، درک
شباهت ها و تفاوت های آنها
و درک روابط معنایی
موضوعات بر اساس قیاس
اشاره دارد.

در نوشتن عینی دو پدیده را
که در یک طبقه قرار دارند
مقایسه می کنیم ولی برای
ذهنی نوشتن می توان
موضوعاتی را با یکدیگر
مقایسه کرد که هیچ سنخیتی
با یکدیگر ندارند.

- آشنایی با روش سنجش و مقایسه در نوشتن متن های ذهنی.
- تقویت توانایی برقراری پیوند بین موضوع نوشته با موضوعات دیگر و کشف روابط بین آن ها به منظور نوشتن متن های ذهنی.
- تقویت درک شباهت ها و تفاوت های میان موضوع نوشته با موضوعات دیگر .
- جذابیت بخشیدن به موضوع نوشته از طریق کشف روابط بین موضوعات بی ارتباط با یکدیگر.
- توجه به ترتیب بیان رخدادها در نوشته.
- درک اهمیت انسجام در نوشته های ذهنی.

روش های تدریس

مهارت کشف روابط میان عناصر

شگرد کشف روابط میان عناصر یکی از شیوه های ظاهر ساختن توانایی آفرینندگی و آشکارسازی خلاقیت افراد است که توسط چارلز-اس- وایتینگ ابداع شده است. در این روش باید بین دو گروه از پدیده ها که به ظاهر پیوندی با یکدیگر ندارند رابطه ای ایجاد کرد.

در این شگرد، اعضای گروه برای یافتن رابطه بین دو زمینه ای که با یکدیگر مانوس و مرتبط نیستند دست به تلاش فکری زده و در این راه به ایده ها و نظرات جدیدی دست می یابند.

در آغاز هدف از ایجاد ارتباط، برای شرکت کنندگان بیان می شود. به طور کلی می توان گفت فلسفه ایجاد این شگرد مبتنی بر تئوری ضبط اطلاعات زمینه ای در حافظه است. به این معنی که ساختار ذهن طوری است که اطلاعات به همراه زمینه یا اطلاعات محیط اطرافش در حافظه وارد و ضبط می گردد. به عنوان نمونه اگر شما اولین بار با فردی در حال شادی آشنا شده باشید، هر زمان به یاد او می افتید حالت شادی به شما دست خواهد داد. همچنین اگر تلاش کنید لیست غذا را به خاطر بیاورید به همراه آن ممکن است چیزهایی مثل رستوران، آشپز، نوشابه، بشقاب یا اقلام شبیه آن را به خاطر آورید. اما هیچگاه تراکتور یا اتو به یادتان نمی آید (مگر آنکه خاطره ای از لیست غذا و تراکتور یا اتو داشته باشید) لذا این تشگرد کمک می کند تا اطلاعات از زمینه های آن جدا شده و با یکدیگر ارتباط جدیدی را برقرار سازند و چه بسا در این رهگذر بتوان به ایده های تازه ای دست پیدا کرد.

در این شگرد دو یا چند موضوع کاملاً بی پیوند با یکدیگر را انتخاب می کنیم و سپس سعی می کنیم بین آنها نوعی ارتباط بیابیم.

برای انتخاب یک مفهوم یا کلمه تصادفی چند راه وجود دارد:

۱. یک صفحه از فرهنگ لغت را باز می‌کنیم و از درون آن کلمه‌ای را انتخاب می‌نماییم.

۲. از دوست خود و یا افراد خانواده درخواست می‌کنیم یک کلمه به ما معرفی کنند.

۳. از اشیای اطراف خود الهام می‌گیریم.

مثال: در این مثال روش کار را مرور می‌کنیم:

فرهنگ لغات را باز می‌کنیم. کلمه صندلی را می‌بینیم. بنابراین اولین کلمه صندلی است.

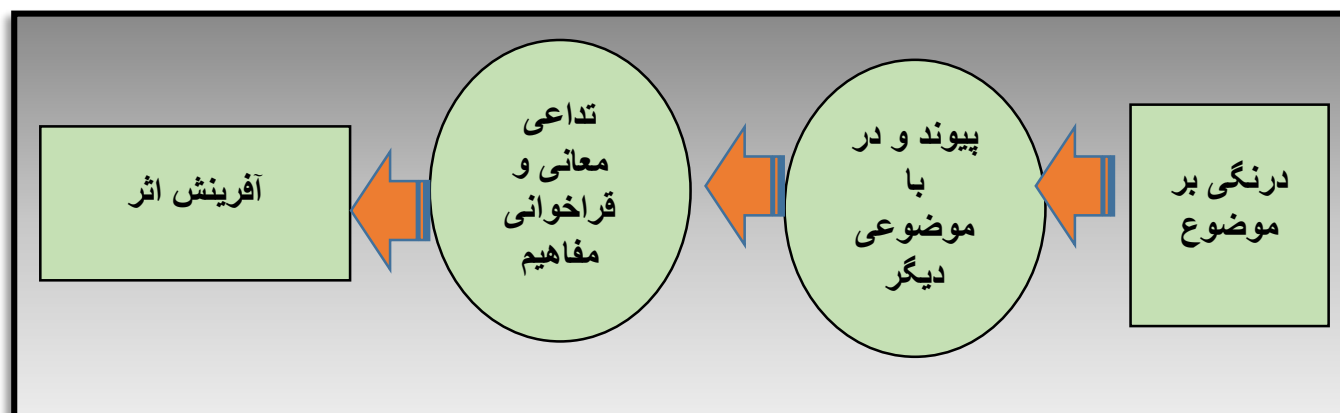
این کار را تکرار می‌کنیم. این بار، کلمه زمین را می‌بینیم.

حال سعی می‌کنیم بین زمین و صندلی ارتباط برقرار کنیم و مفاهیم جدید بسازیم. لازم نیست ایده‌های خود را محدود به این دو واژه کنیم. نقش این دو فقط الهام بخشیدن است حتی مهم نیست که ایده‌های ما عینی و عملی باشد و یا ذهنی. بهره‌گیری از این تکنیک با هدف آزاد کردن ذهن است.

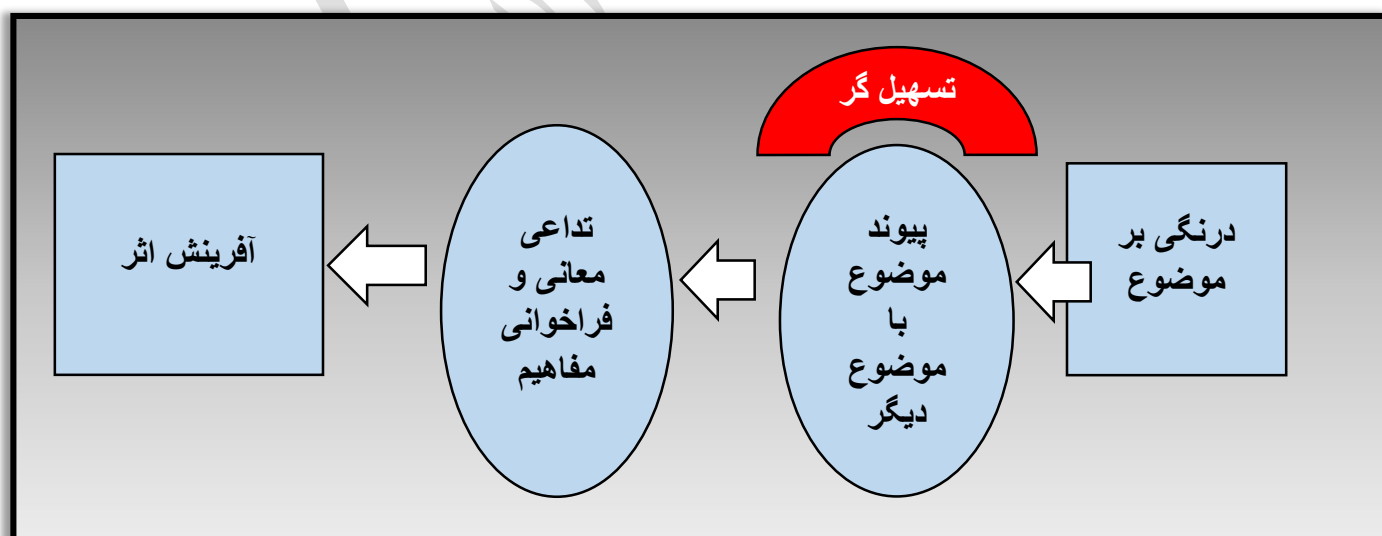
در درس ششم به این نکته اشاره شده است که برای نوشتن متن‌های ذهنی به روش سنجش و مقایسه از مرز حواس فراتر می‌رویم و آزادانه در فضای ذهن حرکت می‌کنیم بنابراین می‌توانیم دو چیز را که به ظاهر هیچ سنخیتی با یکدیگر ندارند، با هم مقایسه کنیم.

مانند مقایسه کتاب با انسان، درخت و یا آسمان و نمونه‌های دیگری که در کتاب به آنها اشاره شده است.

نمایه خلق نوشته بر پایه کشف روابط



هنگامی که برای نوشتن متن های ذهنی از پیوند زدن موضوع با موضوع های دیگر بهره می بریم ،موضوع دوم عمل درک و ارتباط یابی را آسان می کند و در پی آن بار معنایی پنهان در موضوع (انرژی پنهان موضوع) آزاد می شود و شبکه ای از مفاهیم شکل می گیرد.





کارگاه نوشتن فعالیت نگارشی اول:

در این فعالیت نویسنده در هر یک بخش ها ، پدیده های مختلفی را با هم مقایسه کرده است از جمله :

نوشته اول:

جنگ و صلح	دشمنی و دوستی	دیو و رستم	گرگ و بره
زوزه گرگ و بع بع بره	دوستان و بیگانگان	عَلَم جنگ و بیرق صلح	و ...

نوشته دوم:

آدم و گرگ	آدم و موش	آدم و گوسفند	آدم و مرغ	و ...
-----------	-----------	--------------	-----------	-------



درس هفتم

نوشته های ذهنی (۳)
ناسازی معنایی یا تضاد معنایی

نویسندگی خلاق می تواند

به التیام لطمه های گذشته کمک کند و احساسات افراد را

به حالت عادی برگرداند، همچنین می تواند فشار روحی را کاهش،

درد را تسکین و روحیه را تغییر دهد .

عنوان : نوشته ذهنی (3) ناسازی معنایی یا تضاد مفاهیم

محتوا: بهره گیری از روش خوشه سازی در خلق نوشته.

حکایت نگاری

بازنویسی حکایتی
از گلستان به زبان
ساده.

هنجار نوشتار

آشنایی بیشتر با
نشانه های تقابلی که
بهره گیری از آنها
موجب انسجام می
گردد.

کارگاه نوشتن

استخراج موضوعاتی
که در متن " درحوالی
بساط شیطان"، ناسازی
معنایی دارند و رسم
نمودار آن.

انتخاب موضوع و خلق
نوشته ای با بهره
گیری از ناسازی
معنایی

ارزیابی نوشته بر
اساس سنجه های درس

متن و تصویر

برای بهره گیری از روش
خوشه سازی ابتدا موضوع
در مرکز و هسته نمودار
جای میگیرد و ضمن تفکر
و تأمل درباره موضوع
مفهومی ناساز با آن در
کنار موضوع ثبت می
گردد. به شیوه بارش
مفاهیم، شاخه های اصلی
هسته ها کامل می شود.
و مفاهیم به دست آمده
دستمایه خلق نوشته ای با
بهره گیری از ناسازی
معنایی است.

اهداف درس هفتم :

- آشنایی با روش خوشه سازی.
- تقویت توانایی ایجاد شبکه روابط بین مفاهیم.
- توانایی خلق نوشتن با استفاده از روش ناسازی معنایی.
- تقویت بهره گیری از نشانه های ربط عاطفی و تقابلی.
- درک اهمیت رعایت انسجام در نوشته .
- آشنایی با نمونه های برجسته ای از نوشته هایی که به شیوه ناسازی معنایی خلق شده اند.
- ایجاد نگرش مثبت در بهره گیری از ناسازی معنایی در نوشتن .

روش خوشه سازی:

ذهن ما مثل یک انباری شلوغ و سازمان نیافته است. خوشه سازی در واقع قالبی است برای استفاده از تفکر تصویری. آیا می توان تمام عمر منتظر ماند که الهام به درون ذهن راه یابد؟ شاید از خودمان بپرسیم باید از کجا شروع کنیم؟ از چه بنویسیم؟ چگونه بنویسیم؟ با استفاده از خوشه سازی می توانیم آنچه در ذهنمان است را به روی کاغذ بیاوریم. این روش به ما کمک می کند دری باز کنیم به انبار خاطرات، تجربیات، اطلاعات و احساسات سازمان نیافته ی ذهن. خوشه سازی برای نوشتن انواع متن های گوناگون (انشاء، شعر، داستان کوتاه، گزارش کار، ترانه و حتی رمان) کاربرد دارد. مهم ترین نکته در استفاده از این روش، عدم پیش داوری است. باید اجازه دهیم خوشه سازی قدرت های خود را به ما بنمایاند.

گام اول :

برای نوشتن به روش خوشه سازی گام اول انتخاب هسته است. یک کلمه یا عبارت را به عنوان مرکز ثقل و هسته ی خوشه در نظر می گیریم.

گام دوم :

بدون مکث و خودسانسوری ، تمام عباراتی را که این هسته به یاد ما می آورد، از انباری ذهن خود بیرون می کشیم. منبع ما خاطرات، احساسات و تجربیات گذشته ی ما هستند. برای این کار، دور کلمه ها دایره می کشیم و دایره ها را با فلش هایی به هم وصل می کنیم. علت استفاده از دایره این است که دایره، مفهومی طبیعی و پویاست. در نقاشی های کودکان نیز مفاهیم به

کمک دایره نشان داده می‌شوند. مربع و مستطیل ساخته های دست بشری هستند. فلش نیز به دلیل ساختار خاصی که دارد، باعث جاری شدن تفکرات و ایده ها می‌شود. دایره های خالی که با فلش به هم مرتبط می شوند ذهن را تحریک می‌کنند.

گام سوم :

در این مرحله هر یک از واژگان که سر شاخه هستند ،خود به عنوان هسته قرار می گیرند. در حقیقت خوشه سازی، تندنویسی تفکر تصویری است.

۲ تا ۵ دقیقه برای این مرحله کافی است. به محض سرریز ذهنی احساسات حاصل از خوشه سازی، ما آماده ی نوشتن هستیم.

گام چهارم :

نوشتن خلاق

درپایان به منظور ویرایش نوشته ی نهائی، آن را با صدای بلند می خوانیم.

چند نکته:

- ❖ خوشه سازی نوعی تندنویسی تفکر تصویری همراه با انتخاب است؛ به هیچ وجه لزومی ندارد تمام خوشه ها در متن نهائی استفاده شوند.
- ❖ خوشه سازی در واقع مثل ماهی گرفتن است؛ لازم نیست زیاد انتظار بکشیم، چون ماهی همیشه می‌آید. ما باید آماده ی گرفتنش باشیم. فکر نیز همین خاصیت را دارد.
- ❖ خوشه سازی با ایجاد هسته مانند آهنربا یکسری عبارات و کلمات را از نیمکره ی راست مغز به خود جذب می‌کند.
- ❖ کلمات و عباراتی که در خوشه سازی تجلی می‌یابند، گاهی موجب شگفت زدگی ما می‌شوند. علت این شگفت زدگی این است که تفکر مفهومی، ما را مجاب می‌کند که برای هر چیزی علتی منطقی بیابیم. پس متعجب می‌شویم، زیرا این کلمات و مفاهیم در حوزه ی دانسته های آگاهانه ی ما قرار ندارند.

به خاطر داشته باشیم :

در هنگام خوشه سازی نباید سعی کنیم ، تمرکز داشته باشیم؛ این اغتشاش ظاهری کلمات و عبارات به طور طبیعی الگو خواهد پذیرفت. بیشتر سعی کنیم در جریان خوشه سازی غرق شویم. در این

وضعیت ما نقش کودکی را داریم که از هر اتفاق جدیدی شگفت زده می‌شود. انگار ما نیز کودکی شده ایم و بازی با ایده ها را تجربه می‌کنیم. در طول خوشه سازی به دو تجربه و نتیجه ی بسیار مهم دست پیدا می‌کنیم:

امکان انتخاب

مرکز ثقل

این دو، از پتانسیل های نوشتن طبیعی هستند که با این روش ها بالقوه و آزاد می‌شوند. در حقیقت پذیرش خوشه سازی به عنوان یک تکنیک موثر در نوشتن خلاق، پذیرش قدرت خلاق طبیعی کودکان (کودک درون) است. در حین این تجربه به این باور می‌رسیم که کم محتواترین کلمات هم تداعی های بسیاری دارند.

در حقیقت خوشه سازی، تندنویسی تفکر تصویری است.

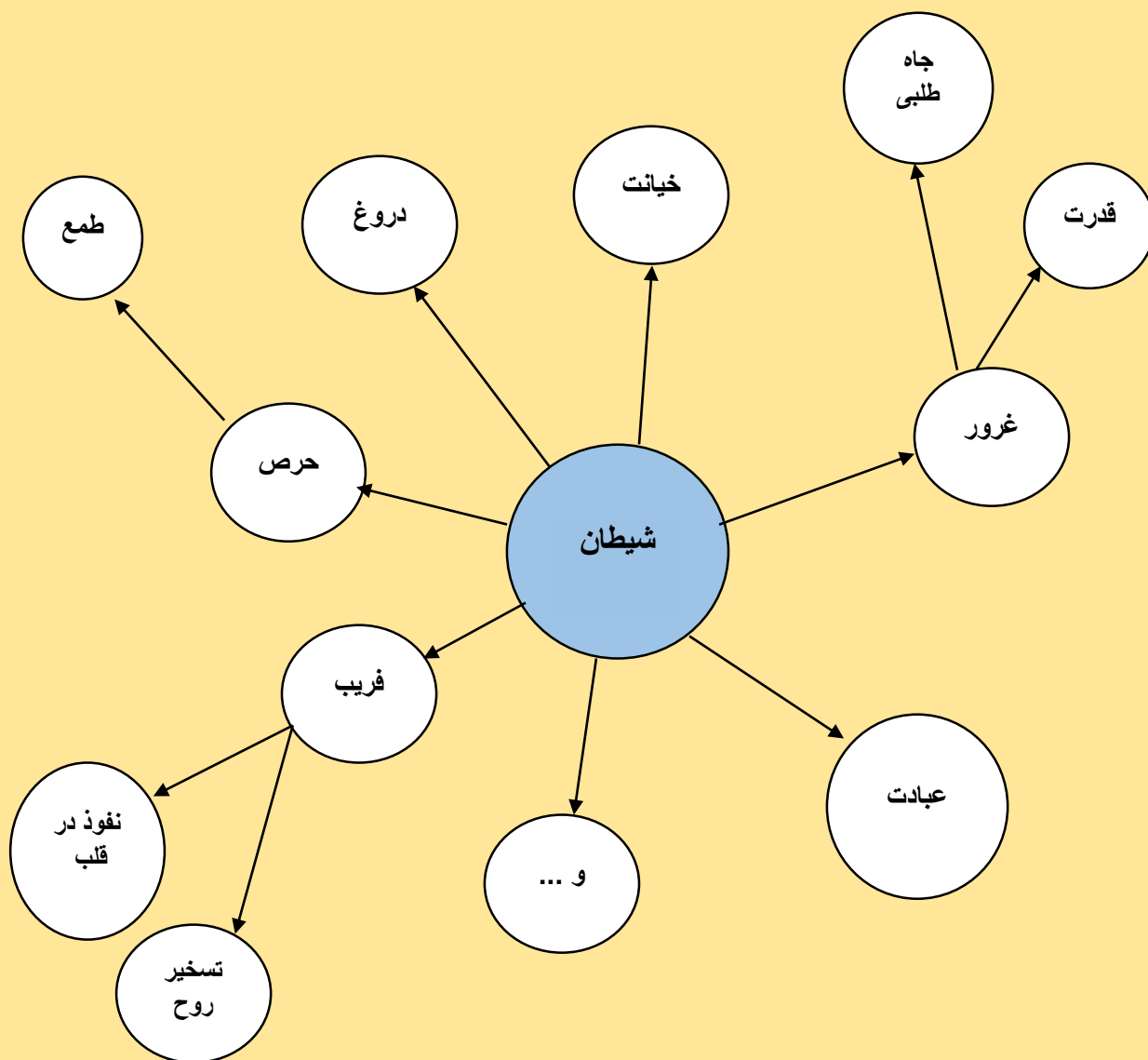
درنگی در قلمرو فعالیت ها

فعالیت 3

فعالیت 1

فعالیت 2

ووووو



۱. متن ذهنی که با استفاده از ناسازی معنایی (تضاد مفاهیم) خلق شده است:

بازی " آوا و سکوت"

روزی که درختان سکوت کردند
پرندگان کوچک بازیگوش از لابلای شاخه هایشان به پرواز
در آمدند
درختان سکوت کردند
اما؛
پرندگان ،
همان پرندگان بازیگوش را می گویم
موسیقی ذهن درختان را به گوش همه رساندند
سکوت درختان پر از آواهای شنیدنی بود
سکوتی پرهیاهو و سرشار از آواز و سرود
و در آن آواهایی شنیدنی و نواهایی پر رمز و راز موج می زد
یک متناقض نمای تمام عیار!
سکوت درختان، همه باغ را به بازی گرفته بود
بازی " آوا و سکوت"

(م. سجودی)

درس هشتم



نوشته های داستان گونه

عنوان : نوشته های داستان گونه

محتوا: شناخت عناصر اصلی داستان و خلق نوشته های داستان گونه .

مثل نویسی

باز آفرینی یک مثل
از میان مثل های
ارائه شده و گسترش
آن.

هنجار نوشتار

استفاده صحیح از
نشانه های انسجام
متن

کارگاه نوشتن

مشخص کردن
عناصر داستان در
نمونه ذکر شده .

خلق نوشته ای داستانی
بر اساس عناصر
داستانی.

ارزیابی نوشته پر
اساس سنجه ها

متن و تصویر

در این درس به چند
عناصر اصلی داستان
اشاره شده :

شخصیت پردازی
ماجرای داستان
فضا

روایت (شیوه بیان،
زاویه دید)

ذکر نمونه های
داستانی.

- آشنایی با داستانی نوشتن به عنوان یکی از گونه های نوشتن.
- آشنایی با شخصیت پردازی در نوشته های داستان گونه .
- آشنایی با طرح ماجرا و خلق حادثه .
- آشنایی با اهمیت فضا سازی در نوشته.
- تقویت توانمندی در به کارگیری زاویه دید مناسب در نوشته های داستان گونه.
- تقویت توانمندی معرفی شخصیت های داستان با بهره گیری از گفت و گو.
- توانایی درک فضای سازی داستان.
- توانایی خلق شخصیت هایی متناسب با فضای داستان.
- شناخت و درک اهمیت شیوه بیان به عنوان یکی از ارکان روایت.
- آشنایی با نمونه های ارزنده ای از داستان کوتاه .

روش های تدریس

روش تدریس همیاری گروهی

گام نخست : انتخاب داستان

ابتدا داستانی کوتاه را که متناسب با رده سنی دانش آموزان پایه دهم است ،انتخاب و آن را به صورت دقیق و کامل مطالعه می کنیم .

گام دوم : توزیع داستان

پس از گروه بندی یک نسخه از داستان را در اختیار هر یک از گروه ها قرار می دهیم .

گام سوم : تعیین وظایف

وظایف افراد درگروه را مشخص می کنیم .

ابتدا داستان در گروه خوانده می شود . در حین خواندن داستان هر یک از افراد گروه به جنبه خاصی از آن توجه می کنند .

نفر اول : تعیین شخصیت های اصلی و فرعی داستان و ثبت آن .

نفر دوم : نوشتن ماجرای داستان در چند سطر پس از شنیدن کل داستان .

نفر سوم :مشخص کردن فضای داستان. (فضای دوستانه، غم انگیز، شاد ، بدخواهانه و ...)

نفر چهارم : تعیین زاویه دید داستان و همچنین بررسی شیوه بیان آن.(از نظر خبری و یا حادثه ای بودن و ...)

گام چهارم :انجام کار به صورت انفرادی

داستان در گروه خوانده می شود و هر یک از اعضای گروه وظایف به تحلیل بخش مربوط به خود می پردازند.

گام پنجم: بررسی داستان به شیوه گروهی

در این مرحله هر یک از فراگیران با اعضای گروه، پیرامون عناصری که مورد بررسی قرار داده اند، به بحث و تبادل نظر می پردازند.

گام ششم: بررسی داستان در کلاس

سخنگویان هر گروه نتایج به دست آمده را در کلاس مطرح و در صورت نیاز اصلاحات احتمالی توسط معلم صورت می پذیرد. در صورتی که ابهامی در مورد هر یک از مراحل وجود داشته باشد توسط معلم برطرف می گردد.

گام هفتم: توزیع کاربرگ ها

در این مرحله به هر یک از گروه ها کاربرگ زیر ارائه می گردد
اعضای گروه با همفکری نمایه زیر را کامل می کنند. سپس بر اساس آن نوشته ای داستان گونه خلق می کنند.

عناصر داستان

زاویه دید
و شیوه بیان

فضای
داستان

شخصیت
های
داستان

ماجرای داستان

[illegible][illegible][illegible]A blue rectangular area with rounded corners, containing horizontal dashed lines for writing.

گام هشتم: ارائه داستان و نقد و بررسی آن

در این مرحله ابتدا یکی از اعضای هر گروه جدول عناصر داستان و سپس داستانی را که اعضای گروه بر اساس این جدول تهیه کرده اند در کلاس ارائه میدهد.

گروه های دیگر بر اساس سنجه های مورد نظر ، داستان را مورد نقد و بررسی قرار می دهند.

" داستان گلدسته ها و فلک "

بدیش این بود که گلدسته های مسجد بدجوري هوس بالارفتن را به کله آدم می زد. ما هیچ کدام کاری به کار گلدسته ها نداشتیم؛ اما نمی دانم چرا مدام توي چشم مان بودند. توي کلاس که نشستیم بودي و مشق می کردی یا توي حیاط که بازی می کردی و مدیر مدام پایي می شد و هی داد می زد که «اگه آفتاب می خوای و آن وقت از آفتاب که به سمت سایه می دویی یا از سایه به طرف». این ور، اگه سایه می خوای اون ور آفتاب، باز هم گلدسته ها توي چشمت بود. یا وقتی عصرهای زمستان می خواستی آفتابه را آب کنی و ته حیاط، جلوي ردیف مستراح ها را در یک خط دراز بپاشی تا برای فردا صبح یخ ببندد و بعد وقتی که صبح می آمدی و روی باریکه یخ سر می خوردی و لازم نداشتی پیش پایت را نگاه کنی و کافی بود که پاها را چپ و راست از هم باز کنی و میزان نگاه شان بداری و بگذاری روی یخ تا آخر باریکه بکشاندت؛ یا وقتی ضمن سریدن، زمین می خوردی و همان جور درازکش داشتی خستگی در می کردی تا از نو بلند شوی و دورخیز کنی برای دفعه بعد و در هر حال دیگر که بودی، مدام گلدسته های مسجد توي چشم هات بود و مدام به کله ات می زد که از شان بالا بروی

خود گنبد چنگی به دل نمی زد. لخت و آجری با گله به گله سوراخ هایی برای کفترها، عین تخم مرغ خیلی گنده ای از ته بر سقف مسجد نشسته بود؛ نخراشیده و زمخت. گنبد باید کاشی کاری باشد تا بشود بهش نگاه کرد؛ عین گنبد سید نصرالدین که نزدیک خانه اولی مان بود و می رفتیم پشت بام و بعد می پریدیم روی طاق بازارچه و می آمدیم تا دو قدمیش و اگر بزرگ تر بودیم؛ دست که دراز می کردیم؛ بهش می رسید؛ اما گلدسته ها چیز دیگری بود. با تن آجری و ترک ترک و سرهای ناتمام که عین خیار با یک ظرب چاقو کله شان را پرانده باشی و کفه ای که بالای هرکدام زیر پای آسمان بود و راه پله ای که لابد در شکم هر کدام بود و درهای ورودشان را ما از توي حیاط مدرسه می دیدیم که بیخ گلدسته ها روی بام مسجد سیاهی می زد. فقط کافی بود راه پله بام مسجد را گیر بیاوری. یعنی گیر که آورده بودیم؛ اما مدام قفل بود و کلیدش هم لابد دست موذن مسجد یا دست خود متولی. باید یک جوری درش را باز می کردیم؛ وگرنه راه پله خود گلدسته ها که در نداشت. از همین توي حیاط مدرسه هم می دیدی

بدی دیگرش این بود که نمی شد قضیه را با کسی در میان گذاشت. من فقط به موجهول گفته بودم؛ پسر صدیق تجار؛ که مرا سال پیش به این مدرسه گذاشت؛ یعنی یک روز صبح آمد خانه مان و در را به رویش باز کردم، گفت: «بدو برو لباس های تمیز تو بپوش و بیا. فهمیدی؟» حتی نگذاشت سلامش کنم؛ که دویدم رفتم تو و از مادرم پرسیدم که یعنی فلانی چه کارم داره؟ و مادرم گفت: «به نظرم می خواد بگذاردت مدرسه.» و آن وقت کت و شلواری را که بابام عید سال پیش خریده بود از صندوق در آورد و تنم کرد و فرستادم اتاق بابام. داشتند از خواص شال گسکر حرف می زدند. بابام مرا که دید، گفت: «برو دست و روت رم بشور، بچه.» که من درآمدم. صدیق تجار را می شناختم. حجره اش توي تیمچه حاج حسن بود و عباي نایینی و برک می فروخت. از مریدهای بابام بود. تا راه بیفتد، من یک خرده توي حیاط پلکیدم و رفتم سراغ گلدان های یاس و نارنج که به جان بابام بسته بود. روزی که اسباب کشی می کردیم، یک گاری درسته را داده بودند به گلدان ها و بابام حتی اجازه نداد که ما را بغل گلدان ها سوار کنند؛ از بس شورشان را می زد. دوتا از گل یاس ها را که بابام ندیده بود، تا بچیند، چیدم و گذاشتم توي جیب پیش سینه ام که صدیق تجار در آمد و دستم را گرفت و راه افتادیم. مدتی از کوچه پس کوچه ها گذشتیم که تا حالا از شان رد نشده بودم تا رسیدیم به یک در بزرگ و رفتیم تو. فهمیدم که مسجد است و صدیق تجار در آمد که: «این جا رو می گن مسجد معیر. ازون درش که بری بیرون درست جلوي مدرسه س. فهمیدی؟» و همین جور هم بود. بعد رفتیم توي دالان مدرسه و بعد توي یک اتاق و یک مرد عینکی پشت میز نشسته بود که سلام و علیک کردند و دوتایی یک خرده مرا نگاه کردند و بعد صدیق تجار گفت: «حالا پسر می آد با هم رفیق می شید. مدرسه خوبیه. نباید تنبلی کنی؟ فهمیدی؟»

که آن مرد عینکی رفت بیرون و با یک پسر چشم درشت برگشت. چشم‌هایش آن قدر درشت بود که نگو؛ عین چشم‌های دختر عمه‌ام که عید امسال همچو که لپش را بوسیدم؛ داغ شدم و صدیق تجار گفت: «بیا موجول. این پسر آقاس. می‌سپرمش دست تو. فهمیدی؟»

که موجول آمد دست مرا گرفت و کشید که ببرد بیرون. باباش گفت: «امروز ظهر باهات برو برسونس» «خونه‌شون بعد بیا. فهمیدی؟ اما نمی‌خواد با بچه‌های بقال چقالا دوست بشیدها. فهمیدی؟»

که موجول دست مرا کشید برد توی حیاط و همان پام را که توی حیاط گذاشتم، چشمم افتاد به گلدسته‌ها و هوس آمد. یک خرده که راه رفتیم، از موجول پرسیدم: «چرا سر این گلدسته‌ها بریده؟» گفت: «چم دونم. میگن معیرالممالک که مرد، نصبه کاره موند. می‌گن بچه‌هاش بی عرضه بودن.» گفتم: «معیرالممالک کی باشه؟»

«گفت: «چم دونم. بایس از بابام پرسید.» گفتم: «نه. نبادا چیزی ازش بپرسی گفت: «چرا؟»

«گفتم: «آخه می‌خوام ازش برم بالا»

«گفت: «چه افاده‌ها! مگه می‌شه؟ موذنش هم نمی‌تونه»

«گفتم: «گلدسته نصبه کاره که موذن نمی‌خاد»

بعد زنگ زدند و رفتیم سرکلاس و زنگ بعد موجول همه سوراخ سمبه‌های مدرسه را نشانم داد. جای خلاها را و آب انبارها را و نمازخانه را و پستوهاش و هی به کله آدم می‌زنه که ازشان بری بالا؛ اما دیگر چیزی به موجول نگفتم. معلوم بود که می‌ترسد و این مال اون سال بود. تا کم کم به مدرسه آشنا شدم. فهمیدم که معلم‌مان تو اتاق اول دالان مدرسه می‌خوابد و تریاک می‌کشد و اگر صبح‌ها اخلاش خوب است، یعنی کیفور است و اگر بد است، یعنی خمار است و مدرسه شش کلاس دارد و توی کلاس ششم، دیوارها پر از نقشه است و بچه‌هاش نمی‌گذارند ما بریم تو تماشا

بدی دیگرش این بود که از چنان گلدسته‌هایی، تنها نمی‌شد رفت بالا. همراه لازم بود و غیر از موجول، فقط اصغر ریزه را می‌شناختم و اصغر ریزه هم حیف که بچه بقال چقالا بود؛ یعنی باباش که مرده بود، اما داداشش دوچرخه ساز بود. خودش می‌گفت. عوضش خیلی دلدار بود و همه‌اش هم از زورخانه حرف می‌زد و از این که داداشش گفته وقتی قد میل زورخانه شدی با خودم می‌برمت. منم هرچه بهش می‌گفتم بابا خیال زورخانه را از کله‌ات به در کن فایده نداشت. آخر عموم که خودش را کشت، زورخانه کار بود و مادرم می‌گفت از بس میل گرفت نصف تنش لمس شد

رفاقتم با اصغر ریزه از وقتی شروع شد که معلم‌مان خمار بود و دست چپ مرا گذاشت روی میز و ده تا ترکه بهش زد. می‌گفت: «کراحت دارد اسم خدا را با دست چپ نوشتن.» یعنی اول دو سه بار بهم گفته بود و من محل نگذاشته بودم. آخر همه کارهام را با دست چپ می‌کردم. با دست راست که نمی‌تونستم. هرچه هم از بابام پرسیده بودم کراحت یعنی چه؟ جواب حسابی نداده بود؛ یعنی می‌خندید و می‌گفت: «تکلیف که شدی، می‌فهمی بچه.» تا آخر حوصله معلم‌مان سر رفت و ترکه را زد. هنوز یک ماه نبود که مدرسه می‌رفتم دست مرا می‌گویی، چنان باد کرد که نگو. زده بود پشت دستم و همچی پف کرده بود که ترسیدم. این جا بود که اصغر ریزه به دادم رسید. زنگ تفریح آمد برم داشت برد لب حوض مدرسه. دستم را کرد توی آب که اول سوخت و بعد داغ شد و بعد هم یک سقلمه زد پهلویم و گفت: «زکی! چرا عزا گرفتی؟ خوب خمار بودش دیگه. مگه ندیدی؟» آخر مثل این که داشت گریه‌ام می‌گرفت. من هیچی نگفتم؛ اما اصغر ریزه یک سقلمه دیگر زد به پهلویم و گفت: «زکی! انگار کن چشم چیت کوره. هان؟ اونوخت» «نمی‌خواستی ببینی؟ اگر دست چپ نداشتی چی؟ هان؟ گدای سرکوچه ما دست چپ نداره

و این جور بود که شروع کردم به تمرین نوشتن با دست راست و به تمرین رفاقت با اصغر ریزه. موجول هم شده بود مبصرکلاس و دیگر بهم نمی‌رسید. دو سه روز هم عصرها با اصغر ریزه رفتم دکان داداشش. قرار بود دوچرخه کوتاه گیر بیاوریم و تمرین کنیم؛ اما تو محل کسی دوچرخه کوتاه نداشت تا تعمیر لازم داشته باشد و تا دوچرخه قد ما پیدا بشود، آخر باید یک کاری می‌کردیم. نمی‌شد که همین جور منتظر نشست، این بود که یک روز صبح به اصغر گفتم: «اصغر، یعنی نمی‌شه رفت بالای این گلدسته‌ها؟»

«گفت: «زکی! چرا نمی‌شه؟ خیلی خوبم می‌شه. پس موذن چه جوری می‌ره بالاش؟»

«گفتم: «برو بابا. تو هم که هیچی سرت نمی‌شه. آخه اون کجا وایسه؟ وسط هوا؟
 «گفت: «خوب می‌شه بشینه دیگه. می‌ترسی اگه وایسه بیفته؟ من که نمی‌ترسم
 «گفتم: «تو که هیچی سرت نمی‌شه. موذن باید جا داشته باشه. عین مال مسجد بابام
 و همان روز عصر بردمش و جای موذن مسجد بابام را نشاناش دادم
 «گفت: «زکی! این که کاری نداره. یه اتفاق چوقی صاف رو پوشت بونه
 «گفتم: «مگر کسی خواسته از این بره بالا؟ تو هم آن قدر زکی نگو. به هرچیزی که نمی‌گن زکی
 و فردا ظهر که از در مدرسه در می‌آمدیم، دو تایی رفتیم سراغ در پلکان بام مسجد و مدتی با قفلش کند و
 کو کردیم. خوبیش این بود که چفت پای در بود؛ نه مثل مال اتاق عموم آن بالا و تازه از تو، که دست
 بابام هم بهش نمی‌رسید و آن روز صبح، شیشه بالایی اش را که با دسته هونگ شکست و مرا سر دست
 بلند کرد که به چه زحمتی از تو بازش کردم. آن وقت بابام مرا انداخت زمین و دويد تو اتاق و من از لای
 پاهاش دیدم که عموم زیر لحاف مچاله شده بود و یک کاسه لعابی بالا سرش بود و این مال آن وقتی بود
 که هنوز خانه‌مان نیفتاده بود توی خیابان
 و از آن روز به بعد، اصغرریزه هر روزی پچی یا میخی یا آچاری می‌آورد و عصرها با هم که از مدرسه
 در می‌آمدیم، می‌رفتیم سراغ قفل و به نوبت یکی‌مان اول دالان مسجد کشیک می‌داد و دیگری به قفل ور
 می‌رفت؛ ولی فایده نداشت. نه زورمان می‌رسید قفل را بشکنیم و نه خدا را خوش می‌آمد. قفل در پلکان
 هم مثل خود در پلکان بود؛ یا اصلاً مثل خود در مسجد. باید یک جوری بازش می‌کردیم
 بدی دیگرش این بود که سال پیش خانه‌مان را خراب کرده بودند و ما از سید نصرالدین اسباب کشی کرده
 بودیم به ملک آباد و من نه این محله جدید را می‌شناختم و نه همبازی بچه‌هایش بودم. خانه‌مان هم آن
 قدر کوچک بود، پنج تا که می‌شمردی از این سرش می‌رسیدی به آن سر. از آن روزی که مادرم صبح
 زود بیدارمان کرد و یکی یکی بشقاب مسی گود عدس پلو داد دست من و خواهر کوچکم و دختر عموم و
 دنبال کاری روانه‌مان کرد و آمدیم به این خانه. اصلاً شاید به علت همین خانه کوچک بود که مرا گذاشتند
 مدرسه. محضر بابام را که بسته بودند. روضه خوانی هفتگی هم که خلوت شده بود. عمرکشون رفته بود
 خانه داییم و سمنو پزون رفته بود خانه عمه و شب‌های شنبه دوره بابام هم دیگر فانوس کشی نبود تا مرا
 قلمدوش کند و ببرد مهمانی. خوب البته گنده هم شده بودم و دیگر نمی‌شد قلمدوشم کرد و حالا دیگر خود
 من شده بودم فانوس کش بابام؛ یعنی فانوس کش که نه؛ چون فانوس به قد سینه من بود. مادرم یک
 چراغ بادی روشن می‌کرد و می‌داد دستم که راه می‌افتادیم. من از جلو و بابام از عقب و وقتی می‌رسیدیم،
 چراغ را می‌کشیدیم پایین و می‌گذاشتیم بغل کفش‌ها و می‌رفتیم تو و همین جور موقع برگشتن؛ اما
 نزدیک‌های خانه‌مان که می‌رسیدیم، بابام تند می‌کرد و داد می‌زد که: «بدو جلو در بزن بچه.» به نظرم
 شانش می‌گرفت آن وقت توی تاریکی دویدن؟ و با قلوه سنگ‌ها که معلوم نیست چرا صاف از وسط زمین
 کوچه در آمده‌اند. خوب معلوم است دیگر. آدم می‌خورد زمین. وقتی می‌دونی که نمی‌توانی چراغ را دم
 پایت بگیری. این جوری بود که دفعه چهارم، دیگر پایم پیش نمی‌رفت که بشوم فانوس کش بابام. آن وقت
 صبح تا شام توی آن خانه کوچک به سر بردن که نه بیرونی داشت و نه اندرونی و نه چفته انگور داشت
 و نه لانه مرغ و نه زیر زمین و نه حتی از روی بامش می‌شد پرید روی طاق بازارچه و بعدش هم مدام با
 دو تا دختر ريقونه دمخور بودن که تا دستشان می‌زدی، جیغ شان در می‌آید؛ اما خوبیش این بود که دیگر
 اطاق عمو را نمی‌دیدي که از آن روز صبح به بعد، بابام چفت درش را انداخت و یک قفل هم بهش زد و
 هیچ کدام ما جرات نداشتیم شب‌ها از جلوش رد بشویم. باز اگر خود عمو بود حرفی بود که وقتی کاری
 داشت و می‌خواست مرا صدا بزند، داد می‌زد: «جونن نرگ شده!» یا عصرها برم می‌داشت می‌برد زیر
 بازارچه خرید و یک طرف تنش را روی زمین می‌کشید و ب و میم را نمی‌توانست بگوید و آب لب و
 لوجه‌اش می‌ریخت و برایم کشمش سبز می‌خرد و ازش که می‌پرسیدم عمو تو چرا این جوری شده‌ای؟
 می‌گفت: «ای، لچاره چیز خورم کرده.» زنش را می‌گفت که سر بند لمس شدنش ولش کرده بود و دخترش
 شده بود هم بازی خواهرم و حالا تنها دلخوشی در این خانه فسقلی، همان دو سه ماه یک بار شب‌های
 شنبه بود که دوره می‌افتاد به بابام و حسین سوری هم می‌آمد. گنده و چرک و پشمالو. یک پوستین داشت
 که همیشه می‌پوشید؛ اما زیرش لخت لخت بود. مجمعه حلبی‌اش را می‌گذاشت بغل کفش‌ها و عصا به دست

می‌رفت تو و از هر که سیگار می‌کشید، یکی دو تا می‌گرفت و یکیش را با زبان تر می‌کرد و آتش می‌زد و می‌کشید و بقیه را می‌گذاشت پر گوشش و بعد می‌رفت وسط مجلس و پوستینش را می‌زد کنار و تن پشمالوش را با آل اوضاع سیاه و دراز اش می‌انداخت بیرون و بابام با رفقاییش کرکر می‌خندیدند و مرا که چای و قلیان می‌بردم و می‌آورد، می‌فرستادند دنبال نخودسیاه و آن وقت من می‌رفتم از پشت شیشه اتاق زاویه تماشا می‌کردم. حسین سوری یکی دو بار دیگر همان کار را می‌کرد و یک خرده هم می‌رقصید و بعد مجمعه‌اش را با میوه و آجیل و شیرینی پر می‌کرد و می‌گذاشت سرش می‌رفت دم در و همه را می‌داد به گداگشنه‌هایی که همیشه دنبالش می‌آمدند این جور جاها و دم در منتظرش می‌نشستند. غیر از این، دلخوشی دیگری در این خانه تازه نبود. تا مرا گذاشتند مدرسه و راحت شدم و حالا غیر از موچول و اصغرریزه، با سه چهار تا دیگر از هم کلاسی‌ها هم بازی شده بودم و داداش اصغر یک دوچرخه زنانه خریده بود که به بچه‌ها کرایه می‌داد و ما سه چهار تایی با همان دوچرخه تمرین کرده بودیم و بلد شده بودیم که روی رکاب ایستاده پا بزنیم و حتی یک روز هم من، اصغرریزه را نشاندم ترکم و رفتیم تا میدان ارک. دوچرخه سواری را که یاد گرفتیم، باز رفتیم توی نخ گلدسته‌ها؛ یعنی مدام من پایی می‌شدم. تا اصغرریزه یک روز که آمد مدرسه، یک دسته کلید هم داشت

«ازش پرسیده: «ناقلا از کجا آوردیش؟

«گفت: «زکی! خیال می‌کنی کش رفتم؟

«گفتم: «پس چی؟

«گفت: «از داداشم قرض گرفته‌م، بهش پس می‌دیم

.سه روز طول کشید تا عاقبت با یکی از آن کلیدها قفل پای در پلکان مسجد باز کردیم

بعد از ظهري بود و هوا آفتابی بود و باریکه یخ سرسره مان روزها هم آب نمی‌شد و بچه‌ها سرشان گرم بود و ما روی بام مسجد که رسیدیم، تازه بچه‌ها دیدن مان و شروع کردند به هو کردن و سوز هم می‌آمد که ما تپیدیم توی راه پله گلدسته. اصغر، ریزه‌تر بود و افتاد جلو و من از عقب. زیر پامان چیزی خرد می‌شد و ریزریز صدا می‌کرد. به نظرم فضله کفتر بود که بوی تندش در هوای بسته پلکان نفس را می‌برید. اول تند و تند می‌رفتیم بالا؛ اما پله‌ها گرد بود و پیچ می‌خورد و باریک می‌شد و نمی‌شد تند رفت. نفس نفس هم که افتاده بودیم؛ اما از تک و توک سوراخ‌های گلدست هوار بچه‌ها را می‌شنیدیم و از یکی‌شان که رو به مدرسه بود، یک جفت کفتر پریدند بیرون و ما ایستادیم به تماشا تا خستگی پاهامان در برود. همه‌شان جمع شده بودند وسط حیاط و گلدسته را نشان هم دیگر می‌دادند. خستگی‌مان که در رفت دوباره راه «افتادیم به بالا رفتن. اصغر نفس زنان و همان جور که بالا می‌رفت گفت: «زکی! نکنه خراب بشه؟

«گفتم: «برو بابا تو که هیچی سرت نمی‌شه. مگر تیر به این کلفتی رو وسطش نمی‌بینی؟

اما سرش به بالایی گلدسته که رسید ایستاد. هنوز سه تا پله باقی داشتیم؛ اما ایستاده بود و هن هن می‌کرد و آفتاب افتاده بود به سرش. خودم را کنار کشیدم بالا و از جلوی صورتش که رد می‌شدم: «تو که می‌گفتی کوتاهه؟» و سرم را بردم توی آسمان و یک پله دیگر و حالا تا نافم در آسمان بود و چنان سوزی می‌آمد که نگو. پایین را که نگاه کردم، خانه‌های کاه گلی بود و زنی داشت روی بام خانه دوم، رخت پهن می‌کرد و مرا که دید، خودش را پشت پیراهنی که روی بند می‌انداخت، پوشاند و من به دست چپ پیچیدم. گنبد سید نصرالدین سبز و براق آن روبرو بود و باز هم گشتم و این هم مدرسه؛ که یک مرتبه هوار بچه‌ها بلند شد. دست‌هاشان به اندازه چوب کبریت دراز شده بود و گلدسته را نشان می‌دادند. مدیر هم بود. دو سه تا از معلم‌ها هم بودند که داشتند با مدیر حرف می‌زدند. سرم را کردم پایین و گفتم: «اصغر

».بیا بالا. نمی‌دونی چه تموشایی داره

«گفت: «آخه من سرم گیج می‌ره

«گفتم: «نترس. طوری نمی‌شه

که اصغر یک پله دیگر آمد بالا. به همان اندازه که بچه‌ها کله‌اش را از پایین دیدند و از نو هوارشان در

«آمد و فراش مدرسه دوید به سمت مدرسه. اصغر هم دید؛ گفت: «زکی! بد شدش. همه دیدن مون

«گفتم: «چه بدی داره؟ کدومشون جرات می‌کنن؟

«اصغر گفت: «می‌گم خیلی سرده. بریم پایین

«گفتم: «یه دقه صبرکن. این ور و ببین. اگه گفתי نوک گنبد چه قدر از ما بلندتره؟»
 «گفت: «می‌گم سرده. دیگه بریم
 «گفتم: «اگه گلدسته‌ها نصفه کاره نمونده بود!... مگه نه؟
 «گفت: «زکی! نیگا کن مدیر داره برامون خط و نشون می‌کشه
 «گفتم: «حیف که نمی‌شه رفت بالاتر، چطوره سرش وایسیم؟
 و یک پایم را گذاشتم سر کفه گلدسته که بند آجرهاش پر از فضله کفتر بود؛ که اصغر پای دیگر مرا
 «چسبید و گفت: «مگه خری؟ باد میندازدت. مدیر پدرمونو در می‌آره
 «گفتم: «سگ کی باشه! خود صدیق تجار منو سپرده دستش
 و با پای دیگرم که در بغل اصغرریزه بود، احساس کردم که دارد می‌لرزد. گفتم: «نترس پسر. با این دل و
 «جرات می‌خوای بری زورخونه؟
 گفت: «زکی! زورخونه چه دخلی داره به این گلدسته قراضه؟» گفتم: «برو بابا تو که هیچی سرت
 «نمی‌شه... خوب بریم
 که پایم را رها کرد و سرید پایین. او از جلو و من به دنبال. سه چهار پله که رفتیم پایین. گفتم: «اصغر
 «چرا این جور شد؟ پای تو هم گرفته؟
 «گفت: «زکی! سوز خوردی چاییده
 چند پله که رفتیم پایین، پام گرم شد و بعد پله‌ها تاریک شد و از نو سوراخ‌های گلدسته و جماعت بچه‌ها
 که آن پایین هنوز دور هم بودند و بعد روشنایی در پلکان که از نو پله‌ها را روشن کرد و سایه فراش که
 افتاده بود روی پله‌های اول. اصغر را نگه داشتم و از کنارش خزیدم و جلوتر از او آمدم بیرون. فراش در
 «آمد که: «ور پریده‌ها! اگه می‌افتادین کی تونون می‌داد؟ هان؟
 و دستمان را گرفت و همین جور ورپریده گفت تا از پلکان مسجد رفتیم پایین و از مسجد گذشتیم و رفتیم
 توی مدرسه. از در که وارد شدیم، صف‌ها بسته بود و کنار حوض بساط فلک آماده بود. صاف رفتیم پای
 فلک. دوتا از بچه‌های ششم آمدند سر فلک را گرفتند و فراش مدرسه اول اصغر را و بعد مرا خواباند.
 پای چپ من و پای راست او را گذاشت توی فلک. بعد کفش و جوراب مرا در آورد و بعد گیوه اصغر را از
 پایش کشید بیرون که مدیر رسید
 «ده، بی غیرتای پدرسوخته! حالا دیگه سرمناره میرین؟... چند تا پله داشت؟»
 اول خیال کردم شوخی می‌کنه. نه من چیزی گفتم، نه اصغر. که مدیر دوباره داد زد: «مگه نشنیدین؟ چندتا
 «پله داشت؟
 «که یک هو به صرافت افتادم و گفتم: «همه ش ده دوازده تا
 «!و اصغرریزه گفت: «نشمریدم آقا. به خدا نشمریدم
 مدیر گفت: «که ده دوازده تا. هان؟ پنجاه تا بزن کف پاشون تا دیگه دروغ نگو.» که کف پام سوخت؛ اما
 شلاق نبود. کمربند بود که فراش مان از کمر خودش باز کرده بود و می‌برد بالای سرش و می‌آورد پایین.
 گاهی می‌گرفت به چوب فلک. گاهی می‌گرفت به میج پامان؛ اما بیشتر می‌خورد کف پا و هی زد و آی زد!
 من برای این که درد و سوزش را فراموش کنم، سرم را گرداندم به سمت گلدسته‌ها که سربریده و نیمه
 کاره در آسمان محل رها شده بودند و داشتم برای خودم این فکر را می‌کردم که اگر نصفه کاره نمانده
 بودند... که یک مرتبه اصغر به گریه افتاد
 «غلط کردم آقا. غلط کردم آقا»
 که با آنجم یکی زدم به پهلویش که ساکت شد و بعد مدیر به فراش گفت، دست نگه داشت و بعد پامان را
 که باز می‌کردند، زنگ زدند و صف‌ها راه افتادند به سمت کلاس‌ها و ما بلند شدیم و من همچو که کف پایم
 را گذاشتم زمین، چنان سوخت که انگار روی آتش گذاشته بودنش. مثل این که چشمم پر اشک بود که
 «!اصغرریزه در آمد: «زکی! گریه نداره. داداشم آن قدر فلکم کرده
 و من جورابم را برداشتم پا کنم که اصغر دستم را گرفت و گفت: «زکی! این جور می‌شه. پدر پات
 «در می‌آد. بایس بکنیش تو آب سرد
 و خودش کون خیزه کنان راه افتاد و رفت به سمت حوض. که یک تیر دراز گیر کرده بود و وسط یخ کلفت

رویش و اطراف حوض گله به گله جای ته آفتابه سوراخ شده بود و دست به آب می‌رسید. اصغر نشست لب پاشوره و پایش را یک هو کرد توی آب. دیدم که چشم‌هایش را بست و دندان‌هایش را به هم زور داد و گفت «مادرسگ». وبعد مرا صدا کرد که رفتم و پام را بی هوا تپاندم توی آب. چنان دردی آمد که انگار گذاشته بودمش لای گیره آهن دکان دادشش که بی اختیار از زبانم در رفت: «مادرسگ». و آن وقت بود که گریه‌ام در آمد. یک خرده برای خودم گریه کردم. بعد دولا شدم و آب زدم به صورتم و پام را که با پاچه دیگر شلوارم خشک می‌کردم تا جوراب بپوشم، آب سوراخ از تکان افتاد و چشمم افتاد به عکس گنبد و گلدسته‌ها که وسط گردی آب بود. یک خرده نگاه شان کردم و بعد سرم را بلند کردم و خود گلدسته‌ها را دیدم و بعد کفشم را پوشیدم و لنگ لنگان راه افتادم به طرف در مدرسه. اصغر بازوم را گرفت و کشید و گفت: «زکی! کجا داری می‌ری؟»

«گفتم: «مگه یادت رفته؟ درو نبستیم.»

و قفل را که توی جیبم بود، در آوردم و نشانش دادم و با هم رفتیم. از مدرسه بیرون رفتیم و بی این که مواظب چیزی باشیم یا لازم باشد کشیک بدهیم، دوتایی چفت در پلکان مسجد را انداختیم و قفل را بهش زدیم و بعد روی پلکان، پای در نشستیم و یک خرده دیگر پایمان را مالانیدیم و دوباره راه افتادیم و تا به دکان داداش اصغرریزه برسیم، درد و سوزش پا ساکت شده بود و غروب وقت داشتیم که توی ارک دوچرخه سواری کنیم.

(جلال آل احمد، پنج داستان)



کارگاه نوشتن فعالیت نگارشی اول:

شخصیت‌ها:

شخصیت اصلی مرد و شخصیت‌های فرعی کوزه قدیمی و کوزه نو.

ماجرای:

مردی با دو کوزه برای خانواده اش آب می‌برد. یکی از کوزه‌ها سالم و مغرور و دیگری ترک خورده است. کوزه ترک خورده به خاطر نقصی که دارد از مرد عذرخواهی می‌کند. مرد برای او شرح می‌دهد که چون از مشکل کوزه آگاه بوده در مسیر بذریه گیاه کاشته و از این نقص و کاستی به خوبی بهره برده است.

فضا :

داستان روستایی قدیمی و دور افتاده را نشان میدهد و قهرمان داستان با سرزندگی و خوش فکری فضایی امیدوارکننده ایجاد کرده است.

روایت : در این داستان از شیوه روایی استفاده شده است .

زاویه دید داستان : سوم شخص



برای اینکه بتوانیم داستان بنویسیم، لازمه که راه و روش آن را بلد باشیم. پس اگر تا حالا سعی کردیم یک داستان خوب بنویسیم ولی نتوانستیم، برای این است که بدون توجه به اصول، شروع به نوشتن کردیم.

الف (طرح داستان

داستان برای شکل گرفتن و کامل شدن نیاز به زمان دارد و داستان نویس در نوشتن آن نباید عجله کند. زیرا سوژه ای که به ذهن شما می آید باید مدتی در ذهنتان باقی بماند تا هم در زمینه های مختلف مطالعه کنید و هم در مورد عناصر تشکیل دهنده ی آن فکر کنید. هر داستانی بعد از مدتی، خودش مانند میوه ای رسیده، از شاخه ی ذهنتان جدا می شود و روی صفحه ی سفید دفترتان می افتد. برای این کار داستان باید مراحل زیر را بگذراند : ۱ - موضوع یابی ۲ - پیام داستان ۳ - طراحی داستان ۴ - رشد و پرداخت داستان

۱ - داستان نویس قبل از هر چیز باید بداند که قصد دارد درباره ی چه موضوعی داستان بنویسد.

۲ - از هر موضوعی باید در حدّ خودش انتظار رشد داشت. مثلاً اگر بخواهید رمانی طولانی بنویسید، باید موضوعی را انتخاب کنید که بتوان روی آن بیشتر کار کرد و همچنین نباید با موضوع های بلند، داستان های کوتاه بنویسید که باعث ورود حوادث پشت سر هم یا ورود شخصیت های

گونگون که درست معرفی نمی شوند و در ذهن خواننده باقی نمی ماند و باعث سر در گمی او می شوند .

۳ - پیام داستان نباید مستقیم بیان شود. بلکه باید مانند یک قند که در آب حل شده است، طوری در داستان به خواننده ارائه شود که دیده نشود ولی خواننده در طول استان آن را احساس کند. برای این کار باید در انتخاب شخصیت ها، حوادث، گفتگوها و ... دقت بسیار زیادی به خرج داد. زیرا هریک از این عناصری که در خدمت پیام هستند، می توانند پیام را با قدرت بسیار زیاد به نمایش بگذارند.

۴ - یک نویسنده برای نوشتن داستانش باید نقشه داشته باشد. نقشه‌ی نویسنده برای نوشتن داستان را، «طرح داستان» می گویند. پس از آماده و تکمیل کردن طرح داستان است که نویسنده می تواند به سراغ نوشتن خود داستان برود.

۵ - طرح داستان باید روشن و کامل باشد؛ یعنی معلوم باشد که داستان از چه نقطه ای شروع شده، چه مسیری را طی کرده و چطور به پایان رسیده است. کمترین توقعی که خواننده پس از خواندن داستان دارد، این است که بتواند طرح آن را تعریف بکند. یعنی بگوید که داستان درباره‌ی چه کس و یا چه چیزی بوده، چگونه شروع شده، چطور ادامه پیدا کرده و چطور پایان یافته است.

۶ - باید برای هر عمل و حادثه ای که در داستان اتفاق می افتد، دلیل روشن و محکمی ارائه داد و علت بروز آن عمل و حادثه نیز در داستان باید به نحوی روشن باشد.

۷ - در هر طرح باید شخصیت اصلی، حادثه ی اصلی، زمان و مکانی که حادثه در آن روی داده است، کاملاً روشن و مشخص باشند.

۸ - طرح داستان باید در خدمت پیام داستان باشد. گاهی اوقات در حین نوشتن و تکمیل کردن طرح داستان، حوادث پرهیجان و یا شخصیت های جالبی به ذهن نویسنده می رسد که نه تنها نقشی در انتقال پیام ندارد، بلکه باعث کم رنگ شدن آن نیز می شود.

ب (شخصیت پردازی

۱ - پرداخت مستقیم خصوصیات شخصیت ها معمولاً در داستان هایی صورت می گیرد که شخصیت های بسیار زیادی دارند و نویسنده در طول داستان، مجال پرداخت غیر مستقیم مشخصات آن ها را پیدا نمی کند و به همین خاطر خصوصیات شخصیت ها را در یک یا دو جمله از زبان خود و یا یکی از شخصیت های داستان بیان می کند . در داستان هایی که یک یا دو شخصیت اصلی دارند ، این کار از قوت داستان می کاهد و نویسنده باید به طور غیر مستقیم - یعنی از طریق گفتار و کردار آن شخصیت ها - به آن ها پردازد.

۲ - باید خصوصیات شخصیت هایی را بیان کرد که در داستان نقش اصلی را دارند . در غیر این صورت ، باعث پراکندگی ذهن خواننده می شود .

۳ - نباید همه ی لحظاتی را که بر شخصیت های داستان می گذرد ، با ذکر جزئیات در داستان بیاوریم ، بلکه تنها لحظاتی را باید در داستان آورد که در آن زمان ، حوادث خاص - که در طرح داستان نقشی داشته باشند - اتفاق می افتد . از روی لحظات دیگر می توان بسیار راحت و تنها با اشاره گذشت .

۴ - داستان هایی که از زبان اول شخص تعریف می شوند ، داستان های عاطفی و دارای فضای صمیمانه هستند و داستان هایی که از زبان سوم شخص روایت می شوند ، داستان های حادثه ای هستند و بهتر است که جای این دو را رعایت کنیم .

انواع شخصیت در داستان:

شخصیت اصلی :

شخصیت اصلی شخصیتی است که همه ی حوادث و شخصیت ها به معرفی او می پردازند. اوست که حوادث مهم را پیش می برد و از همه مهم تر سرنوشت و پایان ماجراهای اوست که اهمیت پیدا می کند. به چنین شخصیتی، شخصیت اول یا اصلی می گویند. به عبارت دیگر، مهم ترین شخصیت داستان، شخصیتی محوری است که همه ی طرح و پرداخت داستان در جهت معرفی و مشخص کردن سرنوشت او به کار گرفته می شوند و محوریت حوادث بر رفتار، اعمال، اندیشه و احساسات او قرار می گیرند. شخصیت اصلی کشمکش خود را با زنجیره ای از حوادث پیش می برد و ساختار روایی داستان را ایجاد می کند. شخصیت اصلی، مهم ترین درون مایه، پیام و یا حس داستانی را منتقل می کند و یا دست کم در انتقال آن نقش اساسی دارد.

نمونه هایی از شخصیت اصلی در داستان:

در رمان « چشم هایش»، از « بزرگ علوی»، « استادماکان» شخصیت اصلی و محوری است. در رمان « سرخ و سیاه»، « ژولیان» شخصیت اصلی است. اوست که حوادث را پیش می برد و پایان و سرنوشت اوست که برای خواننده اهمیت پیدا می کند. « خالد» قهرمان رمان « همسایه ها» نوشته ی « احمد محمود» شخصیت اصلی است. « بابا سبحان» در « آوسنه باب سبحان» اثر « محمود دولت آبادی»، « آهوخانم» در « شوهر آهوخانم» از « علی محمد افغانی»، « مرسو» در « بیگانه» اثر « آلبر کامو»، و « اما بوواری» در « مادام بوواری» اثر « گوستاو فلوبر» نمونه هایی از صدها نمونه ی شخصیت اصلی هستند که می توان نام برد. « فردی راکه در محور مرکز داستان کوتاه و رمان یا نمایش نامه و فیلم نامه قرار می گیرد و نویسنده سعی می کند که توجه خواننده یا بیننده را به او جلب کند، شخصیت اصلی می گویند. « شخصیت اصلی»، گاهی مترادف «

قهرمان اصلی» می‌آید، گرچه ضرورتی ندارد که شخصیت اصلی همیشه خصوصیت های قهرمانی داشته باشد.» « شخصیت اصلی، خوب یا بد، همواره با نیرویی معارض به کشمکش برمی‌خیزد. از وقتی که « کشمکش میان شخصیت اصلی با معارضش» آغاز می‌شود، « پیرنگ داستان» شکل می‌گیرد. در داستان « داش آکل» نوشته ی « صادق هدایت»، « داش آکل»، شخصیت اصلی داستان و « کاکا رستم» شخصیت مخالف اوست، که این ها در برابر هم قرار می‌گیرند.»

شخصیت‌های پویا و ایستا:

یکی از انواع تقسیم‌بندی‌های شخصیت ، شخصیت‌های ایستا و شخصیت‌های پویا (متحول) هستند .

شخصیت ایستا:

شخصیتی که در داستان تغییر نکند یا اندک تغییری پذیرد و در پایان داستان همان باشد که در آغاز بوده است طوری که حوادث داستان بر او تأثیر نگذارد .

به عنوان نمونه «خورشید شاه» قهرمان داستان «سَمَك عیار» با همه ی تحولاتی که پشت سر می‌گذارد باز در پایان داستان همان شخصیت آغاز قصه را دارد.

شخصیت پویا:

شخصیتی که مداوم در طول داستان، دچار تغییر و تحول شود و جنبه‌ای از شخصیت او، عقاید و جهان‌بینی او یا خصلت و خصوصیات شخصی او دگرگون شود. این دگرگونی در شخصیت ممکن است عمیق یا سطحی و پیش‌پا افتاده، پردامنه یا محدود باشد. ممکن است در جهت سازندگی شخصیت‌ها یا تخریب و ویرانگری آنها عمل کند. یعنی در جهت متعالی‌کردن فرد یا در زمینه ی تباهی و نابودی او پیش برود. این تغییر اساسی و حائز اهمیت است و تغییر لحظه‌ای و زودگذر نیست که حالت یا عقیده شخص را دگرگون نماید.

شاهکارهای ادبی اغلب دارای شخصیت‌های پویا هستند. شخصیت‌های آنها در سیر حوادث تغییر و تحول می‌یابد. در واقع از قانون طبیعت و زندگی بشری پیروی می‌کنند و تحول می‌شوند. انسان چون موجودی پویا است. وقایع و اوضاع اجتماعی باعث تغییر در ابعاد شخصیتی او می‌گردد و او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رمان نمایشگر این تغییر و دگرگونی است. البته در هر داستانی نمی‌توان انتظار تحول شخصیت‌ها را داشت. در داستان کوتاه مجالی برای این امر نیست و در صورت تغییر اغلب شخصیت اصلی رمان تحول می‌شود و شخصیت‌های دیگر داستان کمتر مجال دگرگونی دارند

بنابراین در «اغلب داستانهای کوتاه ممکن است شخصیت‌های ایستایی باشند که در طول داستان خصوصیات ثابت داشته باشند یا اندک تغییری یابند. در داستانهای بازاری، جنایی و پلیسی تغییرات در شخصیت‌ها اغلب سرسری، کاذب و ناگهانی است و صرفاً برای رضایت خواننده و پایان خوشی است که داستان پیدا می‌کند. این چنین تغییرات کمتر باورکردنی و معقول به نظر می‌رسد. برای قانع کردن خواننده باید سه عامل مهم، یعنی امکانات شخصیت، اوضاع و احوال و مقتضیات زیستی محیط و زمان را در نظر گرفت. تغییر و تحول شخصیت باید سه اصل را داشته باشد

✓ تغییرات و دگرگونی‌ها باید در حد امکانات آن شخصیتی باشد که این تغییرات را موجب می‌شود.

✓ تغییرات باید معلول اوضاع و احوالی باشد که شخصیت در آن واقع است.

✓ زمان کافی برای انجام این تغییرات وجود داشته باشد تا به تناسب درجه اهمیت آن تغییرات باورکردنی جلوه کند.

پس تغییر باید اساسی صورت گیرد و زمان در آن بسیار مهم است. چرا که تغییر ناگهانی در نظر خواننده باورکردنی و واقعی نیست.

شخصیت قالبی :

شخصیت‌هایی که به صورت نسخه بدل یا کلیشه‌ی شخصیت‌های دیگری باشند. شخصیت‌های قالبی از خود هیچ تشخیصی ندارد و بی‌هویت هستند. ظاهر آنها آشنا و صحبت‌های آنها قابل پیش‌بینی است. طرز عمل و نوع رفتارشان مشخص است چرا که دارای الگوی رفتاری هستند که ما با آن قبلاً آشنا شده‌ایم. این نوع شخصیت‌ها در اطراف ما بسیارند و در زندگی روزمره به چشم می‌خورند. «متمایزترین آنها شخصیت‌هایی هستند که به شخصیت قالبی و ساختگی خود، جنبه‌ی حرفه‌ای و کسب و کار داده‌اند مثل منشی‌ها. شخصیت‌های ساختگی مثل روشنفکران، مقدس‌مآب، مظلوم‌نما که از گفتار و طرز رفتار آنها به خصوصیت‌های قالبی شخصیت آنها پی می‌بریم.

نویسندگانی که بیش از حد به شخصیت‌های قالبی و شناخته شده روی می‌آورند، چندان به خود زحمت نمی‌دهند که به دنبال شخصیت‌های واقعی باشند و به همین دلیل نمی‌توانند شخصیت‌های زنده‌ای بیافرینند. یکی از دلایل این امر را می‌توان کمبود استعداد هنری در خلق شخصیت‌ها دانست به همین دلیل نویسنده نمی‌تواند شخصیتی را که دارای انسجام کافی باشد خلق نماید. در این گونه آثار همه‌ی شخصیت‌ها به هم شباهت دارند و به آسانی می‌توان آنها را به آثار دیگر منتقل کرد.

در آثار نویسندگان بزرگ از شخصیت‌های قالبی اثری دیده نمی‌شود. به عنوان نمونه در «جنگ و صلح» تولستوی پانصد و پنجاه شخصیت وجود دارد و هر کدام از آنها انسانی یگانه و منحصر به فرد است.

شخصیت‌های قراردادی :

این گونه شخصیت‌ها افراد شناخته‌شده‌ای هستند که مرتباً در نمایشنامه‌ها و داستانها ظاهر می‌شوند و خصوصیتی جاافتاده و سنتی دارند. این نوع شخصیت‌ها به شخصیت‌های قالبی بسیار نزدیکند و گاه تشخیص این دو از هم دشوار است. «اولین بار این شخصیت‌ها در نمایشنامه‌های کلاسیک ظاهر شده‌اند.» و در تأثرهای یونان باستان و بعدها در دیگر انواع ادبی جایی برای خود بازکردند. «در قصه‌های قدیمی غول‌ها، پری‌ها، جادوگرها، آدمهای خسیس، آدمهای سخاوتمند شخصیت‌های قراردادی بودند که در توصیف خصوصیت‌های آن مبالغه می‌شد.» از دیگر شخصیت‌های قراردادی در گذشته پهلوانان، عیارها، وزیران دست راست و دست چپ و دلقک‌ها را می‌توان نام برد. هر کدام از این شخصیت‌ها مظهر و نمادی از یک رفتار بودند. مثلاً پهلوانان طرفدار عدل و راستی و عیارها مظهر جوانمردی و طرفدار قشر محروم جامعه بودند. در داستان «حاجی‌آقا» هدایت الگویی از شخصیت‌های قراردادی گذاشته است و حاجی شخصیتی خسیس نشان داده شده است. از خصوصیات شخصیت‌های قراردادی، تازه نبودن خصایص آنهاست و به همین دلیل ما از دیرباز با آنها آشنا هستیم و می‌توانیم رفتار و گفتار آنها را حدس بزنیم.

شخصیت‌های نوعی: این نوع شخصیت نشان‌دهنده خصوصیات گروه یا طبقه‌ای از مردم است که این خصوصیت‌ها او را از دیگران متمایز می‌کند. برای خلق چنین شخصیتی «باید حقیقت را از چند نمونه زنده و واقعی گرفت.» و بعد با مهارت و هنرمندی در هم آمیخت تا بتوان به شخصیت نوعی مورد نظر دست یافت. شخصیت‌های نوعی، همچون شخصیت‌های قراردادی نیازمند وامدار کیفی سنتهای ادبی نیستند. ممکن است خصلت یا رفتار تازه‌ی گروهی یا طبقه‌ی خاصی را نشان دهند که در ادبیات سنتی مانند آنها نباشد. مثل خصوصیت‌های نوعی وکیل‌های حيله‌گر و مکار. اگر در طی زمان خصوصیت‌های نوعی دستخوش تغییر و دگرگونی شوند و مصداق خود را از دست بدهند، دیگر نمی‌توان این شخصیت‌ها را نوعی حساب کرد، بلکه در حیطه‌ی شخصیت‌های قراردادی از آنها یاد می‌شود.

پ (اسم داستان

اسم داستان باید جدید ، جاذبه برانگیز و خوش آهنگ باشد . اسم داستان نباید طرح داستان را لو بدهد و همچنین باید در ارتباط منطقی با فضای داستان باشد .

بهتر است اسم داستانتان را در آخر انتخاب کنید . زیرا در طول نوشتن داستان ، ذهن شما داستان را تغییر می دهد و داستانی که در ابتدا قصد داشتید بنویسید همانی نیست که حالا نوشته اید .

(داریوش عابدی، پلی به سوی داستان نویسی)

دیدگاه

دیدگاه به معنی زاویه دید را نباید با اعتقاد یا نظر فرد اشتباه گرفت . زاویه دید نقطه ای است که کار از آن نقطه مشاهده میشود .

انواع زاویه دید :

✓ اول شخص (من یا ما)

✓ دوم شخص (تو یا شما)

✓ سوم شخص (او یا آنها)

نمونه برای دوم شخص : سوار ماشینت میشوی و میبینی باقی مانده غذا ها هنوز روی صندلی جلو باقی مانده است . همان موسیقی مخصوص برنامه ی ساعت نه پخش میشود .

نمونه برای سوم شخص : از میان جمعیت منتظر برای قطار به سختی خود را بیرون کشید . از پله های برقی بالا رفت . احساس سبکی میکرد . ناگهان به یاد آورد که کیف لب تاپ اش را در قطار جا گذاشته است .

نمونه برای اول شخص : با احتیاط شیشه را پایین کشید . پانصد تومانی کهنه را از لای شیشه بیرون انداخت . دخترک دستان یخزده خود را بالا برد ی خود را بالا برد و ...
در ائل شخص شخصیت داستان را روایت میکند "من" نویسنده نیست . مگر آنکه زندگی نامه خود را نوشته باشد .

دوم شخص کاربرد محدودی دارد . در این دیدگاه خطاب مستقیم داریم تا خواننده را به شخصیت تبدیل کنیم (تو به دانشگاه میروی)

معمول ترین دیدگاه در ادبیات معاصر اول شخص و سوم شخص است .
اگر به یک مهمانی خانوادگی که تازگی در آن شرکت فکر کنیم فکر کنید و بخواهید آن را بنویسید هر کدام از شرکت کنندگان ، مهمانی را به گونه ای روایت خواهند کرد .

برای تمرین بیشتر در این بخش میتوان به موقعیت زیر توجه کرد:
نوشتن حادثه تصادف دو ماشین از دیدگاه افراد مختلفی که در این حادثه شرکت داشته اند .
راننده اول، راننده دوم، مسافران و پلیس .

نیایش

کتاب نامه

- ادبیات داستانی ، شماره پنجم ، تهران ، سخن ، ۱۳۸۶.
- استفاده از الگوی بدیعه پردازی در درس انشا، الهامی، محسن ، تهران، نشر سپیل پویش، ۱۳۸۱ .
- آموزش مهارت های نوشتاری(نگارش و انشا)، کتاب درسی پایه ی نهم، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴ ..
- آوای نامها از ایران زمین ،زنگنه، پری، چاپ دوم، تهران: کتابسرا، ۱۳۷۶.
- ایده خلاق، دو بونو، ادوارد، ترجمه بنفشه آشنا قاسمی ، تهران، نشر ایران بال ، ۱۳۸۹.
- بوی درخت گویا و مصاحبه با مارکز، مندوزا، پلینو، مترجم صفیه روحی، تهران: نشر نو، ۱۳۸۹.
- بیست و هشت اشتباه نویسندگان، جودی دلتون، مترجم سلیمانی، محسن، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۰.
- پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت، الکس اس.اسبورن، مترجم قاسمزاده، حسن، انتشارات نیلوفر، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- پلی به سوی داستان نویسی، عابدی، داریوش، ۱۳۷۸.
- پنج داستان، آل احمد، جلال، تهران : نشر فردوس ۱۳۷۶.
- تفکر خلاق، ووجک، تام، مترجم: پزشک پور، مهین دخت، تهران نشر ساز و کار، ۱۳۸۱.
- جلال پژوهی(مجموعه مقالاتی درباره آرا و اندیشه های جلال آل احمد به قلم گروهی از نویسندگان)بشیری، محمود؛ (۱۳۹۰)، ، تهران :نشر خانه کتاب، چاپ اول

- چشم ذهن، سیگل، دانیل جی، ترجمه دانایی، فروغ، تهران، نشر ذهن آویز، چاپ دوم ۱۳۹۰.
- چهل تن، امیرحسین و فریاد، فریدون: ما نیز مردمی هستیم، .
- خلاقیت رویکردی سیستمی، صادقی مالمیری، منصور، تهران، انتشارات امام حسین، ۱۳۸۶.
- خلاقیت و نوآوری با نگرش سیستمی، آقای فیشانی، تیمور، کتاب طلایی جامع، تهران، چاپ دوم ۱۳۸۹.
- داستان نویسی، اینگرمسن، رندی و اکونومی، پیتر، ترجمه کاظمی منش، سارا، آوند دانش، ۱۳۹۲.
- داستان های امثال، امینی، امیر قلی، اصفهان، ۱۳۲۴.
- درسهایی درباره داستان نویسی، بیشاب، لئونارد، محسن سلیمانی، سوم، تهران، سوره، ۱۳۸۲.
- دستور زبان فارسی (۲)، انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن، تهران: نشر فاطمی، سیزدهم، ۱۳۷۵.
- دفتر خاطرات حیوانات، غفاری، علیرضا، انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۰.
- دو کلمه حرف حساب، گزیده ای از طنز های گل آقا، نشر گل آقا، ۱۳۷۴.
- دولت آبادی، محمود: جای خالی سلوچ، تهران: آگاه، ۱۳۵۸.
- راهنمای روش های نوین تدریس، آقازاده، محرم، تهران، نشر آبیژ، ۱۳۹۱.
- راهنمای تدریس، مرتضوی زاده، حشمت الله، تهران، نشر عابد، چاپ پنجم، ۱۳۹۲.
- رهیافتی منسجم به پرورش تفکر خلاق و انتقادی، بوسترام، رابرت، مترجمان مجید خیام آور، محمد آرمند، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۰.
- روزبه، محمد رضا، ادبیات معاصر ایران، سوم، تهران، روزگار، ۱۳۸۷.
- روش ها و فنون تدریس، احمدزاده و دیگران، انتشارات پیام نور.
- روش ها و فنون تدریس، خورشیدی، عباس، تهران، نشر یسطرون، ۱۳۸۱.
- روش های نوین یاددهی - یادگیری و کاربرد آن ها در آموزش، اکبری شلدره، فریدون، قاسم پور مقدم، حسین و عزیزاده، فاطمه صغری، تهران، انتشارات فرتاب، ۱۳۸۸.
- صداهایی برای نوشتن، آواهای برای نوشتن، اکبری شلدره، فریدون، انتشارات روزگار، تهران، ۱۳۹۴.
- صدسال داستان نویسی ایران، ج ۳، میرعابدینی، حسن ۱۳۷۸.
- طنزآوران امروز ایران ۱ (مجموعه آثار منوچهر احترامی)، فرشادمهر، فریبا، سوره مهر، ۱۳۸۷.
- عناصر داستان، میرصادقی، جمال، اول، تهران، سخن، ۱۳۸۵.
- عناصر داستان، اسکولز، رابرت، فرزانه طاهری، اول، تهران، مرکز، ۱۳۷۷.
- غلط ننویسیم، نجفی، ابوالحسن، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰.
- قدرت خلاقیت در حل مسائل طوفان فکر و سایر تکنیک ها، کیانی، منوچهر، تهران، نشر مرنديز، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- قصه نویسی، براهنی، رضا، چهارم، تهران، البرز، ۱۳۶۸.
- لطایف الطوائف، صفی، فخرالدین علی، گردآورنده احسان درودیان، نشر شهر، ۱۳۸۸.

- لوازم نویسندگی، ابرایمی، نادر، چاپ اول، تهران: نشر فرهنگیان، ۱۳۶۹.
- ما نیز مردمی هستیم، چهل تن، امیرحسین و فریاد، فریدون، تهران: ۱۳۸۰.
- مثنوی معنوی، مولانا جلال الدین محمد، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵.
- مجموعه مقالات: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نشریه داخلی، شماره ۵۰، پروفیسور امین، سید حسن، اردیبهشت ۱۳۸۷.
- مهارت نوشتن گزارش و طرح، فورسایت، پاتریک، ترجمه علیرضا جواهری، تهران: نشر عارف، ۱۳۸۹.
- مهارت های آموزشی و پرورشی، شعبانی، حسن، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۶
- نوشتن خلاق، ریکو، گابریله، ال، مترجم گروه ترجمه کارگاه نوشتن خلاق برلن، نشرآمه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۱.
- هزار و یک پیشنهاد درخشان برای نویسندگی، شلو، رن، مترجم مریم جلالی، تهران: افراز ۱۳۹۲.
-
-